# نظری بایران

# و

# خلیج فارس

نگارش

اسمعیل نوری زاده بوشهری

# فهرست مندرجات


| موضوع | صفحه |
|---|---|
| **بغداد** | |
| منافع انگلیسها در بین النهرین و عملیات نظامی آنها - نامه اداره سیاسی بنایب السلطنه هندوستان و جواب سرلشکر «بارون» | ۲ |
| **خانقین** | |
| تاریخچه شرکت نفت انگلیس و ایران | ٤ |
| **خسروی بکرمانشاه** | |
| یادداشت ژنرال «دنسترویل» انگلیسی | ٦ |
| **کرمانشاه** | |
| اوضاع اقتصادی و آثار تاریخی طاق بستان و بیستون و نفتشاه | ۷ |
| **اسد آباد** | |
| حالات سید جمال الدین اسدآبادی معروف بافغانی | ۱۰ |
| **همدان** | |
| اوضاع اقتصادی و آثار تاریخی و تاریخچه استر ومردخای | ۱۲ |
| **قزوین** | |
| اوضاع اقتصادی آثار باستانی و تاریخچه «شرلی» در حضور شاه عباس | ۱۷ |
| **تهران** | |
| ابنیه قاجاریه و تاریخچه امیرکبیر و یادداشت «لرد کرزن» | ۲۰ |
| **راه بوشهر بشیراز از طریق فیروزآباد** | |
| جنک بین ایران و انگلیس در تل توپخانه ودر بندر بوشهر | ۲۵ |
| **سمنان** | |
| آثار باستان ومعدن نفت خوریان | ۲۹ |
| **دامغان** | |
| اوضاع اقتصادی و آثار باستانی | ۳۰ |
| **شاهرود** | |
| اوضاع اقتصادی و آثار تاریخی | ۳۱ |
| **سبزوار** | |
| اوضاع اقتصادی و آثار باستانی | ۳۲ |
| **نیشابور** | |
| اوضاع اقتصادی و ابنیه تاریخی | ۳۳ |
| **مشهد** | |
| اوضاع اقتصادی و آثار تاریخی و تاریخچه آستان حضرت رضا ع | ۳٤ |
| **تهران** | |
| مجلس شورایملی - تاریخچه پارلمان انگلیس وفرانسه و شرح جنک های ژنرال موند وژنرال رابرت انگلیسی و تاریخچه کاپتولاسیون در ترکیه و مصر و ایران | ۳۸ |
| **قم** | |
| آثار تاریخی و تاریخچه میرزا علی اصغرخان امین السلطان صدراعظم | ٤۷ |
| **اصفهان** | |
| اوضاع اقتصادی وابنیه باستانی و تاریخچه کارخانه وطن | ٤۹ |
| **تخت جمشید** | |
| آثار باستانی استخر ونقش رستم و یادداشت «سرجان ملکم» | ۵۹ |
| **شیراز** | |
| اوضاع اقتصادی وابنیه تاریخی | ٦٤ |

| موضوع | صفحه |
|---|---|
| **کازرون** | |
| آثار باستانی درتنك چوکان و جنك بین عشایر ایران وقشون انگلیس | ۶۷ |
| **برازجان** | |
| حالات واسموس آلمانی و تاریخچه جنك بین انگلیس و تنگستانیها | ۷۰ |
| **بندر بوشهر** | |
| اوضاع اقتصادی وابنیه قدیم و تاریخچه ریشهر | ۷٤ |
| **بندر عباس** | |
| اوضاع اقتصادی و تاریخچه بندر کامبرون | ۷۷ |
| **کرمان** | |
| اوضاع اقتصادی وابنیه قدیم و تاریخ آنجا | ۸۱ |
| **رفسنجان** | |
| اوضاع اقتصادی وصادرات آنجا | ۸٤ |
| **یزد** | |
| اوضاع اقتصادی و آثار باستانی و کارخانه های بافندگی آنجا | ۸۵ |
| **بندر جاسك** | |
| تاریخچه قدیم وجنك بین انگلیسها وپرتقالی ها و تاریخچه سیم تلگراف زیر دریائی | ۸۹ |
| **بندر چابهار** | |
| اوضاع اقتصادی وهجوم اعراب مسقط ویادداشت «لرد کرزن» | ۹۰ |

| موضوع | صفحه |
|---|---|
| **بندر لنگه** | |
| اوضاع اقتصادی و معاملات مروارید وجنگ بابخشدار آنجا | ۹۱ |
| **جزایر بحرین** | |
| اوضاع سیاسی ومعاملات مروارید | ۹۳ |
| **جزیره قشم** | |
| از زمان قدیم | ۹۶ |
| **جزیره هنگام** | |
| اوضاع سیاسی وفرار بخشدار آنجا به عمان | ۹۷ |
| **جزیره گیس** | |
| از زمان قدیم ومعاملات مروارید | ۹۸ |
| **جزیره هرمز** | |
| اوضاع سیاسی واقتصادی آنجا | ۱۰۱ |
| **جزیره خارك** | |
| اوضاع سیاسی ومعاملات مرواریدو یاداشت سرجیمس اترام | ۱۰۳ |
| اوضاع بنادر و جزایر خلیج فارس و بلوك دشتستان و تنگستان ومکران | |
| **چگونگی صید مروارید** | ۱۱۱ |
| خلیج فارس و اهمیت سیاسی و تاریخچه نیروی دریائی | ۱۱٤ |
| راه آهن ایران وتاریخچه سیاسی آن | ۱۱۸ |
| خاتمه درخصوص تعلیم و تربیت | ۱۲٤ |



# دیباچه

این کتاب که بنظر خوانندگان محترم میرسد یکرشته‌از مشاهدات آمیخته بمطالعات وحاصل چندین ساله زحمات این نویسنده میباشد که‌در طی مسافرت وسیاحت خود ازدیدن شهرها وآثار تاریخی و باستانی‌ایران یادداشت نموده واینك باتکمیل وتدوین‌آن بصورت کتاب تحت عنوان «نظری‌بایران وخلیج فارس» تقدیم هم میهنان گرام مینماید ـ منظور نویسنده از نگارش این‌کتاب نه‌فقط عبارت ازاین بود که «غرض نقشی است کزما باز ماند» بلکه بدین امید که شاید مطالعه‌آن برای خوانندگان گرامی مخصوصاً درقسمت وقایع مهم سیاسی وتاریخی حالات اوضاع مردمان بزرك برای خوانندگان خالی از فایده نباشد وازآنجائیکه هیچ کاری بدون نقص‌نیست حتی‌الامکان جانب اختصار را نگاهداشته‌امیدوار است‌که خردمندان نقائص و مختصر بودن این‌کتاب را بدیده اغماض نگریسته وبمصداق «که خالی نباشد بشرازخطا» رفتارنمایند .

**اسماعیل نورزاده بوشهری**

# نظری بایران وخلیج فارس

پس از بازگشت ازعراق عرب درسال ۱۳۰۷ خورشیدی از بغداد با راه‌آهن عازم خانقین شدم مسافت بین بغداد تـا خانقین درحدود ۱۸۶ کیلومتر است دهستانهای بین راه عبارتند از یعقوبیه ـ شهربان ـ قزل رباط وقره خان است لوکوموتیو نیرومند غرش کنان قطارکوه پیکر رامیکشید وما را ازمقابل آبادیها عبور میداد تاریکی اطراف را فراگرفته روشنائی برق واگونها نورخودرادراطراف پراکنده مینمود گهی بتاریکی وسیاهی دشت وهامون نظری میافکندم که روزگار مگر نقاش است که از دو رنك لیل ونهار نقش ونگار می‌بندد ستاره های درخشان سحری با انوار گلفام خویش ازپشت افق سر بدر آورده وطلیعه صبا را اعلام میداشت قطار ازمقابل دهستانها بسرعت میگذشت و با عبور آن منظره حیات چون یك فیلمی دفیله وار ازمد نظر میگذشت وسرعت زمان را که چه زود درگذر است درخاطر مجسم میساخت دراینموقع در باره فواید راه آهن ازنظر اهمیت بین المللی وهمچنین ازلحاظ سیاسی واقتصادی آن فکر میکردم که پس ازاختراع آن راه آهن بسرعت فوق العاده درکلیه ممالك راقیه بسط وتوسعه یافته و هر کشوری بنا باستعداد خود از آن بهره مند شده بطوریکه درمدت یکقرن ازتاریخ اختراع آن درحدود یك ملیون وپانصد هزارکیلومتر درجهان دایرگردیده وکمك بزرك و مؤثری به تقویت بنیه اقتصادی واحیای صنایع نموده ودر زندگانی بشر انقلابی تولیدکرد ونیز بیادمیاوردم که چطور «لردکرزن» معروف موفق گردید که نقشه راه‌آهن کویته ونوشکی را تامیرجاوه وزاهدان عملی نماید ودرنظر داشت که آنرا ازراه بلوچستان وکرمان از راه کنار جنوب ایران تابصره امتداد دهد

و تصمیم بابعالی در سال ۱۸۹۹ میلادی در دادن امتیاز ساختن راه‌آهن به آلمان از اناطولی به بغداد ضمناً انگلیسها حاضر شدند که آلمانها را در آسیای صغیر تاقسمت شمال بغداد آزادی عمل داشته باشند بشرطی که نظیر این امتیاز را خود در ناحیه جنوب بین‌النهرین دارا باشند که بتوانند سدی پولادین درجلو پیشرویهای آلمان وروسیه برای ممانعت ازرسیدن بدریای آزاد کشیده باشند.

یکی ازرجال سیاسی انگلیس در موقعیت بصره و بغداد میگوید که نظیر بنادر خلیج فارس میباشند و میبایست جزء منطقه قرار گیرد که تفوق نفوذ ما در انجا غیرقابل مقاومت باشد ومنافع سیاسی ما در خلیج فارس نباید محدود باشد بلکه تابغداد امتداد یابد بنابراین هر تغییری در وضعیت بین‌النهرین پیدا شود مانندتحولاتی دراوضاع خلیج فارس خواهد بود و نفوذ سایر دول در بغداد بهمان اندازه که نفوذ آن در جنوب ایران باشدنا گوارمیباشدچندی پیش ازجنك عالمگیر گذشته‌دولت انگلیس اعزام عده قشون به‌آبادان برای حفاظت مؤسسات ومنابع نفت‌آنجا لازم‌دانست اداره سیاسی هندوستان درنامه خود بنایب السلطنه هند پس از صادر شدن حکم فرستادن قشون مینویسد «از منظور مختلفی که برای بدست آوردن آنها اکنون سپاهیانی بخلیج فارس فرستاده میشود تأثر روحی که در رؤسای عرب مقیم خلیج فارس پیدا میشود دردرجه اول قرار میگیرد وحمایت‌مؤسسات‌وبالشگاه نفت‌آبادان رادرجه دوم حکومت هندوستان عقیده مند بود که ارزش نفت آنجا انقدر نیست که بالنتیجه حمله بخاك ایران بشود مقابله نمود»

سرلشکر «بارون» در پاسخ این‌نامه جواب میدهد که «درصورت حدوث‌جنك باترکیه منافع امپراطوری انگلیس در بین‌النهرین از بین‌میرود ومشایخ خرمشهر و بندر کویت که متحدین ماهستند تحت تهدید قرارگرفته ممکن‌است ازطرف ترکیه مورد حمله واقع‌شوند ودرنتیجه تمام‌حیثیات

و کوشش ما بهدر خواهد رفت و نیز موقعیت ما درخلیج فارس متزلزل خواهد شد».

ازششم نوامبر ۱۹۱٤ میلادی کشتی های جنگی انگلیس قلعه‌ترکیه را دردهانه‌شط‌العرب بامباران کردند فاو و بصره‌راتصرف نمودندوعملیات نظامی برای پیشرفت بطرف بغداد شروع گردید بااین طریق از تمام خطر احتمالی جلوگیری بعمل‌آمد و دست ترکیه ازبغداد و شامات قطع شد و اشغال نظامی آنجا را موجب گردید که هرگاه درمدیترانه اختلافی بین‌دول اروپا خاصه ایتالیا ظهور نماید ازراه‌خلیج فارس و بین النهرین تمام‌حرکات استراتژی خودرا بدون خطر بتواند انجام بدهد ودفاع مصر وکانال‌سوئز را با دردست داشتن این راه ارتباط نظامی کاملا محفوظ گردید و نیز از گشودن راه عبور سایر دول درخلیج فارس ودریای هند جلوگیری شد و بنام اجرای وظیفه حفظ هندوستان اقتدار خود را در خلیج فارس تأمین نمود .

بامداد روز جمعه وارد خانقین شدم هوا بسیارگرم و بازار و کوچه های این شهر کثیف بنظر میرسید اهالی آنجا بیشتر از نژاد کرد هستند اولین ساختمانی که جلب نظر میکرد بنای شرکت نفت ایران و انگلیس بود که برای تصفیه نفت‌ساخته شده است ونفت سیاه ازنفت‌خانه درچند کیلومتری وارد خانقین میگردد. مقدار نفت خانقین آنقدر نیست که بخارج فرستاده شود ولی تاحدی احتیاجات محلی را تأمین مینماید ـ امتیاز معدن نفت‌درناحیه نفت خانه«خانقین» ودر قسمت جنوبی آن جزء همان امتیازمعروف«دارسی»است که‌اکنون شرکت نفت‌ایران‌وانگلیس بدست آورده است .

شرکت نامبرده علاوه ازمعادن نفت سرشار میدان نفتون «مسجد سلیمان» در اطراف کوه موند درناحیه دشتی ودرگچ ساران ـ درهفت‌گل. درآقا جری ودر چاه سرخ بعملیات حفاری برای استخراج نفت پرداخته

ودر بعضی نقاط نفت پیدانمود ولی تا کنون استفاده کاملی نکرده است

(۱) «دارسی نیوزلندی» درسال ۱۲۷۸ خورشیدی دردوره مظفرالدین شاه امتیاز نفت وموم معدنی رابرای مدت شصت سال درجنوب ایران بدست آورد و باکمك مالی «شرکت برمه اویل کمپانی» در نقاط چاه‌سرخ در ناحیه کرمانشاه ودر حوالی دهلوران ودلپری درپشت کوه مشغول کار شد بعنوان حق‌الامتیاز بیست هزار لیره نقد وبیست هزار لیره سهام بدولت ایران داد بعلاوه تعهد کرد که صدی ۱۶ ازمنافع خالص را همه ساله بدولت ایران بپردازد وباسرمایه ۶۰۰ هزار لیره بنام شرکت استخراج اولیه مشغول عملیات حفاری گردید چون سرمایه شرکت مزبور بمصرف رسید مجدداً ازشرکت «برمه‌اویل کمپانی» تقاضای مساعدت مالی نمود در سال ۱۲۸۵ خورشیدی شرکت نامبرده درمیدان نفتون «مسجد سلیمان» مشغول حفاری شدو برای تسهیل کار خود شرکتی دیگر بنام بختیاری اویل کمپانی با سرمایه ۴۰۰ هزار لیره تأسیس نمود وسپس دارسی بدون مراجعه بدولت ایران حق امتیاز خود را بشرکت نفت انگلیس و ایران فروخت و از ایران رفت».

اکنون درمسجد سلیمان ازچندین حلقه‌چاه نفت استخراج میگردد وبرخی‌چاه هاهنوزدست‌نخورده‌است ومشهورترین‌آنها چاه اف‌نمره۷ است که سرشار ترین نفت را داراست پیش از جنك بین الملل گذشته دولت انگلیس برای تأمین سوخت کشتی های خودقراردادی باشرکت نفت‌منعقد نمود وعمده سهام شرکت را بالغ بردو میلیون ودویست هزار لیره بود خریداری‌کرد و بعد ها مقداری سهام از خوانین بختیاری خرید نمود و معادن نفت مسجد سلیمان را زیر نظر خود قرار داد اکنون مقدار زیادی نفت سیاه بوسیله کشتی ها ازآبادان برای‌تصفیه خانه درشهر سونیزی‌حمل ودر کارخانه های انجا تصفیه میگردد وبقیه درآبادان تصفیه میشود - نفت سیاه ازمسجد سلیمان بوسیله چند رشته لوله های بزرك از راه در خزینه

به‌آبادان واردمیشود درخسروآبادنزدیك آبادان‌اخیراً بندری برای‌صادرات نفت درسال ۱۳۱۵ خورشیدی ساخته شده که دارای چند انبار مخزن‌نفت وچند اسکله برای کشتی های نفت کش میباشد . صادرات نفت اکنون در سال بالغ بردوازده ملیون تن میشود .

عقیده پروفسور بوخ اطریشی که‌ازمهندسین‌عالی‌رتبه‌طبقات‌الارضی میباشد این بود که معادن نفت مسجد سلیمان درحدود پنجهزار پا نسبت به معادن نفت شمال ایران پائین‌تر قرار دارد ورشته‌هائی از چشمه های نفت شمال بطرف جنوب ایران جاری است . با درنظرگرفتن اهمیت‌نفت در زندگانی بشر وکم شدن این ماده حیاتی درجهان بعدها معادن نفت ایران ازنقطه نظرسیاسی واقتصادی در آتیه سرلوحه سیاست کشور های ذینفع خواهد گردید .

ظهر روز جمعه ازخانقین حرکت کرده بسرحد ایران وعراق عرب درنقطه موسوم بکوچل کوچل‌رسیدم دراین‌محل برج وقلعه کوچکی‌روی تپه قرار داده ومامورین مرزی عراق درآنجا نگهبانی میکنند ازاینجا وارد خسروی شدم دراین محل اداره گمرك وپست امنیه ایران واقع‌شده واز مرز عراق عرب تاقصر شیرین درحدود ۳۶ کیلومتر است قصر شیرین در دامنه کوه واقع شده وآثار یك قلعه ویرانه موسوم بقلعه داریوش در آنجا وجود دارد ورودخانه‌کوچکی نزدیك بشهر میگذرد که مزارع آنجا را مشروب میکندومحصول آن گندم‌وجو میباشدازقصر شیرین‌تا کرمانشاه درحدود ۱۷۷ کیلومتر است ودهستانهای بین راه عبارتند ازپل ذهاب — سرپل ـ پاطاق ـ کرند ـ حسن آ باد ـ شاه‌آباد وماهی دشت ومحصول‌آنجا گندم وجو وخشکبار است درپل ذهاب نقش یکی ازشاهان اشکانی‌دیده میشود که براسب سوار میباشد ویکنفر دسته گلی راباپادشاه تقدیم میکند ونیز در سرپل یك دخمهٔ دیده شدکه موسوم بدکان داود میباشد ودرآنجا نقشی در سنك کنده شده و تصویر مردی را در لباس مادهای قدیم

نشان میدهد.

درفصل زمستان قسمت بیشتر جاده مستور ازیخ وعبور مسافرین دشوار میباشد در گردنه پاطاق که طاق ویرانه وجود دارد یك لوح سنگی بنظر رسید که نوشته بود «فوج پنجابی نمره ۲۸۹ در ۱۹۲۰ میلادی وتاج سلطنتی انگلیس نیز برآن سنك کنده شده گویا در جنك بین الملل گذشته که زد وخورد هائی بین روسها وسپاهیان ایران وعثمانی در این ناحیه واقع شده وبعد سپاهیان انگلیسی بسرداری ژنرال «دنسترویل» نیز ازاین محل عبور کرده آنرا حك نموده اند ژنرال «دنسترویل» راجع بماموریت خود کتابی انتشارداده مینویسد «بااینکه ایران اعلان بیطرفی داده بودولی اراضی ان ازهمان ابتدای جنك عمومی مبدل بعرصه کشمکش ومحاربات قوای ترك وروس گردید ودر تمام نواحی بین کرمانشاه و قزوین شروع بزد وخورد نمودند واین وضع تاموقعی ادامه داشت که ما بغداد را بتصرف در آوردیم وکفه ترازوی روسها بدون تزلزل سنگین تر گردید» دربین راه کرمانشاه چندبرج وباروی مخروبه دیده شدکه مرکز دزدها وراه زنهای عشایر باجیلانی بود که خودرا تابع دولت عراق میدانند وبه تحریك دیگران درصدد خرابی جاده و نا امنی میباشند جعفر سلطان معروف ومحمدرشید بانه ازاین قسم اشخاص هستند.

اطراف جاده ودهستانها همه سبز وخرم بود خاصه در قصبه ماهی دشت که منظره باصفائی دارا میباشد ومحل قشلاق عشایرکلهر و سنجابی است پس ازطی مسافت ۳۱۲ کیلومتر ازخانقین واردکرمانشاه شدیم.

## کرمانشاه

کرمانشاه شهریست خوش آب وهوا آب فراوان در اطراف شهر جاری است ونهری ازچشمه سفید درمیان شهر میگذرد ورودخانه قره‌سو نزدیك شهر عبور مینماید وزراعت آنجا را مشروب میسازد اطراف شهر

را درخت ها و باغهای زیاد احاطه نموده است و محصول آن گندم ـ جو ـ حبوبات و تریاك است ـ اهالی این شهر اکثر از عشایر کلهر و سنجابی و اغلب خوش اخلاق و مهمان نواز میباشند ـ عمده صادرات کرمانشاه گندم روغن ـ کتیرا و تریاك و پشم است که مقدار زیادی برای بافتن قالی باراك میبرند ـ خوار بار و آذوقه شهر فراوان میباشد ـ تجارت و داد و ستد این شهر در دست بازرگانان یهود بغدادی است طبق صورت آمار گمرك در سال ۱۳۰۷ خورشیدی مقدار ۲۳۷ر۲۵۰ عدل قماش وسایر کالای دیگر از طریق بغداد وارد کرمانشاه شد، و نیز مقدار زیادی قند و قماش و نفت و بنزین از روسیه وارد این شهر گردیده است ـ اداره دارائی و خوار بار این شهر زیر نظر مسیو «دانوی» امریکائی است در ملاقات و مذاکرات که با او نمودم از اوضاع ایران بسیار افسرده بود بعدها شنیدم که استعفا داده و بامریکا مراجعت کرده است .

روز دیگر بملاقات آقای حسین شکیبا مدیر روزنامه رهبر رفتم وسپس آقای سلطانی رئیس فرهنگ کرمانشاه را ملاقات نمودم این شهر دارای ۱۵ دبستان پسران و ۱۵۵۸ دانش آموز و دو دبستان دختران و ۳۹۳ دانش جو میباشد جمعیت کنونی کرمانشاه را درحدود ۵۵۰۰۰ نفر میگویند و با این عده نفوس تعداد دانش آموزان آنجا بسیار کم است .

طاق بستان نزدیك کرمانشاه واقع است این محل درقدیم یکی از باغهای شاهی دوره ساسانی بوده و نقوش و تصاویر بسیاری دارد از جمله نقش دو نفر است که روی جسد شخصی که بر زمین افتاده ایستاده اند و یکی از این دو نفر تاج گلی بدیگری میدهد و نیز نقش شخص دیگری است که عصائی در دست دارد و تصویر خسرو پرویز مشاهده میشود که در قایقی نشسته و در جای دیگر درشکارگاه مشغول شکار است و درجای دیگر نقش شاپور دیده میشود که بر بدن شخصی ایستاده و نیز تصویر «والرین» امپراطور روم مشاهده میشود که تاج خود را تسلیم شاپور میکند و یکنفر نظامی پشت

سر والرین قرار دارد وباز نقش خسرو پرویز است بایکی ازسران لشکر خود ایستاده و در تصویر دیگر همین پادشاه دیده میشود که با یکی از درباریان خود وملکه اناهید ها است وملکه پیراهن ساری که هما کنون زنان زردشتی هندوستان میپوشند دربردارد و نیز نقش خسرو پرویز مشاهده میشود که براسب سوار وزره پوشیده وتیر وکمان و سپر در دست دارد ولی قسمتی ازچهره او ویکطرف صورت اسب خراب واز بین رفته است ازتماشای این نقوش وتصاویر بیاد روزهای عظمت واقتدار ایران باستان ومقایسه بااوضاع اسف انگیز کنونی افتاده افسرده شدم - در طاق بستان علاوه برآثار قدیم یك ساختمان دو اشکوبی وجود دارد که از بنای محمد علی میرزا اعتماد الدوله دولت شاهی میباشد آبی ازکوه جاری واز زیر این بنا میگذرد ودرحوض میریزد ضمناً تصویر اعتمادالدوله درآنجا ترسیم شده که روی صندلی نشسته ویکنفر درعقب سر او ودو نفر خدمتگذار جلو او ایستاده اند.

نفت شاه در ناحیه سومار نزدیك قریه طروق در ۷۲ کیلومتری قصرشیرین واقع شده و لوله‌های نفت ازاین محل بمسافت ۲۷۰ کیلومتر بکرمانشاه کشیده شده و تصفیه خانه آن در کنار رودخانه قره‌سو درشش کیلومتری کرمانشاه ساخته شده که درآنجا نفت‌را تصفیه و درداخله کشور مصرف میگردد و نفت ناحیه هفت گل نزدیك رامهرمز و نفت ناحیه گچساران دردشت میشان بین تنك قرغلی واقع گردیده‌و بمصرف داخله میرسد.

پس ازسه روزاقامت درکرمانشاه عازم همدان شدم دربین راه کوه بیستون واقع است درآنجا نیز نقوش وتصاویر بنظر رسید از جمله تصویر داریوش بزرك بود که پشت سر او دو نفر ایستاده و زیر پای او یکنفر بزمین افتاده‌است ودر جلو داریوش نه‌نفر از اسیران که دست آنهاازپشت بیکدیگر بسته شده ایستاده‌اند ودربالای سرپادشاه نقش اهورامزداو تصاویر فرشته‌ها دیده شد وپنج سطر بخط میخی درسنك. کنده‌شده‌ودرطی آن داریوش نام خودونیاکان خویش‌را نوشته و این نقوش در سال ششم پادشاهی او دراینجاترسیم شده دربین راه قصبه صحنه واقع‌است که محل باصفائی است

ونزدیك آن دخمه است که نقش فروهر در سنك کنده شده که از آثار دولت ماد میباشد ونیز چند لوحه بخط میخی دیده شد. دهستانهای عمده بین راه عبارتند از کنگاور - نهاوند - اسدآباد و اطراف همه سبز وخرم ومحصول آنجا گندم - جو. حبوب وتریاك وخشکبار است راه شوسه‌خط سیر ما است که درجنك بین‌الملل گذشته ابتدا روسها و بعد انگلیسها آنرا تعمیر ومرمت کردند وجاده صاف وهمواری است درفصل زمستان اکثر یخ‌بندان وصعب‌العبور میباشد خاصه گردنه اسدآباد که درزمستان‌خطرناك است - اسدآباد آب فراوان واشجار زیاد دارا است محصول آنجا گندم - جو - حبوبات وتریاك است اکنون یك دبستان و ٦٠ دانش آموز دارد اهالی آنجا اکثر کشاورزند. اسدآبادمقسط‌الراس مرحوم سیدجمال‌الدین که یکی ازاشخاص برجسته ونابغه بزرك ایران بوده است.

(۲) تاریخ حالات زندگانی سیدجمال‌الدین اسد آبادی را پروفسور «آرنست‌رنان» فرانسوی‌ونیزپروفسور«ادواردبرون» انگلیسی‌وسایرمورخین به تفصیل نوشته‌اند تولد آنمرحوم در اسد آباد همدان در کوی سیدان در سال ۱۲٥٤ هجری قمری بوده و پس ازچند سال توقف در عراق‌عرب وخاتمه تحصیلات خود به‌ایران‌آمد وچون دستگاه شرب‌الیهود ناصرالدین شاه‌راملاحظه نمودصلاح خود رادر اقامت ندانسته به‌افغانستان و از آنجا به هندوستان عزیمت نمود و چندی در حیدرآباد دکن ماند و با مرحوم سرسید احمد خان فقید قائد بزرك اسلامی‌هند ومؤسس کالج مدرسه‌العلوم علیکده ملاقات نمود (نویسنده از سال ۱۹۰٤-۱۹۱۰ میلادی خود یکی از دانش‌آموزان کالج بوده).

سیدجمال‌الدین دو سفر بمصر رفت و در سفر دویم ده سال در قاهره توقف کرد و در جامع‌الازهر مشغول تعلیم و تدریس علوم عالیه بود ودرآنجاانجمنی بنام حزب‌الوطنی‌تشکیل داد و جریده ضیاء الخافقین را انتشار نمود و اشخاصی مانند شیخ‌امام عبده مفتی قاهره واعرابی‌پاشا

وسعد زغلول پاشا وسایررجال بزرك مصری فریفته معلومات و نگارشات او شدند بالاخره به‌تحریك دیگران در سال ۱۲۹۶ هجری ازمصر تبعید وبفرانسه‌رفت‌ودرآنجا باپروفسور «آرنست‌رنان» مباحثات زیاددرموضوع توافق تمدن جدید اروپا با مذهب اسلام نمود و درپاریس‌روزنامه‌عروة‌ـ الوثقی را منتشر کرد ـ در سال ۱۳۰۰ هجری در برخی از ممالك اروپا و امریکا مسافرت نمود و در سال ۱۳۰۲ هجری به لندن رفت و با «لرد کلادستون» معروف‌نخست وزیر انگلیس ملاقات نمود درنظرداشت نقشه‌اتحاد اسلام را عملی نماید «لرد کلادستون» با تشکیل اتحاد اسلام موافقت کرد ولی وزیر خارجه‌انگلیس در آنموقع مانع این اقدام شد ـ مرحوم سید ازنو جریده ضیاء الخافقین را در لندن منتشر و به تبلیغات اسلامی مشغول گردید ـ در سال ۱۳۰۳ هجری ناصرالدین شاه‌بوسیله‌میرزا حسن خان صنیع الدوله مرحوم سید را به تهران دعوت نمود و چون درباریان ناصری مانع پیشرفت و اصلاحات او بودند سید جمال‌الدین ناچار درسال ۱۳۰٤ هجری از ایران از راه روسیه به‌اروپا مراجعت نمود ناصرالدین شاه در مسافرت به‌اروپا در شهر وین آنمرحوم را ملاقات وخواهش نمود که به‌ایران بازگشت نماید ـ در سال ۱۳۰۷ هجری از راه بندر بوشهر مجدداً به تهران آمد و امین‌السلطان صدر اعظم ازطرف شاه او را خیر مقدم گفت ویك انگشتر الماس و بعضی تحف دیگر به سید عطا گردید ـ پس از چندی توقف در تهران باز مفسدین و معاندین ذهن شاه را در باره سید مشوب‌نمودند وبالاخره در سال ۱۳۰۸ هجری‌مرحوم سید در حضرت عبدالعظیم تحصن اختیار نمود و به امر ناصر الدین شاه از ایران تبعید شد و به‌بصره رفت، و مراسلاتی چند به‌علمای بزرك‌ازجمله مرحوم حاج میرزا حسن شیرازی که ازحجج بزرك اسلام بود نگاشت و از مظالم واستبداد دربار ناصرالدین شاه شکایت نمود واز بصره‌عازم لندن گردید .

در سال ۱۳۱۰ هجری بنا بدعوت دولت عثمانی به‌اسلامبول رفت

و مورد احترام سلطان عبدالحمید واقع گردید و طرح نقشه اتحاد عالم اسلام را ریخت وسلطان فقیدنیز موافقت نمود ولی‌مفتی بزرگ اسلامبول موافق این امر نبود و بامرحوم سید ضدیت و سعایت مینمود عاقبت‌سید جمال الدین در اثر صدمات روحی مریض شد و در یکی از بیمارستان های اسلامبول بستری گردید و بدستور سری سلطان عبدالحمید در زیر عمل جراحی مسموم و شهید شد وفاتش در سال ۱۳۱٤ هجری است و آرامگاه آنمرحوم درگورستان شیخلر مزارلقی میباشد .

از شاگردان و پیروان مرحوم سید جمال‌الدین یکی برهان الدین بلخی صاحب کتاب ینابیع‌الموده - ومیرزا رضای کرمانی قاتل ناصرالدین شاه - و شیخ احمد روحی - و میرزا آقای کرمانی - و محسن خان خبیرالملك بودند این سه‌نفر اخیر محمود خان علاءالملك سفیر ایران در اسلامبول آنها رابوسیله مأمورین عثمانی گرفتار وبه‌تبریز روانه نمود و درآنجا به‌امر محمد علی شاه مخلوع کشته شدند .

اینکه‌برادران افغانی‌مامدعی هستندکه‌سید جمال‌الدین‌اصلا افغانی است مدرك صحیحی دردست ندارند وگویا اشتباه آنها ناشی ازاین شده که درافغانستان نیز قصبه بنام اسدآباد وجود دارد وممکن است افغانها تصور کرده باشند که مرحوم سید دراسدآباد افغانستان متولد شده است دیگرآنکه سید تخلص افغانی داشته و نیزشرحیکه سیدعیسی خان درسال ۱۲۹٤ هجری دراسلامبول تحت عنوان «یك مجاهد بزرگ» انتشار داده وسید جمال‌الدین افغانی معرفی کرده است .

اکنون که این سطور را مینویسم اسکلت مرحوم سید را پس‌از پنجاه سال افغانها از اسلامبول به‌افغانستان انتقال دادند سیاست این قضیه بر نویسنده روشن نیست .

## همدان

ازکرمانشاه به‌همدان ۱۸۷ کیلومتراست اطراف این شهر همه‌سبز

وخرم دارای باغها وآب فراوان است همـدان شهریست حاصل خیز واز حیث زراعت وفراوانی میوه وخوبی آب وهوا از بهترین شهرهای ایران است اهالی آنجا برخلاف مردم کرمانشاه باعاطفه ومهربـان نمیباشند کوه الوند در چند کیلومتری همدان است ودر آنجا مقبره امام زاده کوه واقع شده که محل بسیار با صفائی است ـ دره مرادبك وعباس آبـاد از بهترین مناظر فرح انـگیز همدان میباشد ـ جمعیت این شهر را در حـدود ۷۵۰۰۰ نفر میـگویند ودارای ۱۷ دبستان و۲۶۵۳ دانش‌آموزاست ـ دبستان آلیانس ومدرسه ومریضخانه امریکائی نیز درهمدان تأسیس شده ـ تجارت وبازرگانی این شهر بیشتر دردست بازرگانان یهودی بغداد است صادرات عمده آنجا خشـکبار ـ پشم ـ قالی ـ پوست دباغی شده ـ کتیرا ـ تریـاك ـ حبوبات ـ روغن‌وظروف سفالی بسیار ممتاز که در قصبه لالیجن که یکی از املاك امیرافخم همدانی بود ازصادرات مهم همدان است ـ اهالی اکثر زحمت کش و غالب کشاورزند ـ ودر امور مذهب ثابت قدم وبـا ایمان هستند همدان همان شهر تاریخی و قدیم هـکبـاتـان است چندین مـوقع مورد تهاجم مغول واعراب واقع شده است وپای‌تخت پادشاهان اشکانی و هخامنشی بوده هم اکنون در برخی از نقاط بیرون این شهر ظروف سفالی و سـکه های قدیم یافت میشود ـ یـکی ازآثارقدیم همدان سنك‌شیر میباشد که ازآثار دوره مادها بوده ونقش ومجسمه شیری‌است که درقدیم درسر درب قلعه قرار داشته وقلعه هـکبـاتـان دارای هفت حصار بزرك و دیوارهای آن مشرف بریـکدیـگر بوده وهر حصاری رنك خاصی داشته است که بنای آنرا دیوکوس از شاهان اولیه هخامنشی نموده است‌اکنون مجسمه شیر سنـگی دربیرون شهر خراب واثرکمی ازآن باقیمانده است‌از آثار قدیم دیـگر همدان دولوحه سنـگی است که بخط میخی نوشته شده و موسوم بجنك نامه میباشد وداریوش تاریخ جنـگها وفتوحات خود را در آنها نقر کرده است ودر بیرون شهر واقع است

درزمان قزل‌ارسلان درهمدان قلعه و نقاره‌خانه ساخته که‌دیوارهای آن تا چند سال پیش وجـود داشته وسعدی نیز اشـاره در موضوع این قلعه نموده است .

آرامگاه حکیم دانشمند شیخ ابوعلی سینا وزیر مجدالدوله دیلمی ومقبره باباطاهر عریان که ازفقها ومرتاضین بوده دراین شهرواقع‌شده و نیز آرامگاه استر ومرد خای که اکنون زیارتگاه یهودیان درهمدان میباشد استر ملکه یهودیه‌همسر کورش پادشاه هخامنشی بوده ودر تورات راجع‌به ملکه استر چنین مینویسند :

(۳) اخشورش که از هند تاحبشه بر۱۲۷ ایالات حکمرانی‌داشته ودارالسلطنه او درشوشن بوده درسال‌سوم سلطنت خود ضیافتی بافتخـار سرداران وامرای فارس ومآد داد ونیز ضیافت مجللی کرد که مدت هفت روز دوام داشت وعموم سکنه‌دارالسلطنه شوشن ازآن ضیافت برخوردار شدند دراینموقع نیز ملکه دشنی زنان بزرگان‌درباری وسرداران‌رابمهمانی دعوت نمود وچون اخشورش سرگرم باده نوشی شد امر نمود که ملکـه دشنی را با تاج ملوکانه بحضور شاه بیاورند تازیبائی او را بمردم نشـان دهد ولی ملکه دشنی مایل‌نبود با آن صورت بحضور عموم بیاید وفرمانی که پادشاه بوسیله خواجه سرایان دراحضار او داده بود اجابت نکرد - اخشورش ازاین نافرمانی ملکه‌دشنی در خشم گردید وبامقربان و ندیمان خود درموضوع نا فرمانی ملکه مشورت نمود اطرافیانش عرضه داشتند چون عدم اطاعت دشنی‌را زنهای بزرگان فارس ومآد که در مهمانی‌حضور داشتندشنیده‌اندممکن است به‌سرداران ووالیان مملکت خبر دهند واین موضوع شایسته مقام پادشاه نباشد و بهتر است دیگر ملکه را بحضور بار ندهد این سخن درنظر اخشورش پسندآمد ودیگر باملکه دشنی‌مراوده نداشت - بعد ازاین‌قضیه پادشاه بتمام ولایات دستور داد که هرجادختران نیکو منظر وزیبائی را پیدا نمایند بدارالسلطنه‌شوشن‌روانه دارند که‌بجای

ملکه دشتی بعقد پادشاه درآید ـ درآن زمان شخصی یهودی بنام مردخای درشوشن اقامت داشت واو ازجمله اسیرانی بود که بخت‌النصر او رااز بیت المقدس همراه بلنیا پادشاه یهودیان آنها را به اسارت آورده بود او استر دختر عموی خود را که دوشیزه بسیار وجیهه و خوشگلی بود نزد خود نگاهداری مینمود وچون فرمان پادشاه درگرد آوری دخترای نیکو منظر صادرگردید عده زیادی از دوشیزگان به دارالسلطنه شوشن فرستاده شدند وتحت نظر خواجه سرایان موسوم به‌هیجان وشعشعان قرارگرفتند که یکی ازآن دختران استر بودو بنابدستور مردخای یهودی‌بودن‌خودرا پنهان کرد و چون نوبت شرفیابی بهر دوشیزه میرسید باتشریفات‌خاصی او را بحضور اخشورش میآوردند وهر کدام ازآنها که مورد پسند بود پادشاه باعصای مرصع بطرف‌آن‌دختر اشاره میکرد وآن دوشیزه‌رابنام خود میخواند تا آنکه نوبت به‌استر دختر اسبحابیل که عموی مردخای‌بودرسید وپادشاه ازحسن وجمال استر زیاده ازحد خوشش‌آمد وتاج ملکه را بر سر او گذارد واورا بجای ملکه دشتی به‌همسری خود قبول نمود ومجلس جشن وسرور برپا کرد در روزهای جشن مردخای عموی استر دربیرون قصر شاهی گردش میکردوناظراین جشن وسرور بود دراین بین‌مشاهده نمود که دونفر ازملازمان اخشورش سوء قصدی نسبت بپادشاه دارند مردخای بلافاصله استر را مطلع کرد واو ازطرف مردخای این قضیه رابه پادشاه اطلاع داد وپس از بازجوئی صحت این سوء قصدرا معلوم‌وپادشاه امر به کشتن آن دونفر میدهد.

دراین موقع نخست وزیر کشور هامان بن همدانای آجاجی بود که پادشاه اورا بسیاراحترام مینمود وبواسطه احترامی که درنظر شاه‌داشت هنگام خروج او ازقصر شاهی عموم درباریان وملازمان نخست وزیر را تعظیم وتکریم مینمودند ولی مردخای‌احترامی نسبت به‌هامان بجانمیاورد و ضمناً یهودی بودن او را هم به نخست وزیر گفته بودند و او از این

بی‌اعتنائی مردخای بسیار عصبانی بود ودر پی فرصتی می‌گشت که انتقام
بکشد درسال ۱۲ سلطنت اخشورش روزی هانان نخست‌وزیر حضور پادشاه
عرضه‌داشت که قومی دراین‌مملکت هستند که‌آئین ومذهب‌آنها برخلاف
دین‌ومذهب پادشاه‌است هرگاه آنها بهمین رویه آزادگذارند موجب فساد
وهرج ومرج درمملکت میگردد واین موضوع بصلاح سلطنت ومملکت
نیست وچنانچه پادشاه قبول نماید آنقوم را بقتل رسانند وضمناً تعهدنمود
که ده هزاروزنه‌نقره برای اجرای‌این امر بخزینه‌پادشاه بپردازداخشورش
گفت هرچه درنظر تو پسندآید عمل‌کن بنابراین حکم قتل عام یهودیان
صادرگشت ومردخای درشهر پنهان شد وسپاهیان شاه عده زیادی از
یهودیان راکشته واموال آنها را غارت نمودند.

استرملکه‌یهودی که‌ازاین قضیه‌افسرده‌بود درقصر بحضوراخشورش
رسید وخواهش نمود که پادشاه بدفتر یادداشت های‌روزانه خودمراجعه
نماید و به بیند که آنجا نوشته شده که مردخای موضوع سوء قصد نسبت
به‌پادشاه را اطلاع داده وجان شاه را خریده‌است اخشورش پس ازمطالعه
دفتر یادداشت خود به استر گفت که درعوض این حسن خدمت‌مردخای
را بخشیدم‌وفرمان‌داد که‌اورا باعزت‌وتشریفات مخصوص بحضورآوردند
دراین موقع استر ومردخای حضور پادشاه استدعاکردند که پادشاه‌حیات
وهستی قوم یهودرانیز به‌بخشد وضمناً اظهار نمودند این مصیبت و کشتار
یهودیان بدست کسی انجام یافته که دشمن‌مملکت پادشاه است وآنشخص
هانان نخست وزیر است آنگاه اخشورش امر نمود که هانان و پسرانش
را بدار زدند وازآن بعد قتل‌یهودیان را ممنوع نمود ومردخای را نخست
وزیر خودکرد بعد ازاین‌واقعه یهودیان به‌امر مردخای درمقابل این کشتار
درحدود ۷۷۰۰۰ نفر ازاهالی شوشن وسایر ولایات راکشتند ازآن پس
همه‌ساله کلیمیان روزمنع‌قتل یهودیانراجشن میگیرند وآنرا عیدفورفوریم
مینامند و بواسطه خدمت بزرگی که استر و مردخای به قوم یهود کردند

این دو نفر را از مقدسین میدانند وقبر آنها زیارتگاه یهودیان میباشد .

بعد ازدو روز توقف درهمدان عازم قزوین شدم از بلوك خرقان و دهستان سلطان بلاق گذشته وارد قصبه آوج شدم باوجود فصل تابستان هوای آوج سرد بود دراینجا شنیدم که بیماری حصبه وآبله دراین قصبه شیوع یافته وهیچگونه وسیله بهداشت ودکتر ودوا دراینجا وجود نداشت بسیار افسرده بودم که چگونه هرروز یك عده مردم واطفال بیگناه بواسطه عدم توجه دولت بدیار عدم رهسپار میگردند واز شماره جمعیت قلیل کشور کاسته میشود . درنزدیك آوج چندچشمه آب گوگرد وجود دارد که مبتلایان به پا درد برای معالجه درآن استحمام میکنند پس ازتماشای چشمه ها حرکت نمودم جاده خرقان در زمستان عموماً یخ بندان میشود ومسافرت درزمستان بسیار مشکل میباشد ازهمدان به قزوین ۲۴۳ کیلومتر است .

## قزوین

این شهر دارای بازار بزرك وباغ ملی وچند خیابان وسیع بااشجار کهن سال است بااینکه در چهارراه ومرکز ارتباط کشور واقع شده ترقی محسوسی نکرده است و بحال قدیم وکم آبی باقیمانده ـ جمعیت قزوین درحدود ۴۹۰۰۰ نفر میگویند دارای ۱۴ دبستان و ۱۴۵۰ دانش آموز است وبا این عده نفوس تعداد دانش آموزان آن بسیار کم است واین نقصان بواسطه عدم تکافوی بودجه فرهنگی آنجا است . اهالی قزوین اکثر کوتاه قد هستند و اخلاق و رفتار آنها مخصوصاً نسبت به اشخاص تازه وارد خوب نیست .

محصول آنجا گندم ـ جو . حبوبات ـ پسته و کشمش میباشد که مقدار زیادی صادر میکنند آب مشروب از قنات بدست میآمد ولی بعضی از قنات ها اکنون خراب شده و نیز آب برای زراعت بسیار کم است ودرچندی پیش درصددساختن سدی بیرون شهر بودند ولی بصورت

عمل درنیامد .

قزوین در آغاز ظهور اسلام بسیار آباد ودارای مساجد ومدارس عالی بوده ومدتی پای‌تخت پادشاهان صفوی بود واز شهرهای قدیم ایران میباشد . مسجدشاه قزوین درسال ۱۲۲۲ هجری درزمان فتحعلی‌شاه‌ساخته شده ومسجد جامع این شهر در زمان هارون‌الرشید عباسی توسط ذکریا قاضی ومفتی این‌شهر بنا گردیده‌است وبعضی مورخین نوشته‌اند که‌قسمتی از این مسجد که شامل گنبد وشبستان است از آثار دوره سلاجقه میباشد وساختمان این مسجد توسط‌خمارتاش بن‌عبدالله‌عمادی درسال ۵۰۹ هجری بپایان رسیده و دارای عالی ترین نمونه از مجموعه خطوط کوفی میباشد اطراف‌شبستان کتیبه های زیادی بخط نسخ‌و کوفی‌است که درمیان گل‌و بوته گچ بری شده و قابل توجه است .

خمار تاش برای مسجد جامع نیز موقوفاتی برقرار نموده است دیگر از آثار قدیم این شهر مدرسه حیدریه است که یادگار دوره‌سلاجقه میباشد ودرعهد فتحعلی شاه تعمیر ومرمت شده است . آرامگاه شاهزاده حسین‌ازبناهای‌قدیم این‌شهراست ومحل‌اجتماع اهالی‌میباشد مقبره حمدالله مستوفی مورخ معروف وصاحب کتاب نزهةالقلوب که از ادبا و مشاهیر ایران بود درسمت شرقی قزوین واقع شده ونیز قلعه ویرانه در نزدیك این شهر وجود دارد که در عهد خلفای عباسی ساخته شده است - در سمت جنوب عمارت عالی قاپی بنای مخروبه است بنام عمارت نادری که آثار آن تاکنون باقیمانده .

درسال ۱۰۱۱ هجری به امر شاه عباس بزرك پای‌تخت از قزوین به‌اصفهان‌انتقال‌یافت‌قبل ازآن‌تاریخ‌شاه طهماسب اول شروع بساختمان‌های مجللی درقزوین نموده که یکی از آنها عمارت عالی قاپی میباشد و بعد شاه عباس آنرا به اتمام رسانید .

(٤) درسال ۱۵۹۸ میلادی «انتونی‌شرلی» وبرادرش «رابرت‌شرلی»

که ازنجبای انگلیسی وشهرت نظامی داشتند باچند نفر دیگر از طرف پادشاه انگلیس مأمور دربارشاه عباس شده ودرقزوین بحضور آن پادشاه بار یافتند شرلی مینویسد«مقصود اساسی از مأموریت او این بود که شاه عباس را وادار نماید که بادولت انگلیس برعلیه عثمانی‌ها تشریك مساعی کند ونیز باب تجارت وبازرگانی بین ایران و انگلیس باز نماید ـ شرلی برای آموختن فنون جنك بقشون ایران کوشش زیاد نمود و از طرف شاه عباس مأموریت یافت بدربار سلاطین اروپا برود او باداشتن سفارش‌نامه از راه مسکوعازم اروپا گردید پس از مراجعت از پای تخت ممالك‌اروپا بمادرید آمد ودر انجا فوت نمود ـ درسال ۱۶۰۹ میلادی برادرش‌رابرت شرلی ازطرف شاه عباس مجدداً مأمور شدوبدربارسلاطین اروپا رفت و به‌انگلستان آمد و مراسلات شاه عباس را که درآنها نسبت بپادشاه‌انگلیس «چارلی»اظهارمحبت‌ومودت شده بود و نیزتجار انگلیسی‌را دعوت به‌ایران کرده‌بود تسلیم‌اولیاءدولت‌انگلیس نمود«رابرت‌شرلی»راجع بتمول‌ومنابع وثروت ایران چنان دردربار انگلیس علو ومبالغه نمود که دولت انگلیس به‌طمع‌استفاده ازثروت سرشار ایران افتاد شرلی‌پس‌ازاخذ رتبه شوالیه به اتفاق«سردورمون کاتون» سفیرانگلیس به‌ایران مراجعت نمود وبا کشتی موسوم به « اکسیدشن» وارد بندر گوادر بلوچستان گردید والی کلات از ورود عده انگلیسی مطلع میگردد و سواران مسلح خود را مأمور گرفتاری یا کشتن آنها مینماید ولی شرلی میگوید که او سفیرفوق‌العاده شاه عباس است که از دربار سلاطین اروپا به ایران باز میگردد بنابرین والی کلات جرئت گرفتاری یااذیت آنها را ننمود وبقزوین وارد شدند .

«رابرت شرلی» در مراجعت از اروپابسمت فرمانده کل قشون در دربار شاه عباس برقرار گردید و در جنك های شاه عباس باسلطان‌عثمانی رشادت ودلیری از خود بروز داد و در این جنك ها زخمی گردید ـ شاه عباس دراین زدوخورد ها ممالك ایران از جمله تفلیس وتبریز ونهاوندرا

ازتصرف عثمانی‌ها خارج وآنها را کاملا شکست داده وقوای عثمانی‌ها را منهزم وپرا کنده نمود.
از قزوین به‌تهران ۱٤۷ کیلومتر است.

## تهران

پس از ورود به تهران بزیارت حضرت عبدالعظیم مشرف شدم عبدالعظیم فرزند زید بن امام حسن‌و امام زاده حمزه فرزند امام موسی کاظم‌وامام‌زاده‌طاهر فرزند امام زین العابدین (ع) نیزدراین محل مدفون هستند شرح حالات حضرت عبدالعظیم در کتاب روح ریحان بتفصیل نوشته شده وآرامگاه آنحضرت در گورستان قدیم شهر ری میباشد مقبره ناصرالدین شاه نیز در یکی از زاویه های حرم واقع و دارای بنائی عالی وسنك مرمر سفید بسیار ممتاز میباشد که تصویر آن‌پادشاه روی آن‌سنك کنده شده وعکس او نیز در آنجاست ـ بعضی از علمای بزرك تهران از جمله مرحوم حاج ملا علی کنی از فقهای بزرك اسلام بود ومرحوم حاج ابوالحسن میرزا شیخ‌الرئیس خطیب وشاعر مشهور درآنجا مدفونند ـ از تهران تاقصبه حضرت‌عبدالعظیم در حدود ۸ کیلومتر است.

هنگام اقامت در تهران برای تماشای مهمانخانه لقانطه رفتم که ساختمان آنرا مرحوم نظام‌الملك صدراعظم ناصرالدین شاه بنا نموده و دارای عمارت بسیار عالی‌ومجللی وحوض بزرگی است واطاق‌حوضخانه از سنك های مرمرساخته شده درتالار فوقانی این بنا تصاویر ونقاشی‌های تاریخی وجود دارد از جمله دربار سلام و تصویر ناصرالدین شاه را نشان میدهد برتخت طاووس جلوس نموده و فرزندان او مظفرالدین شاه و مسعود میرزاظل‌السلطان وسایرین در جلو و درعقب تخت ایستاده اند و نظام‌الملك باللباده ترمه وعصای مرصع وخواجه باشی حرم سرا در حضور شاه‌ایستاده وامرا ورجال‌آنعصرهمه باللباده ترمه وکلاه بلند وپاشال کلاه که معمول‌آن زمان بوده دردوصف در پیشگاه ناصرالدین‌شاه صف کشیده‌اند

و نیز تصویر وزیر امور خارجه با سفرای روسیه و عثمانی و فرانسه مشاهده میشود تخت طاووس محمدشاه هندی با بعضی جواهرات نفیس و گران بها از جمله انفیه‌دان زمردی و کوه نور و دریای نور به‌شهریار ایران نادرشاه تقدیم نمود تخت طاوس مکلل بجواهرات قیمتی است و به‌این جهت آنرا تخت طاوس میگویند که دوشکل طاوس در طرفین تخت قرار دارد در تاریخ هند مینویسند زمانیکه نادرشاه بعد از تصرف دهلی پای تخت هندوستان صورت جواهرات خزینه را از محمد شاه هندی خواسته بود او نام الماس های کوه نور ودریای نور را در صورت جواهرات ننوشته بود ولی بعد آنها را تسلیم پادشاه ایران نمود بعد ازفوت نادرشاه کوه نور بدست یکی ازامرا وراجه های پنجاب رسیده بودو آنرا بملکه «ویکتوریا» جده پادشاه کنونی انگلیس تقدیم نمود اکنون در موزه لندن وجود دارد ولی دریای نور در خزینه ایران است و فتحعلی شاه نام خود را بر آن حك کرده است .

از ابنیه عالی تهران مسجد جامع و مسجد شاه است که در زمان فتحعلی شاه ساخته ودیگر مسجد سپهسالار است که درسال ۱۲۹۸ هجری بنا گردیده ودارای حیاط وسیع وسه ایوان کاشی کاری بسیار عالی و چهارمناره میباشد اکنون محل دانشکده معقول ومنقول است تصویر مرحوم سپهسالار بانی این مسجد در کلاس درس نصب گردیده است از بنای دیگر آنمرحوم عمارت بهارستان ومجلس شورای ملی است که بیادگار او باقی مانده از دیدن این بنا ها بروح انمرحوم درود فرستادم ـ عمارت مسعودیه وزارت فرهنگ از بنا های مسعود میرزا ظل السلطان است که رضا شاه پهلوی بمعارف ملت تقدیم کرده در سر در این ساختمان نوشته شده « هدیه سردار سپه و رئیس کل قوا بمعارف ایران » این ساختمان دارای چند حیاط بزرك و اطاق و تالار های زیاد است ویکی از تالارها آن مخصوص موزه میباشد چندین پرده نقاشی وتصاویر رجال معروف ایران و تصویر ناصرالدین شاه و دو مجسمه نیم تنه او از گچ ریخته شده و نیز درهای خاتمکاری و اشیاء عتیقه وظرف سفالی قدیم

در اینجا مشاهده میشود - اکنون که این سطورا مینویسم عمارات مجلل وآبرومندی برای کتابخانه ملی و موزه باستانی در تهران ساخته شده در این کتابخانه صدها کتاب بزبان‌های مختلف بدسترس عموم گذارده‌شده ودر موزه باستانی اشیاء عتیقه و گرانبها وجود دارد که قابل توجه است وهمه وقت برای عموم مردم باز است - روز دیگر برای دیدن بعضی از وزارتخانها رفتم واز جمله وزارت امور خارجه بود که قبلا حرم سرای پادشاهان قاجاریه بوده وپرده نقاشی وتصویر فتحعلی شاه که برتخت نشسته وفرزندان ورجال در حضور او ایستاده‌اند .

اکنون ساختمان عالی ومجللی که دارای چند اشکوب است برای وزارت امورخارجه ساخته‌اند که قابل تمجید است درقصر گلستان درایوان عمارت تخت مرمر چند پرده نقاشی و تصاویر فتحعلی شاه ومحمد شاه‌و ناصرالدین‌شاه‌را مشاهده نمودم تخت مرمر که پایه های آن بردوش‌چهار مجسمه از سنك مرمر قرار دارد ونیز ابنیه وعمارات دیگر از جمله قصر ابیض وعمارت خورشید وقصر بریلیان و عمارت موزه که تخت طاوس در آنجا گذارده شده بسیار تماشائی است نیز حوض مرمر را که بنام خلوت کریم خان معروف است دیدن نمودم میگویند آقا محمد خان خواجه اسکلت مرحوم کریم خان زند را از شیراز به تهران آورده ودر پای پله ایوان‌حوض مرمردفن‌نموده‌بود وبعد به‌امر رضا شاه‌پهلوی بجای دیگر منتقل ودفن شده است - از ابنیه دیگر عهد قاجار شمس‌العماره‌در قصرگلستان وقصر بلور است که کف ودیوار های تالارها در زمان مظفرالدین شاه از سنك های بلور ساخته شده وبه‌قصر بلوردرشهر «وین» شباهت داشت اکنون این عمارت خراب شده و در بیرون تهران قصور قاجار وقصر سلطنت آباد مشاهده شد قصر اخیر بنائی است بسیار عالی و دارای تالار بزرك‌موسوم بحوض‌خانه‌و نقاشی وتصاویر ممتاز از سلاطین خارجه وسفرای دول بیگانه وپادشاهان قاجاریه ورجال نامی میباشد که‌از

هنر نمائی وشاهکاری نقاش معروف مرحوم کمال‌الملك است و نیز قصر صاحب قرانیه که ناصرالدین شاه ساخته و تالار مزین و آئینه کاری آن معروف بجهان نما است - و قصر دارا آباد اکنون معروف است بشاه‌آباد که مظفرالدین‌شاه ساخته وقصر دوشان‌تپه‌در سابق وسط این قصر باغ‌وحش بوده نیز کاخ فرح آباد که قسمتی از باغ آن میدان اسب دوانی بوده و عمارت بادگیر که در زمان فتحعلیشاه ساخته شده و تالار بزرك شاه نشین دار مزینی که دارای تابلو های و نقاشی ممتاز است و این قصور از آثار تاریخی بشمار میرود. در تهران اکنون عمارت وابینه های‌چند اشکوب عالی وخیابانهای وسیع ومهمانخانه های مجلل ساخته شده که برابری با شهر های بزرك اروپا میکند و نیز وسعت شهر نسبت بزمان قاجاریه چند برابر گردید که درحقیقت قابل تعریف است.

روز دیگر برای دیدن دبیرستان دارالفنون که از آثار نیك‌مرحوم میرزا تقی‌خان امیر کبیر است‌رفتم پس‌ازتماشای آنجا بروان پاك‌آنمرحوم درود فرستادم جا دارد که وزارت فرهنك مجسمه آنمرحوم را ساخته و دردارالفنون نصب نماید یا آنکه یکی ازخیابانهای تهران‌را بنام امیرکبیر نام‌گذاری کنند - مورخین قتل امیر کبیر را هریك طوری نوشته‌اند.

لسان الملك سپهر مؤلف ناسخ التواریخ مینویسد که امیر کبیر بمرض نقرس فوت نموده ولی اعتمادالسلطنه و سایرین قتل امیرکبیر را تصریح میکنند - دیگری مینویسند :

(٥) سبب قتل امیرکبیر اثر رنجش درباریان و متنفذین و دسیسه کاری میرزا آقاخان نوری و تحریك مهدعلیا مادر ناصرالدین شاه بودونیز آنتریك سفیر دولت روسیه تزاری که فهمیده بود امیرکبیر زمینه رافراهم مینماید که باحسن تدبیر وفکر صائب‌خود شهرهای قفقاز وترکستان رابه ایران برگرداند ومقدمات آنرا باخان خیوه و امیر بخارا در نظر گرفته بود - سفیرروس از مخالفت درباریان با امیر کبیر در موقع استفاده نمود ومحرمانه بامیرزا آقاخان نوری ومهدعلیا برعلیه امیرکبیر اقداماتی کرد و

همچه وانمود که امیر قصد از بین بردن ناصرالدین شاه را دارد و نیز گفته بود که آنمرحوم بعضی از شب‌ها باوی ملاقات ومذاکره مینماید و برای اثبات این قضیه شبی از امیر کبیر وقت ملاقات میخواهد و بمنزل او میرود درباریان به ناصرالدین شاه خبر میدهند وشاه درمحلی نزدیك خانه امیر کبیر مخفی شده و آمدن سفیر روس را درخانه امیر کبیر مشاهده میکندوسبب سوء ظن شاه که منجر به کشتن امیر در فین کاشان میگردد.

«لردکرزن» مینویسد درمیان رجال درستکار ووطن پرست ایران میرزاتقی‌خان امیر کبیر و میرزا حسین خان سپهسالار قزوینی‌را نام میبرم که هردو مصدر صدارت‌عظمی داشتندوجدیتی برای‌اصلاح قشون ایران ابراز میکردند اما امیر کبیر بطور آشکارا و میرزا حسین خان سپهسالار محرمانه درنتیجه سوءسیاست دربارناصرالدین شاه کشته شدند.

مرحوم میرزا عبدالرحیم طالب‌اف مشهور درکتاب سیاست‌طالبی مینویسد« درعهد سلطنت قاجاریه درایران جز امیرکبیر مرد تاریخی‌ظهور نکرد ناصرالدین شاه از قتل امیرکبیر نادم و پشیمان شد و همیشه نام آنمرحوم را به احترام یاد میکرد و نیکلای اول امپراطور روس از شنیدن خبر قتل امیرکبیر در شهر یالتا از شدت خوشحالی دست شعف زد اما روزی خواهدآمد که اخلاف درآینده مجسمه آنمرحوم را باطلا ساخته روز قتل او را احترام گذارند. اگر سپهر بی‌مهر در تاریخ خود امیرکبیررا هجو نموده‌است عرض‌خودرا برده وزحمت‌مورخین‌را افزوده است» نویسنده گوید خدمات امیر کبیر درزمان تصدی صدارت عظمی در ایران زیاده بوده از جمله تنظیم واصلاح بودجه ایران وآوردن افسران اطریشی برای تعلیم وفنون جنك نظام ایران و ترتیب ونظم چاپارخانه ها وپست در نقاط کشور وتشویق وترغیب صنعتگران و امور سرحدی بین ایران وعثمانی وسایر اصلاحات دیگر که در تاریخ ثبت جاوید است.

درتهران بملاقات«مسیو بولن» معاون‌فنی «پولندامریکائی»متخصص راه‌آهن درایران رفتم وررونوشت گزارش خود را راجع براه‌آهن از

طریق بندر بوشهر و فیروز آباد بشیراز بایشان ارائه نمودم در آنموقع مسیو «کارل» امریکائی مهندس فنی راه آهن از خوزستان بمرکز آمده ودو بوسیله بولن ایشان را نیز ملاقات ومذاکره کرده و گفتم که بسیاری از ایرانیان روشن فکر خاصه بازرگانان بنادر جنوب تقاضا کرده بودند که راه آهن سرتاسر ایران از طریق بندر بوشهر بداخله کشیده شود که باعث عمران و آبادی شهر های عمده و مهم ایران گردد و برعکس راه آهن از طریق بندر شاهپور فقط سه شهر اهواز و اراك - قم در مسیر خط آهن واقع میگردد .

بیمناسبت نیست عین رونوشت گزارش نامبرده را برای اطلاع خوانندگان این کتاب را بنویسم

## راه بوشهر بشیراز از طریق فیروز آباد

مناسب ترین بندر و ایستگاه راه آهن بندر حلیله است که در چند کیلومتری بوشهر قرار گرفته و در قسمت جنوبی خور حلیله واقع شده و لنگرگاه آن برای کشتی هائیکه آبخورشان در حدود هفت متر است میتوانند در یك کیلومتر دورتر لنگر اندازند و برای دخول کشتی ها بسیار بندر خوب و مناسبی میباشد - از حلیله تاقصبه چاه کوتاه در حدود ٥٤ کیلو متر راه کاملا صاف و هموار است - از چاه کوتاه تا قریه سمل ٤٢ کیلومتر است و از آنجا تاتل توپخانه ١٢ کیلومتر فاصله دارد (٦) در تل توپخانه چشمه آب شیرین موسوم به نانیزك وجود دارد واز تل توپخانه تا دشت کنار دروازه ١٨ کیلومتر است که جاده صاف و هموار است و از کناردروازه تاچك دربست و چاه گزی راه ناهموار و دارای چند تپه میباشد در این محل نیز چشمه آب مشروبی بنام سلطان مهدی وجود دارد ازچاه گزی تا قصبه کلمه ١٢ کیلومتر و جاده صاف و هموار است و از کلمه تا قریه خنین در حدود شش کیلومتر فاصله میباشد و از این محل از گردنه و تنك

زبرو گذشته به‌قصبه پشگون میرسیم که ۱۸ کیلومتر مسافت داردو راه آن کاملا هموار است از پشکون تا قصبه خمیرك در حدود ۴۲ کیلومتر و جاده صاف میباشد و دراین‌محل نیز چشمه آبی وجوددارد و از آنجا تا گردنه و تنك پازن راه نیز هموار است و از این گردنه در حدود ۱۸ کیلومتر تا پازنون و سه یخی راه ناهموار ودارای تپه‌های زیاد میباشددر پازنون نیز چشمه آب وجود دارد - از سه یخی تاقصبه دهه نو ۶ کیلومتر است و از آنجاتا فیروزآباد ۱۲ کیاومترفاصله‌دارد و جاده کاملا صاف و هموار میباشد در این محل بواسطه عبور رود خانه میبایست پل ساخته شود- از فیروزآباد تا شیراز دو راه وجود دارد که یکی بطرف قصبه گیلکی میرود و از میان کوه میگذرد و جاده دیگر از طریق کوه‌پشمی موسوم بدو راه بفاصله ۶ کیلومتر بتنك هلالو و بلوك خواجه میرسد از این‌جا تا قصبه زنجیرون ۱۸ کیلومترمسافت دارد و از زنجیرون تا گردنه پنبهٔ وتنك موك در حدود ۲۴ کیلومتر است در این محل راه ناهموار و دارای کوه و تپه‌ها میباشد در عمق این تنك رودخانه کول عبور میکند سپس بقصبه کول میرسد و ازکول تا شیراز ۵۴ کیلومتر و جاده‌ها کاملا صاف وشوسه میباشددهستانهای بین فیروزآباد و شیراز عبارتنداز نوروزان فتحبند - دهك - علی‌آباد و جعفرآباد است و محصول آنجا گندم - جو- برنج - ذرت- پنبه و تریاك است اهالی آنجا اکثر کشاورزند- از بندر بوشهر تا شیراز از طریق فیروزآباد درحدود ۲۸۸ کیلومتر است و کاروان مدت هشت روز این مسافت راطی میکنند (۶) تل توپخانه در سال ۱۲۳۲ خورشیدی نقش‌مهمی در جنك بین‌ایران و انکلیس‌بازی کرد و دژ محکمی بشمار میرفت چون سلطان مراد میرزا حسام‌السلطنه هرات را فتح‌کرد دولت انگلیس رابطه‌سیاسی خود را باایران قطع نمود بنابرین سرهنك «جانس» کنسول انگلیس‌دربوشهر مراسله بمیرزاحسین‌خان‌دریابگی فرماندار بوشهرنوشت که برحسب امر دولت‌متبوعه خود از بوشهرمیرود

پس از حرکت او «ژنرال اترام» با ۲۲۷۰ نفر توپچی و ۷۱۵۰ نفر پیاده نظام هندی و یک عده مهندسین باسی کشتی در بندر حلیله پیاده شده و بطرف قلعه ریشهر و بوشهر پیشروی نمودند در اینموقع پادگان ایران در بوشهر دو فوج سرباز قرچه داغی و یک فوج سرباز نهاوندی بسرداری سرتیپ محمدعلی خان بدون مهمات وساز برگ بودند و یکعده ازاین نفرات بقلعه ریشهر که جز دیوارخا کریز و خندقی خشک و ویرانه بیش نبود فرستاده شدند این هنگام باقرخان تنگستانی باپسرش احمد خان باسیصدنفرچریک تنگستانی برای دفاع قلعه ریشهر وارد گردید - دراین بین دریابگی مراتب را بمؤیدالدوله والی فارس اطلاع داد او بیدرنگ محمدقلی خان ایلخانی قشقائی و لطفعلی خان سرتیپ فوج قشقائی را با یک فوج سرباز و هزار سوار قشقائی را با چهار عراده توپ از راه فیروزآباد به تل توپخانه اعزام نمود و از طرف دیگر محمد علی خان نوری شجاع الملک را بایکفوج سرباز خاصه و ۲۵۰ سوار وچهار عراده توپ از شیراز از طریق کازرون ببزارجان فرستاد - ژنرال اترام سردارانگلیسی بدریابگی فرماندار بوشهر ۲٤ ساعت مهلت داد که اهالی غیر نظامی از بوشهر خارج شوند ویا آنکه بیرق ایران را بزیر آورده و قشون ایران که ساخلوی بوشهر بودند تسلیم گردند - دریابگی که نه اجازه جنگ و نه دارای استعداد کافی بود حیران و هراسان شده و نمیدانست چه کند در اینموقع لشکریان انگلیسی باسی عراده توپ به کالری مختلف درسپیده دم بقلعه ریشهر حمله نمودو باقرخان تنگستانی با فرزند خود احمدخان و شیخ حسین خان چاه کوتاهی ازقلت عده خود و زیادی نفرات دشمن نهراسیده دلیرانه مشغول جنگ شدند و زدوخورد خونین از بامداد تا ظهر ادامه یافت و کار بجنگ تن بتن رسید و در ضمن جنگ ۷٤۰ نفر سرباز هندی و پنجاه نفر افسران انگلیسی و یک افسر ارشد آنها کشته شدند و از تنگستانیها نیز عده کشته و زخمی گردیدند و از طرف کشتی های جنگی نیز قلعه را بمباران شد و احمد

خان فرزند دلیر باقرخان زخمی کشته شد هنگامیکه او بازخم زیادی بزمین افتاد و تفنك خود را در دست داشت یکی از افسران انگلیسی بر بالین او میرسد و میگوید که تفنك خود را تسلیم نماید ولی احمد خان تا آخرین دقیقه زندگانی حاضر بتسلیم سلاح خود نمیگردد ـ پس از تصرف قلعه ریشهر ژنرال انگلیسی با هشت فوج پیاده نظام ببرج خلعت پوشان نزدیك بوشهر حمله کردو دو نفر توپچی ایرانی را کشته و توپ و برج را تصرف نمود دراین بین محمد خان دشتی و محمدحسن خان برازجانی باعده سرباز برج راتخلیه و فرار میکنند ودریا بگی فرماندار بوشهر چون حال را بدین منوال دید بیرق ایران را بزیر آورده و از راه شیف بطرف برازجان فرار کرد. سپس قشون انگلیسی از راه شیف ببرازجان رفت و قصبه خوشاب را دربین راه متصرف شدند در اینجا جنگی سخت بین آنها و سپاهیان اعزامی از شیراز در گرفت که عده از طرفین زخمی و کشته شدند عاقبت جنك در نزدیك برازجان متوقف و دولت ایران حاضر بمتارکه جنك گردید در سال ۱۸۷۵ میلادی عهدنامه معروف به پیمان پاریس بین ایران و انگلیس بسته شد و ایران هرات را برای همیشه تخلیه نمود وقشون انگلیس بندر بوشهر و خرمشهر و جزیره خارك را نیز تخلیه کردند. فیروزآباد بنام دژ گور معروف بوده بعدها سعدالدوله دیلمی آنجا را آباد نمودو فیروز آباد نام گذارد اکنون از آثار قدیم این شهر یکی قلعه دختران و دیگر نقش و تصاویر اردشیر و هرمز باچند نفر سوار و نیز آتشکده در آنجا وجود دارد

بعد از چند روز اقامت از تهران از راه قشلاق بعزم مشهد حرکت کردم از تهران تا مشهد دو راه وجوددارد یکی ازطریق قشلاق و ایوانکی که دارای جاده خراب و ناهموار است ودیگر راه فیروز کوه است که از میان جبال شامخ البرز میگذرد ـ از تهران بفیروز کوه در حدود ۱۴۱ کیلومتر و از آنجا تاسمنان ۸۱ کیلو متر فاصله دارد و بواسطه عبور از پرتگاه تا اندازه خطرناك است غروب آنروز بقصبه ایوانکی رسیده و از

آنجا گذشته و از گردنه تنك دره‌سرخار که محلی‌است‌مخوف و طولانی عبور کردم و این دره در تاریخ مشروطیت ایران شهرتی دارد زیرا در این محل سپاه محمدعلی‌شاه‌مخلوع که از عشایر ترکمن تشکیل یافته بود‌بسرداری ارشدالدوله که در صدد حمله بتهران بر آمد و در مقابل قشون دولتی و نفرات بختیاریها بسرداری یفرم‌خان ارمنی و سردارمحیبی بودند شکست خورده و منهزم شدند. قشون ارشدالدوله از بغدر کمش تپه شروع به پیشروی نمود و بالامانع تا ایوانکی آمدند و خود ارشدالدوله درجنك زخمی واسیر گردید و در میدان نبرد تیرباران شد

دو ساعت از شب گذشته وارد قصبه قشلاق شدم این قصبه بسیار خوش آب و هوا و باصفا است ازتهران بقشلاق در حدود ۱۰۲ کیومتر و از آنجا تاسرخه ۹۶ کیلومتر و تاسمنان ۲٤کیلومتر است.

# سمنان

سمنان یکی از شهرهای‌قدیم میباشد و جمعیت آنجادرحدود بیست هزار نفرمیگویند و دارای سه دبستان وعده‌کمی دانش‌آموز است و نیز دو مسجد که یکی‌ازآنهاامیر بختیار در بین سال ٤٤٦ر٤١٧ هجری‌بپایان رسانیده‌و ایوان بزرك این مسجد را شاهرخ در سال ۸۸۰ هجری ساخته و بقیه ساختمان آن قدیم‌تر بوده‌است و یك قسمت آن مسجد در زمان فتحعلی‌شاه تعمیر شده و منار آن مربوط بدوره سلاجعه میباشد بنای‌دیگر دراین‌شهرمسجد سلطانی است که در سال ۱۲٤۲ هجری در عهد فتحعلی شاه ساخته شده دیگر از آثار قدیم سمنان‌خانقاه شیخ علاءالدوله سمنانی در دوره مغول در صوفی آباد در سه فرسنگی سمنان میباشد و این بنا را منسوب بجمال‌الدین عبدالوهاب وزیرالجاتیو میدانند.

معدن نفت این ناحیه سالها است مورد توجه روسها میباشد و چند سال پیش طبق قراردادی‌که‌بین روسیه‌ودولت‌ایران منعقد شده بودهرگاه

تا مدت پنج سال نفت خوریان را استخراج ننمایند باید قرار داد لغو شود ولی از طرف روسها اقدامی برای استخراج بعمل نیامد - بنا برین در چندی پیش شرکت امریکائی «استاندارد اویل کمپانی» قراردادی با ایران بسته و مهندسین و نمایندگان آنها بایران آمدند و مشغول کار شدند و طبق پیمان دیگر مقرر گردید که لوله‌های نفت خوریان را تا بندر چابهار امتداد دهند و بالشگاه نفت در آن بندر تأسیس شود ولی طولی نکشید که شرکت نامبرده امتیاز خود را لغو نمود و طبق قرارداد مبلغی بدولت ایران پرداخت معادن دیگر از جمله آهن در نزدیك سمنان وجود دارد تا کنون استخراج نشده و ایرانی از ثروت طبیعی معادن خداداد محروم مانده است محصول سمنان عبارت از گندم - جو - حبوبات و میوه و پنبه میباشد اطراف این شهر باغهای زیاد وجود دارد که از چند قنات مشروب میگردد - اهالی آنجا همه فقیر و بیچاره و اکثر کشاورزند .

صادرات سمنان خشکبار و پنبه است که بروسیه حمل میگردد از سمنان بدامغان در حدود ۱۱۶ کیلو متر فاصله است اخیراً کار خانه ریسمان بافی در سمنان تأسیس شده و مشغول نخ ریسی میباشد

## دامغان

آثار قدیم و تاریخی در حوالی دامغان محلی است موسوم به صد دروازه «هتکاتوپلیس» که پای تخت قدیم اشکانیان بوده و دیگر مقبره امام زاده جعفر و کتبه بنای این مقبره بامر شاهرخ در عهد سلاجقه نوشته شده و نیز مسجد و منار چهل ستون است که تاریخ بنای آنرا بین قرن سیم هجری باید دانست ولی بنای مناره آن در سده پنجم بپایان رسیده است و این منار بنام تاری خانهٔ بوده و مسجدی داشته که اکنون ویران و منهدم شده و مناره فعلی را بختیار بن محمد او بنای مقبره پدرش پیر علمدار نیز ساخته است و دیگر از بناهای دامغان برج معصوم زاده در قصبه مهماندوست

که در عهد سلاجقه بناشده و تاریخ آن ۴۹۰ هجری است دیگر مناره است
که در سال ۵۰۰ هجری ساخته شده و مسجد و مقبره بعد از این مناره بنا
گردیده بنای مقبره پیر علمدار طبق کتبه آن در تاریخ ۴۱۷ هجری بپایان
رسیده و در نزدیکی این مقبره مسجدی است که از زمان سلطان الجاتیو
خدابنده وجوددارد و نیز مقبره چهل دختران است که تاریخ آن در۴۴۶
هجری است ودارای گنبد ومناری بوده که اکنون مخروبه میباشد ودر
محلی موسوم به بتو در بار معدن سرب ودر طاق آستانه معدن زغال سنك
وجود دارد اکنون آهنگران این شهر از معدن ذغال سنك آنجا برای
رفع نیازمندی خود استفاده میکنند ـ محصول دامغان گندم ـ جو ـ حبوبات
خشکبار ـ وپنبه میباشد ومقدارزیادی پنبه وخشکبار بروسیه میفرستند از
دامغان تاشاهرود ۷۴ کیلو متر است .

## شاهرود

شاهرود جزء توابع بسطام است که اکنون بواسطه راه شوسه و
آمدورفت مسافرین وکالا نسبتاً آباد شده وشهریست کم‌جمعیت محصول
این شهر عبارتند از گندم ـ جو ـ حبوبات و تمبا کو ـ تریاك ـ ومیوه است
که از آب قنات مشروب میگردد صادرات آنجا خشکبار است در بین‌راه
چندبرج وباروديده‌شد ولی اثری از مأمورین‌امنیه در آنجا وجودنداشت .
قصبه عباس‌آباد دراین‌راه واقع شده واین قریه را شاه عباس‌بزرك
بنا نموده ومردم آنجا از نژاد گرجستانی هستند در نزدیك عباس آباد
کوهی واقع است که از سنك آن اهالی تسبیح وسورمه‌دان وسایر اشیاء
دیگر میسازند اهالی این قصبه مردمی‌بدجنس ونیرنك بازهستند ازشاهرود
تاسبزوار درحدود ۲۶۶ کیلو متر است واین طولانی ترین راه بین‌تهران
ومشهد است چون باید مسافت زیادی‌راه طی نمود شب را در قصبه کهك
توقف نمودم دراین‌قریه پشه معروف به غریب گز وجود دارد که پس از

فرو بردن نیش خود خون را مسموم میکندو بلا فاصله تب عارض میشود ولی این پشه بخود اهالی قصبه صدمه نمیرساند ازقراریکه میگویند پشه غریب گز نسبت به پیش کمتر شده است - اهالی این شهر همه فقیر و اکثر کشاورزند .

در نزدیك شاهرود در محل فرومد خرابه مسجدی بنظر میرسد که درحدود سده هفتم هجری ساخته شده است

# سبزوار

سبزوار یکی ازشهرهای خوش آب وهوای خراسان است ومحصول آنجا گندم - جو - حبوبات - تریاك - پنبه و خشکبار و تمباکو که از آب قنات مشروب میگردد و در سال نزدیك به ۲۳۰۰ خروار پنبه بروسیه حمل میکنند و جمعیت این شهررا درحدود ۲۵۰۰۰ نفر میگویند که اکثر آنها کشاورزند ودارای سه دبستان و ۴۰۰ دانش آموز است .

درقسمت شمالی این شهر مناری است که درسال ۶۰۰ هجری بنا گردیده و نیز بنای میل خسروکرد است که طبق کتبه آن درسال ۵۰۵ هجری ساخته شده است

از سبزوار تانیشابور درحدود ۱۱۹ کیلومتر فاصله است پس از چند ساعت توقف دراین شهر بطرف نیشاپور حرکت نمودم .

# نیشاپور

این شهر یکی از بلاد قدیم ایران است دراینجا یك قلعه قدیمی است که تقریبا مخروبه میباشد درحوالی نیشابور خرابه سنك بست واقع است واکنون آثار ویرانه گنبد و منار آن دیده میشود و معلوم شده که بنای آنرا ارسلان جاذب فرماندار طوس درسال ۳۸۹ هجری در زمان سلطان محمود غزنوی نموده است درديوار اطاق آن کتبه بخط کوفی بنظر رسید

ودیگر از بناهای نیشابور مسجد جامع است که تاریخ بنای آن در سال ۸۹۹ هجری است و بانی آن پهلوان علی بن بایزید میباشدومقبره‌اودرهمین بنا واقع گردیده و نیزمقبره‌امامزاده‌محمد محروق که دردوره‌شاه‌طهماسب صفوی بنای آن ساخته شده و تاریخ این بنارا در ۹۷۸ هجری است آرامگاه عمر خیام شاعر مشهور ایران که اشعار او بچند زبان ترجمه‌شده و نیزمقبره فریدالدین‌محمد عطار که ازعرفای ایران بوددرنزدیك‌این‌شهر واقع است وتپه الپ‌ارسلان و نیز تپه آهنگران و تپه شاد یاخ درشعاع‌یك کیلومتری نیشابور میباشد وازابنیه دوره سلاجقه هستند.

جمعیت نیشابور را درحدود ۲۶۰۰۰ نفر میگویندداراى دودبستان و ۲۵۰ دانش آموز است و با دارا بودن این عده نفوس محصلین آنجا بسیار کم‌است. تب مالاریا وامراض دیگر دراین‌شهر زیاداست‌وبهداشت ودوا کمیاب میباشد.

محصول آنجا عبارتند از گندم - جو - تریاك - و پنبه وخشکبار است که‌از آب قنات مشروب میگردند عمده صادرات نیشابورخشکبار وپنبه است که به روسیه فرستاده میشود و کالای دیگر از راه دزداب‌به هندوستان حمل میگردد - یك نوع قالی دراین شهر میبافند بسیار خوش رنك و مرغوب است - محصول تریاك نیشابور در سال د رحدود ۱۴۰ خروار تخمین میزنند میوه و خواربار این شهر فراوان‌است دادستد و معاملات بازرگانی نیشابور بسیار خوب است - پس از چند ساعت‌توقف بطرف‌مشهد حرکت نمودم از اینجا تا مشهد ۱۴۳ کیلومتر فاصله است. بین راه قدمگاه‌واقع شده وبنای بقعه‌قدمگاه درسال ۱۰۹۱ هجری‌ساخته شده است - مقبره خواجه ربیع در چهار کیلومتری مشهد بنظر رسید که بنای‌آنرادرزمان‌شاه‌عباس بزرگ‌درسال ۱۰۳۱ هجری باتمام‌رسیده‌و کتیبه‌در کاشی‌کاری آن دیده شد که تاریخ ۱۰۲۶ هجری برآن نوشته شده - درمحل گلشن مشهد آرامگاه حسین بن موسی کاظم ع واقع است که بنای آن

درسال۹٤٤ هجری میباشد ـ ودر محل مصلی در یك کیلو متری دروازه پائین مشهدآثاردومقبره وجود دارد که‌در کتیبه مقابل‌درب تاریخ ۱۰۸۷ هجری نوشته شده است .

## مشهد

بعد ازظهر وارد مشهد شدم پس ازچند ساعت استراحت بزیارت حضرت رضا ع مشرف شدم ـآستان‌حضرت رضوی ع دارای دو ایوان بزرك ازنقره وطلا است که یکی در زمان نادرشاه ودیگری فتحعلی‌شاه محمد شاه‌قاجارساخته‌شده و بعد ها ناصرالدین شاه‌هم آنها راتعمیر ومرمت کرده‌است ونیز چهار درب‌بزرك ازنقره وطلا دارد ـ گنبد طلا ازبناهای شاه عباس بزرك وشاه طهماسب است وساختمان اصلی آرامگـاه حضرت رضا ع که بصحن کهنه باز میشود از زمان تیموریان آغاز شده ولی قسمت مهم آنرا شاه عباس ساخته و کاشی کاری آن چهل سال بطول انجامیده که در زمان شاه عباس دوم تمام شده است و کتیبه هـای آن بنام‌علیرضـای عباسی خوشنویس معروف میباشد ونیز دو گلدسته طلا دارد که یکی را شاه سلیمان صفوی‌ودیگر را نادرشاه‌بنا کردند واکنون بنام نادرمعروف است ـ اطراف مرقد مطهر حضرت رضوی ع بهترین نمونه کاشی کـاری سه دوره تاریخی وجود دارد که یکی از آنها مسجد گوهر شاد است ودر دوره تیموریان ساخته شده است (گوهر شاد همسر شاهرخ میرزا ودختر جهانشاه قراقوینلو وپسرش بـای سنقر کـه خوشنـویس مشهوری بوده) کاشی کاری این مسجد درسال ۸۲۱ هجری بمعماری قوام الدین شیرازی آغاز ودر مدت دوازده سال بپایان رسیده است این مسجد عبارت است ازیك ایوان بزرك و گلدسته‌و کتیبه‌ها ازکاشی زیباو بسیار عالی بخط بای سنقر که محاسن وپرهیز کاری مادر خود گوهرشاد را ستوده است وروی گنبد این مسجد کتیبه‌های‌سیاه رنك بخط کوفی دیده میشود .

صحن کهنه در زمان صفوی وصحن نو درعهد قاجاریه ساخته شده ـ
بنابرعقیده ابن حوقل حرم حضرت رضوی ع را در نیمه دوم قرن چهارم هجری یك قلعه محکم احاطه داشته وسلطان محمود غزنوی ضریح آن حضرت واطراف آنرا بوسیله یك حصار جدیدی توسعه داده سپس بطوری که در کتیبه نوشته شده بامر سلطان سنجر سلجوقی درسال ۵۱۲ هجری حرم را تعمیر کرده‌اند ودر سال ۶۱۲ هجری سلطان الجاتیو خدابنده‌آنرا مرمت نموده است وحرم حضرت رضا ع در حال کنونی نتیجه یك سلسله ساختمانها ازقرن ۱۲ تاقرن ۱۳ هجری میباشد و گنبد طلاطبق کتیبه در زمان شاه عباس و بموجب کتیبه دیگر قسمتی ازآن در دوره شاه سلیمان صفوی ساخته شده است وتاریخ بنای مسجد شاه در ۸۵۵ هجری وتاریخ تعمیر آن بین سال ۱۳۱۸ - ۱۳۱۶ هجری میباشد ومسجد بالا سردر دوره تیموریان بنا شده و در سال ۱۰۹۱ و ۱۲۷۱ هجری تعمیر و مرمت شده است .

رواق های حضرت رضا ع یکی دارالسعاده ـ گنبد الله وردی خان دارالضیافه ـ توحید خانه . دارالسیاده ـ دارلحفاظ و کشیك خانه میباشد بر بعضی از آنها کتیبه‌های بخط کوفی درسال ۱۳ هجری محمد بن طلیه نوشته است عدهٔ کنونی خدام حرم چهارصد نفر میباشند ولی قبلا یکهزار نفر بودند که هریك از آنها چهل ریال نقد وسه خروار گندم از موقوفات آنحضرت درسال دریافت، میدارند .

ونیز عده فراشهای حرم دویست نفرند که هریك بیست ریال نقد ودو خروار گندم درسال مقرری دارند وعده دربانان حرم سیصد نفر هستند که هریك در سال ۲۵ ریال نقد ویك خروار ونیم گندم میگیرند ـ یکنفر رئیس ویکنفر ناظروسر کشیك همه وقت مأمور نظم امور حرم رضوی ع هستندو تولیت آستانه ازطرف پادشاه وقت بفرماندار مشهد واگذارمیگردد موقوفات حضرت رضا (ع) در سال بالغ برسیصد هزارتومان عایدی دارد

رمحصول زراعت آن درحدود دوازده هزار خروار گندم وجو در سال
میباشد هر گاه موقوفات حضرت رضا را بخوبی ودرستی اداره شود بالغ
بریك مليون تومان عايدی خواهدداشت دوخيابان بنام عليا وديگری‌سفلی
که دارای دکانها و مغازه ها است جزء موقوفات آنحضرت میباشد آبی
که از سر چشمهٔ گل بوسیلهٔ لوله نیرالدوله بحرم حضرت رضا آورده
است نیز جزء موقوفات است . چهل هزار تومان از موقوفات قنات وغیره
برای هزینه مریضخانه‌شاه رضا ومهمانخانه حضرت رضاع اختصاص‌داشته
این مریضخانه دارای چهل تخت خواب برای مردان وبیست تخت خواب
برای زنان میباشد ـ ولی مهمانخانه آنحضرت قابل تمجید نیست مباشرین و
مأمورین آن بوظایف خود عمل نمیکنند .

این مهمانخانه بسیار کثیف ونا منظم میباشد برای شام ونهارخدام
حرم وگاهی به بعضی زوارها غذا میدهند درمشهد گدا وفقیر درکوچه‌ها
خاصه دراطراف‌حرم حضرت رضوی زیاد است ـ کوچه های مشهدبسیار
کثیف وبهداشت این‌شهر که محل‌اجتماع صدها هزارمردم است رضایت
بخش‌نیست ـ این‌شهر دارای‌خانه های‌عالی وخیابانهای وسیع خوب میباشد
مریضخانه امریکائی نیز درچند سال پیش ازطرف انجمن خیریه امریکا
درمشهد تأسیس شده که‌دارای سی تختخواب است وضمنا برای دین‌مسیح
تبلیغ میکنند ـ رئیس شهرداری مشهد آقای مصطفی خان دفتری
اکرم الملك که شخصی متین و درستکاری بنظر آمد در ملاقاتیکه با
او نمودم نویسنده را بگرمی پذیرفتند طبق گفته ایشان جمعیت مشهد
درحدود ۱۵۰۵۶۰ وتعداد خانه‌ها نزدیك ۲۱۸۵۰ باب بودجه شهرداری
۴۴۰۰۰ ریال است که مبلغ سه‌هزارریال آن هرماه صرف تعمیر ساختمان
آرامگاه نادرشاه میگردد ـ ونیز دارای ۲۱ دبستان پسران ودختران ودر
حدود ۲۵۸۰ دانش آموز میباشد برای مشهد تعداد دانش آموز بسیار
ناچیز است و قلت دبستان بواسطه کمی بودجه فرهنگی آنجا میباشد .

درمشهد دو قرائت خانه برای عموم ویك انجمن ادبی دایر گردیده ونیز چند روزنامه‌ازجمله صدای شرق ـ آزادی ـ مهرمنیر ـ آفتاب شرق وخورشید دراین شهر منتشر میشود .

محصول خراسان عبارتند ازگندم ـ جو ـ حبوبات ـ خشکبار ـ پنبه ـ تریاك ـ پوست ـ پشم میباشد تریاك خراسان ازحیث جنس بسیار مرغوب و ۱۲ درصد دارای مرفین است واکثر اهالی ازمرد وزن معتاد بکشیدن افیون‌هستند هر گاه بارندگی‌خوب باشد محصول تریاك‌خراسان درسال دویست تاسیصد خروار میشود ـ وعمده صادرات خراسان پنبه ـ تریاك ـ پوست ـ پشم ـ خشکبار و قالی میباشدکه بروسیه یا از طریق زاهدان بممالك خارجه فرستاده میشود ـ درمشهد چند دستگاه قالی بافی وجود دارد قالیهای خراسان ازحیث رنك ومرغوبی جزء قالیهای درجه دوم ایران محسوب میگردد ـ دستگاه قالی بافی‌عمواغلی درمشهدازحیث بافت و نقشه ممتاز است عده کنونی کارگران آن ۳۰۰ نفر است .

محصول پشم خراسان در این سال در حدود ده هزار خروار تخمین میزنند ـ برای تماشای ساختمان آرامگاه نادر شاه رفتم محلی‌است بسیار با صفا از قراریکه شنیده شد جسد کلنل محمد تقی خان معروف که جنك‌های دلیرانه بر علیه قشون روس در غرب ایران در زمان جنك بین‌الملل گذشته کرده بود در این محل مدفون بوده ولی بعد بامر احمد قوام‌السلطنه جسد کلنل نامبرده را بگورستان عمومی انتقال داده‌اند .

با کسب‌اجازه‌ازرئیس‌خدام‌حرم برای‌دیدن کتابخانه حضرت‌رضا ع رفتم اکنون ۳۸۰۰ جلد کتاب مختلف قدیم و گران بها در این کتابخانه وجود دارد از جمله کتاب خواص‌الشجر والحیوان بود که شاه عباس در سال ۱۰۱۷ هجری آنرا وقف وهدیه نموده‌است مؤلف‌این‌کتاب‌مهران‌بن منصورابن مهران است این کتاب در زمان سلطنت الب‌اینانج قتلغ بیگ از زبان سیریانی بعربی ترجمه شده دارای ۲۸٤ صفحه و محتوی اشکال

حیوانات و نیز ۱۱۳۶ اشکال نباتات بود و نیز چند جلد قرآن مجید بخط کوفی یکی بخط حضرت سید سجاد امام زین العابدین و دیگر بخط حضرت امام حسن و دیگر بخط حضرت علی ع که برپوست نوشته شده و آنهارا شاه عباس تقدیم آستانه حضرت رضوی ع نموده وقف نامه آنها رامرحوم شیخ محمد بهاءالدین درسال ۱۰۰۸ هجری نوشته است و نیز قالیهای بسیار نفیس و گران بها و چندین نقاشی و تصاویر حضرت رضا ع و حضرت امیرودو فرزندان او را در این کتابخانه تماشا نمودم - از ابنیه قدیم خراسان در ۳۷ کیلومتری مشهد آثار خرابه گنبد و مناراست که بنای آنرا ارسلان فرماندار طوس در عهد سلطان محمود غزنوی نموده و بالای دیوار آن کتیبه بخط کوفی نوشته شده و دیگر بنای مدرسه پیرزاد دردوره تیموریان است و در سال ۱۰۹۱ هجری تعمیر شده و تاریخ ساختمان مدرسه دودر نیز در ۸۴۳ هجری است و در سال ۱۳۱۹ هجری مرمت شده است و دیگر مسجد و گنبد در محل سنگان پائین میباشد که تاریخ بنای آن در سال ۸۳۵ هجری است - در ۲۲ کیلو متری مشهد بنای معروف بمیل اخنجان واقع است که مربوط بدوره تیموریان است و در کلات نادری ساختمانی بنام خورشید وجود دارد و در قسمت مرکزی آن برجی است که تاریخ بنای آنرا در سده هفتم هجری نوشته شده - درطبس مناره و مدرسه میباشد که در عهد سلاجقه ساخته شده در اثر زمین زلزله ۱۳۱۸ هجری آسیب زیاد بر آن وارد گردیده و نیر در تربت حیدریه که مقبره قطب الدین حیدر واقع است که در زمان تیموریان بنا شده و مسجد نزدیك آن را شاه صفی صفوی ساخته است - شهر قدیم طوس که در چهار فرسنگی مشهد است و اکنون ویرانه میباشد آرامگاه فردوسی شاعر مشهور ایران در آنجا واقع شده است.

## تهران - مجلس شورای ملی

پس از مراجعت از مشهد به تهران آمدم در چند جلسه مذاکرات

مجلس حضور یافتم اکنون عده نمایندگان در حدود یك صدو یازده نفر است ولی طبق نظامنامه انتخابات میبایست عدهٔ وکلا دویست نفر باشند ـ در طبقه فوقانی در تالار مذاکرات در طرف راست محلی بنام نوین مخصوص محترمین است و در سمت چپ این تالار محلی است که بمدیران جراید اختصاص دارد و دروسط آن محل جلوس شاه است که در دوطرف آن جای سفرا و نمایندگان خارجه میباشد و پائین تالار جای تماشاچیان اختصاص داده اند ـ قبلا از رئیس مباشرت مجلس تقاضای عکس برداری از تالار جلسه نمودم اجازه ندادند بعداً بوسیله یکی از نمایندگان فارس موفق بعکس برداری شدم .

رسمیت مجلس با زدن زنك شروع شدو من بمذاکرات نمایندگان و رطب ویابس آنها گوش میدادم ومی شنیدم که مذاکرات روی مسائل فرعی بود و به اصل درد این ملت بیچاره و اوضاع کشور ستمدیده توجه نمی نمودند اختلاف نظر ودؤیت کاملا بین آنها حکمفرما بود نزدیك دو ساعت مذاکرات بطول انجامید خسته شدم و بحال ملت ومملکت افسوس خوردم پس از ختم جلسه با برخی از نمایندگان که افتخار شناسائی آنهارا داشتم مشغو ل صحبت شده و تذکر دادم که نمایندگان مجلس شورای ملی مسئول مقدرات ملت هستندو مذاکراتی که در مجلس میکنند در داخله و خارجه انعکاس میبخشدو وکلا که بنام ملت در مجلس هستند دولت و وزیرانی بمیل خود انتخات مینمایند و چون دولت که برگزیده مجلس است و از طرف نمایندگان حقیقی ملت انتخاب نشده نمیتوانند مصالح و منافع کشور را حفظ وحراست کنندو تا موقعیکه نظامنامه انتخابات تجدید نظر نشود امید اصلاح در اوضاع ملت نمیرود هر نماینده خیر اندیشی که پیشنهاد تجدید نظامنامه انتخابات رادر مجلس بدهد خدمت بزرگی به اصلاح مملکت نموده است . بعد برای دیدن کتابخانه مجلس رفتم رئیس کتابخانه آقای اعتصام الملك بود دراین کتابخانه درحدود پنجهزار جلد کتب مختلف ازجمله

۱۷۵ جلد کتاب قانون بزبان فرانسه وجود دارد - و نیز ساختمان و عمارت رئیس مجلس و معاونین او که بنام اداره تقنینیه معروف است و عمارت پست تلگراف مجلس و چندساختمان دیگر تماشانمودم زیبائی این عمارات بر منظره مجلس شورای ملی افزوده است .

اگر برای تقدم اصول پارلمانی فضلی قائل بشویم این فضیلت از آن ملت انگلیس خواهد بود و این ملت حق دارد که سبقت مشروطیت و دموکراسی را افتخار خود بداند ملت انگلیس در راه چنین منظور عالی شایستگی نشان داده و بادرك معنی آزادی و پرورش صحیح آن موانع و دشواری های سخت را به نیروی کاردانی و اتحاد کامل ازپیش پای خود برداشت مقارن سال ۱۶۸۸ میلادی بود که پارلمان انگلستان پس ازسه سال جنك و کشمکش داخلی قدرت دائمی حاصل نموده و چنان بر پایهٔ استواری قرار گرفت که حوادث زمانه ومخالفتهای روزگار نتوانست این بنای آزادی و قدرت پارلمانی را متزلزل سازد افتخار اصول پارلمانی با فضیلت قانون اساسی بریتانیا تنها درسبقت و تقدم آن نیست بلکه درروح و معنویت آن میباشد که از مجموع عادات قدیمی و احترامات آن ملت نسبت بحقوق تولید شده و در مواقع ضروری متفقاً جان و مال خود را برای تأمین سعادت ملك و ملت نثار مینماید این فضیلت اختصاص بملت انگلیس دارد ودرسایر ملل کمتر دیده شده قوانین اساسی بریتانیای کبیر مادرقوانین اساسی کشورهای دیگر شناخته شده است. نمایندگان پارلمان انگلیس ازهرصد هزارنفر افراد ملت انگلیس یکنفر انتخاب میگردد و منتخبین اقلا چند ماه در حوزه انتخابیه اقامت داشته و از اوضاع آن محل کاملا مسبوق و مطلع میباشند ملت انگلیس بدو حزب و فرقه منقسم شده هر یك برای خود عقایدی دارند و رئیسی انتخاب میکنند که تابع رأی واقدامات او هستند. حزب کونسرواتور و حزب لیبرال که اولی رادرپیش دوك - و دویمی را توره می نامیدند کونسرواتور بیشتر مرام آنها جنك

و غلبه و اقتدار ر توسعه مستعمرات است و برعکس آن لیبرال که مرامش صلح جوئی و مساوات و حافظ حقوق خود و طرفدار حقوق سایر ملل میباشد - حزب کارگر در سالهای اخیر در انگلستان بوجود آمده طرفدار فقرا و رنجبران بوده مرام آنها اصلاح و تسهیل امور زندگانی کارگران و عقاید و آراء احزاب نامبرده از ثمره علم و تجربه آنها پیدا شده است از هر حزب که بیشتر نماینده انتخاب شد همیشه در مجلس شورای ملی اکثریت با آنها است و نخست وزیر از بین همان فرقه اکثریت انتخاب میگردد او باید دارای تحصیلات عالیه و تألیفات کتب مفید بوده باشد از برکت نظم و صحت کار و تقسیم آراء میباشد که ملت انگلیس نمایندگان پارلمان را انتخاب مینماید و پس از اتمام انتخابات اسامی منتخبین هر حزب معلوم میگردد و انتخابات کمتر از یك هفته انجام میگردد منتخبین مبلغی برسم ودیعه در خزانه دولت میگذارند حزب اقلیت در پارلمان دسته مخالف دولت را تشکیل میدهد ولی در مواقع سخت و بحرانی که اهمیت و عظمیت میهن خود را درخطر میبینند یاحزب دیگر اتفاق نموده ومانند نفس واحد در رفع خطر میکوشند صحت گفتارم در جنك کنونی جهانسوز معلوم و مشهور است - پارلمان فرانسه در سال ۱۸۷۵ میلادی بعد از جنك آلمان و فرانسه و اسارت ناپلئون سوم در قلعه سدان بود و مرکب از مجلس سنا و مجلس شورای ملی تشکیل گردیده نمایندگان مجلس سنا پس از نه سال یکمرتبه انتخاب میشوند و سن آنها از چهل سال کمتر نباید باشد و نمایندگان مجلس عوام پس از چهار سال یکمرتبه انتخاب میگردند و سن آن ها کمتر از ۲۵ سال نیست و مردم از سن ۲۱ سالگی حق انتخاب نماینده دارند و احزاب مهم پارلمان فرانسه نیز عبارت از حزب دست راست و حزب دست چپ میباشد.

نویسنده حیرانم روزگار چگونه ملتی چنین موفق و مسعود و دیگری چنان منکوب و مطرود یکی به تمدن و تعالی و دیگری در چاله وحشت

و بیچارگی سرنگون میکند چرا روزگار ملتی را می نوازد و دیگری را مبتذل میدارد.

روز دیگر بملاقات بعضی از نمایندگان از جمله جناب آقای دکتر مصدق‌السلطنه و جناب آقای سیدحسن تقی زاده رفتم و از اوضاع بنادر جنوب و نقصان بهداشت آنجا را بایشان تذکر دادم.

چون شنیده بودم مجسمه فلزی ناصرالدین شاه در باغ‌شاه نصب‌شده با اجازه برای دیدن آن رفتم‌ولی اثری از آن مجسمه نیافتم معلوم شد که به امر رضا شاه پهلوی آن مجسمه را از بین برده‌اند اکنون که این سطور را مینویسم چند مجسمه پهلوی را ساخته و در چند خیابانهای تهران و نیز در میدان ایستگاه راه‌آهن نصب نموده‌اند اگر چه این رسم و تقلید از اروپا بایران رسیده ولی در اروپا هر زمان مرد بزرك یا پیشوائی‌خدمات بزرك بملت خود کرده باشد پس از مرك بمنظور قدر دانی مجسمه‌اش را ساخته و در میدان های عمومی‌نصب مینمایند همانطور که مجسمه‌ناپلئون اول پادشاه دانا و توانای فرانسه را بعد از مرگش ساخته اند میگویند در زمان حیات او مجسمه او در پاریس ساخته و نصب گردید وی از دیدن مجسمه خود در خشم و غضب شد و گفت «در وقتیکه ما نمیتوانیم یك قایق ماهیگری را بساحل انگلستان بفرستیم‌چگونه شما عقاب فرانسه‌را جلوه گر میسازید آنچه را ساخته اید بشکنید و مانند آن دیگر بمن نشان ندهید».

و یا مردی مانند ژنرال «موند» فاتح بین النهرین در جنك بین الملل گذشته که اکنون‌در کنار رود دجله مجسمه‌او نصب‌شده است برای‌معرفی این ژنرال نامی‌مینویسیم که‌درهنگامیکه ژنرال«تونشن» سرادر انهگلیسی با ۱۲ هزار نفر از سپاهیان خود بعد از چندین روز محاصره در کوت العماره اسیر سردارترك گردید و به اسلامبول‌برده شد ژنرال «موند» با جنك‌های سخت و پیشرفت سریع کوت العماره و بغداد را تصرف نمود

و ترك‌هارا شکست داد بواسطه گرمی هوا و زحمات طاقت‌فرسا مریض شد و در بغداد فوت نمود ولی بواسطه فتح بغداد اکنون آرامگاه او و مجسمه‌اش در نزدیك پل موند که بنام او معروف است ودر بغداد میباشد و یا آنکه سرداری مانند ژنرال «رابرت» فاتح برمه وافغانستان که مجسمه او ساخته‌اند ژنرال نامبرده در سال ۱۸۷۹ میلادی بر افغانستان حمله نمود و سپاهیان امیرشیرعلی‌خان افغانی‌رادر معبر خیبر و کتل پیوار شکست داد امیر شیر علی خان بطرف بلخ فرار کرد و به ژنرال «قاوخمان» روسی کاغذی نوشت و خواستگار کمك ومساعدت نمودولی جواب مساعدنشنید و درهمان‌سال امیرشیرعلی‌دربلخ فوت نمود وپسرش یعقوب‌خان‌بپادشاهی افغانستان منصوب شد ولی ملت افغانستان بپادشاهی او راضی نبودند در این‌موقع بتحریك مفسدین و فتنه جویان‌افغانی وزیرمختار انگلیس‌موسوم به «کوانیاك» بدست داودخان سردار درکابل کشته گردیدومجدداً لشکریان انگلیس بسرداری ژنرال «رابرت» در ماه سپتامبر ۱۸۷۹ میلادی کابل را متصرف شدند ویعقوب‌خان را دستگیروبه هندوستان فرستادند وتا آخر عمرش در شهر لاهور تحت نظر بودهنگامیکه رضا شاه پهلوی‌وزیرجنك و نخست وزیر بود مردم نسبت به‌او ایمان و عقیده داشتند او هم‌کارهای نیك و مفیدی برای مملکت انجام داد از جمله دانشگاه ـ کارخانه‌های‌قند سازی و پارچه بافی احداث‌نظام‌وظیفه ـ تأسیس بانك ملی ایران که اکنون بمدیریت شخص فعال و کار آزموده جناب ابوالحسن ابتهاج اداره میشود و تشکیل نیروئی دریائی در خلیج فارس و لغو کاپتولاسیون یا حق قضاوت کنسولات‌و سایر اصلاحات دیگراز کارهای او میباشد اماهمینکه براریکه سلطنت و پادشاهی جلوس نمود اطرافیانش پرده سیاهی بین او و ملت کشیدند و او نیز مجذوب و مغرور مال و جلال و املاك وقصور عالی گردید بعدها تاریخ اعمال او را قضاوت خواهدکرد و او راچنانکه بوده معرفی خواهد نمود .

چون نام کاپتولاسیون دربین آمد لازم است بطور مختصر تاریخ وچگونگی آنرا برای اطلاع خوانندگان محترم بنویسم.

کاپتولاسیون یاحق قضاوت کنسولات عهد نامه است که بین دول برای حفظ منافع اتباع خود بسته میشود چنانکه درسال ۱۵۳۵ میلادی در زمان سلطان سلیمان اول پادشاه عثمانی با فرانسوای اول امپراطور فرانسه قرار دادی منعقدگردیدکه اتباع فرانسه درخاك عثمانی واردشده وتجارت نمایند وتابع احکام کنسول دولت متبوعه خود باشند همچنین در سال ۱۷٤۰ میلادی عهد نامه دیگری میان سلطان محمد اول ولوئی پانزدهم بسته شد که رعایای فرانسه حق اقامت در خاك عثمانی وآزادی مذهب داشته بعلاوه دارای حق برقراری سفراو کنسولات فرانسه درقلمرو خاك عثمانی بود درسال ۱۸۲۰ میلادی هم دولت اطریش وروس نیزحق قضاوت کنسولات درخاك عثمانی برای اتباع خود قائل شدندواز اینرو درسال ۱۸٤٦ میلادی محکمه هائی دراسلامبول وسایر شهرستانهای عمده ترکیه مرکب از دونفر قاضی دائمی وچهار قاضی علی البدل که دونفر آنها تبعه عثمانی و دونفر دیگراز اتباع خارجه باحضورنماینده سفارت یا کنسولگری آندولت برای این منظور تشکیل گردید.

دولت عثمانی وسایردول دیگر راضی نشدند محاکم کنسولگری ایران چنین حقی را دارا باشند واعتراض داشتند که در ایران اصول محاکمات صحیح نیست لذا در زمان سفارت مرحوم شیخ محسن خان مشیرالدوله دولت ایران قبول نمود که اصول محاکمات عثمانی را در محاکم کنسولی ایران اجرا نماید تااگر تبعه ایران مدعی الیه باشد محاکم کنسولگری ایران بتواند رسیدگی نماید ـ درعهد نامه ترکمن چای سال ۱۲٤۳ هجری قمری که بامضای عباس میرزا نایب السلطنه و ژنرال «پاسکویچ» رسیده دولت روسیه تزاری قانون حق قضاوت کنسولات را برای اتباع خود درایران قائل شدوطبق ماده هشتم این عهد نامه دولت روس حق آنرا داشت

که هرگاه اتباع روسیه مجرم بقتل باشند مقصر را باید بدولت روس تسلیم و بروسیه اعزام ودر آنجا موافق مقررات محاکم روسیه تعقیب گردد - در عهد نامه پاریس بعد از جنك بین ایران وانگلیس که درسال ۱۲۷۳ هجری قمری بین انگلیس وایران منعقد گردید دولت انگلیس نیز حق قضاوت کنسولات برای اتباع خود درایران دارا گردید و بنام عهدنامه کاملة الوداد معروف بود درفصل نهم این عهدنامه چنین قید شده بود که طرفین تعهد میکنند که درنصب واستقرار کنسولات درخاك یکدیگر حالت دول کاملة الوداد داشته نسبت باتباع وتجارت دول کاملة الوداد منظور ورفتار نمایند - درسال ۱۸۹۲ میلادی دولت ترکیه هنگام تجدید عهدنامه تجارتی با آلمان لغو حق قضاوت کنسولات را خواستگار گردید وهمچنین درسال ۱۹۱۲ میلادی که عهد نامه لوزان بین ترکیه وایتالیا منعقد شد پیشنهاد لغو این قانون کرده بود ودرماه اکتوبر ۱۹۱٤ میلادی دولت عثمانی کلیه امتیازات که اتباع خارجه درترکیه دارابودندهمه را نسخ نمود - درمصر نیز سه محکمه ابتدائی در قاهره واسکندریه ومنصوریه برای این منظور وجود داشت وهریك از محاکم مرکب ازهفت نفر قاضی بود که چهار نفر آن ازطرف دول اروپائی وسه نفر ازقضات مصری بودند دراین اواخر دولت انگلیس دونفر انگلیسی را بعنوان قضات مصری وارداین محاکم نمود ومحکمه استیناف دراسکندریه باحضور هشت نفر قضات دول اروپائی وچهار نفر مصری تشکیل میگردید رئیس این محکمه به رأی اکثریت از قضات خارجی منسوب میگردید .

این محکمه صلاحیت هرگونه رسیدگی درمسائل حقوقی وجزائی بین اتباع خارجه ومصری را داشت مسائل جزائی آنچه راجع به تقصیرات غیرمهم بود یکی از قضات اروپائی حکم مینمود ولی برای جنحه وجنایت اتباع خارجه مطیع محاکم کنسولات خود بودند ممالکی که قانون کاپیتولاسیون درآنجااجرا میگردید ترکیه ومصر وایران وچین بودند که

بالاخره از زیر بار گران این قانون نجات یافتند

## دانشگاه تهران

دانشگاه اخیرا در تهران تأسیس شده و شامل شش دانشکده ودو بنگاه آموزشی ضمیمه میباشد که عبارتند از دانشکده ادبیات. دانشکده پزشکی باشعب آن. دانشکده حقوق وعلوم سیاسی واقتصادی ودانشکده علوم ـ دانشکده فنی ودانشکده معقول ومنقول که دو رشته را تشکیل میدهد.

دانشکده پزشکی مشتمل بر مدرسه عالی دندانسازی ومدرسه عالی دارو سازی وآموزشگاه پرستاری ومامائی نیز میباشد وبیمارستان های تهران ضمیمه آن میباشد ـ دانشکده فنی دارای چهار شعبه است.

برق ومکانیك. راه وساختمان. معدن شناسی وشیمی ـ دانشکده علوم نیز دارای سه شعبه است ریاضیات ـ طبیعیات. فیزیك وشیمی وضمناً دانش سرای عالی وهنرکده عبارتند از معماری ـ هنر های زیبا که ضمیمه دانشگاه است دانشکده ادبیات داری پنج رشته است ودانشکده حقوق سه رشته دارد ـ دانشکده دامپزشکی نیز قرار شده ضمیمه دانشگاه شود ـ اکنون عده دانشجویان دانشگاه ۳۰۸۷ نفر میباشد. سایر مدارس عالی تهران یکی دانشکده کشاورزی در کرج است وآن نیز دارای چند شعبه است. آبیاری وسد سازی جنگلها. دفع آفات نباتی ـ شعبه ماشین های کشاورزی وشیار ـ بنگاه سرم سازی ـ اصلاح نباتات ومطالعات دامپزشکی هستند. ونیز هنر سرای عالی تهران که دارای دوشعبه نجاری ودرودگری ومکانیکی وآهنگری میباشد اخیراً چندین دبستان ودبیرستان های دیگر در تهران دایر و افتتاح گردیده است کارخانهائی که اخیراً درکشور تأسیس شده یکی کارخانه سیمان سازی و کارخانه گلسیرین وصابون سازی و دیگر کارخانه گوگرد وجوهر نمك. کارخانه کنسرو سازی درشاهی کارخانه کنسرو ماهی در بندر عباس ـ کارخانه روغن کشی در ورامین کار خانه

حریر بافی در چالوس- کارخانه چیت سازی در بهشهر- کارخانه نساجی و گونی بافی در شاهی - کارخانه اسلحه و مسلسل سازی در تهران -کارخانه قند و شکر در کرج .کارخانه قند در کهریزك - کارخانه قند مرودشت فارس - کارخانه قند آبکوه مشهد .کارخانه قند شاه آباد غرب - کارخانه قند میان دو آب آذربایجان وکارخانه قند شازند دراراك میباشد و بهره برداری قند وشکر این کارخانها بواسطه کمی محصول چغندر درسال فقط سه ماه است.اکنون که این سطور را مینویسم جمعیت تهران طبق آخرین ا مار سرشماری هشتصد هزار نفر است .

در تهران کاخهای قدیمی تاریخی و تازه ساز زیاد وجود دارد که ساختمان آنها بااسلوب شایسته معماری انجام شده .

## قم

پس از چند روز توقف در تهران عازم قم شدم از تهران بقم ۱۴۷ کیلومتر است - در کهریزك ۲۰ کیلومتری تهران کار خانه قند سازی واقع شده و اولین بانی این کارخانه مرحوم علی خان امین الدوله بود که بنای کارخانه قند و شکر را در این محل نمود ولی روسیه تزاری بوسیله متنفذین تهران مانع اقدام نیك او شدندو عاقبت بدست مفسدین دیك بزرك وسایر لوازم اساسی این کارخانه را عمداً خراب کرده و کارخانه را از بین بردند اکنون چندیست این کارخانه مجدداً مشغول کارشده است .

دهستانهای بین راه قم عبارتند ازحسن ا باد- علی آباد- عسکرآباد محصول آنجا گندم - جو است و بقیه زمین های بین راه همه بدون کشت و اکثر شوره زار میباشد - شب هنگام وارد قم شده و بامداد بزیارت حضرت معصومه مشرف شدم بعد برای دیدن قبور بعضی از سلاطین صفوی از جمله شاه عباس ثانی- شاه سلیمان- شاه سلطان حسین وشاه صفی الدین و نیز آرامگاه فتحعلی شاه و محمدشاه قاجار رفتم - در مقبره فتحعلی شاه یك لوحه

سنگی بنظر رسید که تاریخ شرح زندگانی و کارهای خود بر آن نوشته
و تصویر او را بر سنك مرمر سفید نقش کرده اند برخی از شاهزادهگان
از جمله کامران میرزا نایب‌السلطنه در این آرامگاه مدفون هستند ـ در
مقبره محمد شاه چند پرده نقاشی ممتاز و یك‌صندلی منبت‌کاری دیده‌شد
تصویر او نیز روی سنك مرمر نقش شده است مهد علیا مادر ناصرالدین
شاه در اینجا مدفون است ـ نیز مقبره میرزا علی اصغرخان امین‌السلطان
در قم میباشدچون امین‌السلطان بامر ناصرالدین‌شاه‌مأموریت تعمیر ومرمت
حرم حضرت معصومه را داشته دست خط و فرمان شاه در خصوص‌تعمیر
بارگاه‌ا کنون در مقبره امین‌السلطان وجود دارد وتصویراو برسنك‌مرمر
عالی کنده شده‌است‌امین‌السلطان دردوره ناصرالدین شاه ومظفرالدین‌شاه
چند مرتبه بصدارت عظمی منصوب شد و در مسافرت های اروپا همراه
آنها بود وسپس‌عزل گردید وبخارجه رفت در عهد زمامداری کوتاه محمد
علی شاه مخلوع‌او را مجدداً به‌ایران‌احضار نمودند درورود برشت‌مشروطه
خواهان‌او راتوقیف کردندولی به‌امرواجازه نمایندگان دوره‌اول مجلس
شورای‌ملی‌ازتوقیف‌خارج و به‌تهران آمد و برئیس‌الوزرائی‌منصوب گردید
روزی هنگام خروج از مجلس بدست عباس نام صراف تبریزی کشته‌شد
تاریخ‌بنای‌حرم‌حضرت‌معصومه درعهدصفویه‌بوده ومسجدجامع قم‌دردوره
سلاجقه ساخته شده و تاریخ بنای مسجد در سال ۵۲۵ هجری است و در
۱۲۴۶ هجری تعمیر شده‌است . مقبره امام زاده علی‌بن جعفر که از کاشی
کاریهای برجسته زیبااست در تاریخ ۷۴۰ هجری بنا گردیده و دیگر از
بناهای قدیم در قم سه مقبره است که‌در سال ۷۶۱ هجری ومقبره‌شاهزاده
ابراهیم در سال ۷۲۰ هجری در دوره صفوی ساخته شده ـ هوای‌قم‌بسیار
گرم و آب مشروب آنجا قدری شور است رودخانه نزدیك قم عبور
میکند که آب‌آن درفصل‌تابستان بسیارکم و باعث کشمکش کشاورزان
است وبعضی اوقات در زمستان سیلابی میگردد واین سیلاب بخانه های

اطراف سرایت کرده و باعث خرابی میشود .

محصول آنجا . گندم . جو ، حبوبات است اکثر اهالی قم فقیر و و بیچاره و برخی نیز کشاورزند-شهر وخانه های قم هنوز بطرز قدیم باقی مانده ولی اخیراًدو خیابان جدیدی در آنجا احداث شده است . گاراژ-دارهای قمی اغلب بیعاطفه و غارتگرند و غیراز بهای بلیط از مسافرین خواه نخواه وجه‌علاوه دریافت میکنند و اکثر در موقع حرکت‌اتومبیلها دروغ میگویند و مسافرین را معطل‌مینمایند.

پس از دو روز اقامت در قم بطرف اصفهان حرکت کرده بقصبه دلیجان که تا قم ۹۰ کیلومتر است رسیدم از آنجا تا قصبه میمه در حدود ۷۸ کیلو متر و از میمه تا قریه مورچه خورت ۴۷ کیلو متر و از مورچه خورت به اصفهان ۵۳ کیلو متر فاصله دارد محصول این دهستانها گندم . جو . حبوبات و میوه میباشد و آب فراوان دارند اکثر اهالی آنجا کشاورزند . قصبه مورچه خورت همان محلی است که در نزدیك آن جنگی بین نادرشاه و اشرف افغانی واقع شده و افغانها شکست خوردند. مسافت بین‌قم و اصفهان ۲۶۸ کیلومتراست و جاده‌صاف و همواراست‌ولی در بعضی جا دست‌انداززیاددارد که مرمت نشده است .

## اصفهان

اصفهان ازشهرهای قدیم وخوش آب‌وهوای‌ایران‌است‌پس‌ازورود به‌اصفهان برای تماشای میدان شاه یا نقش جهان که بهترین میدان های ایران است رفتم‌طول‌این میدان در حدود ۵۱۲ متروسجدشاه ومسجدشیخ لطف‌الله که آثار تاریخی و از بناهای شاه عباس بزرك است در این‌میدان واقع شده . مسجد شاه در سال ۱۲۰۸ هجری بمعماری محمدرضاابن حسین هشت‌سال بعد از فوت شاه عباس به‌اتمام رسیده و دارای منبری ۱۴ پله از سنك مرمر است که از معدن اردستان آورده شده و در محراب این مسجد قرار دارد درب بزرك آن نقره‌کوب است و در دالان مسجد

سنك آب بزرگی یاخطوط خوب برآن نقاشی شده و در بعضی از رواق های این مسجد شکاف هائی اکنون ایجاد شده که اینك مشغول تعمیر آنها هستند محمد شاه قاجار در سال ۱۲۰۹ هجری این مسجد را تعمیر نموده و ساختمانی برای طلاب علوم دینی در این مسجد بنا کرده است کاشی کاری مسجد شاه خصوصاً در سر درب بزرك جلب نظر میکند و در زمره آثار تاریخی بسیار مهم ایران است و ساختمان این مسجد ۲۶ سال طول کشیده ـ مسجد شیخ لطف‌الله نیز در دوره شاه عباس بنای آن آغاز گردیده و کتیبه‌هائی بخط و نقاشی علیرضا عباسی خوشنویس معروف در آن دیده میشود و بمعماری محمد رضا ابن‌حسین بوده که از سال ۱۰۲۲ شروع بساختمان آن کرده و در سال ۱۰۳۸ هجری خاتمه یافته‌است و کاشی کاری که در این مسجد بکار رفته در ایران نظیر ندارد ـ مسجد جامع اصفهان نیز از بنای قدیم است و در قسمت شمالی این مسجد صفه‌ایست مشهور بصفه صاحب که بصاحب ابن عباد نسبت میدهند و میگویند که در این صفه تدریس میکرده مسجد جامع در سال ۱۹۳ هجری در دوره منصور عباسی بنا گردیده و کاشی کاری محراب آن در زمان پادشاهی الجایتو خدابنده در سال ۷۱۰ هجری ساخته شده نقشه و شکل دو طاوس کاشی کاری در ایوان سر در این مسجد وجود دارد که از شاهکاری صنایع ایران است مسجد جامع در زمان نظام‌الملك وزیر سلطان ملك شاه سلجوقی و نیز در دوره سیدالدین ساوجی در عهد سلطان محمد خدابنده تعمیر و مرمت شده و طبق کتیبه که بخط کوفی در یکی از دهلیزهای این مسجد دیده شده در سال ۵۴۰ هجری قسمتی از ساختمان مسجد آتش گرفته که شاه اسماعیل صفوی آنرا تعمیر نموده است مسجد و مدرسه چهار باغ نیز از آثار باستانی ایران است که در دوره شاه سلطان حسین صفوی بنا شده که محل مدرسه را از باغ هشت بهشت مجزا ساخته و بازارچه و کاروانسرای جنب این مدرسه برای موقوفات مدرسه معین گردیده است بنا و صحن مسجد چهار باغ

درحدود ۸۵۰۰ متر مربع و دارای چهل وچهار حجره بسرای طلاب علوم دینی از جمله حجره موسوم به اطاق شاه سلطان حسین است در سال ۱۱۱۹ هجری این مسجد تعمیر شده و دارای موقوفات زیادی است دیگر از بنا های قدیم اصفهان مسجد عمر عبدالعزیز در طرف غربی مسجد جامع واقع شده و هنوز آثار آن باقیمانده که از قدیمترین مساجد ایران است و نیز مسجد علی که در زمان شاه اسماعیل بنا گردیده است .

عمارت عالی قاپی در میدان شاه نیز یکی از آثار تاریخی ایران و دارای هفت طبقه میباشد و در طبقه چهارم حوضی از سنك مرمر بنظر میرسد که روی آن از مس ساخته شده ودردوره صفویه آب از چشمه جوی سیاه از قریه فرح آباد که محل ییلاق صفویه بوده جریان داشته و از هزار جریب عبور میکرده بوسیله لوله واردحوض میشده طبقه هفتم این عمارت جای ضیافت و مهمانی پادشاهان صفوی بوده و بسیار بلند است بطوریکه شهر اصفهان و باغهای اطراف از آنجا مشاهده میگردد درب بزرك این عمارت رامیگویند شاه عباس بزرك از نجف آورده وتصاویر ونقاشی های ممتاز در این عمارت دیده شد که اکنون بعضی از آنها از بین رفته وهنگام حمله محمود افغان به اصفهان خرابی زیاد براین ساختمان وارد آمده بود ـ عمارت چهل ستون نیز که حرم سرای شاهان صفویه بوده یکی از آثار تاریخی است و یك قسمت این بنا در زمان شاه سلطان حسین آتش گرفته و خراب شده بود که بامر او مجدداً تعمیر گردید این عمارت دارای حوض بزرگی است که چهار مجسمه شیر دارد وآب از دهان شیرها خارج و وارد حوض میشود و دارای حیاط وسیع و اشجار کهن سال است دو مجسمه از گچ بنظر رسید که یکی از شاه اسماعیل و تاریخ آن ۹۳۰ هجری و دیگر مجسمه شاه عباس بزرك و تاریخش در ۱۰۲۸ هجری بود. عمارت چهل ستون دارای بیست ستون میباشد چون این بنا در مقابل حوض بزرگی قرار دارد و عکس این بیست ستون که در آن می افتد

چهل‌ستون بنظر میرسد از این رو آنرا چهل ستون مینامند .

کاشی کاریهای اصفهان که خود از شاهکاریهای صنعت ایران است، هنگامیکه در پرتو زرین آفتاب قرار میگیرد درخشندگی و زیبائی‌نوینی مییابد که بر قشنگی آن می‌افزاید این شهرهنوزهم‌ازمراکزصنایع ظریفه ایران است .

بنای عمارت چهل ستون در سال۱۰٤۹ هجری بپایان رسیده‌ودارای اطاق‌ها و تالارهای بزرك و تصاویر ونقاشی های بسیار عالی است‌ازجمله نقاشی مجلس دربار شاه عباس است که بر تخت نشسته و سران سپاه و رجال در حضور او هستند و این مجلس ضیافت به افتخارعبدالمهیمن امیر بخارا داده شده است . دیگر نقش‌شاه‌عباس ثانی است که با حضورایلچی ونماینده پادشاه مغولیه هندوستان برداشته شده ومجلس عیش وطرب را نشان میدهد که مطربان و نوازندگان مشغول رقص هستند ـ دیگر نقش میدان جنك نادرشاه با محمدشاه هندی است‌این نبرد در محل موسوم‌بکرنا واقع شده و محمدشاه بر فیل سوار است و نادرشاه بر اسب و مشغول جنك هستنداین نقش بعداز دوره صفوی درعمارت چهل ستون ترسیم‌شده چنین بنظرمیرسد که‌این‌میدان‌جنك‌خیالی‌است‌زیرادرتاریخ هند و جنك‌های نادری‌دیده نمیشودکه محمدشاه هندی‌شخصاً بمیدان جنك‌حاضر شده‌باشد و بعد از جنك‌هائی درچند میدان و در حومه شهر دهلی که بین‌سپاه‌نادری و لشکریان هندی بسرداری سعادت علی خان واقع گردید هندیان‌شکست خورده و منهزم گردیدند در آن هنگام بنا بصلاح دید سعادت علی خان محمد شاه هندی بحضور نادرشاه آمده و شمشیر خود را تسلیم او نمود نادرشاه‌با آغوش باز او را پذیرفته و شمشیر رابه‌محمد شاه‌بازداد وپیمان مودت بین آنها بسته شد و در دربار عام شهر دهلی اوامر لازمه دراطاعت ازمحمد شاه‌به تمام‌سرداران وبزرگان هند صادر نمود از نقاشی های دیگر عمارت چهل‌ستون میدان‌جنك‌چالداران است‌که شاه اسماعیل‌صفوی

با سلطان سلیم پادشاه عثمانی که مشغول زد وخورد هستند و نقش دیگر تصویر شاه طهماسب اول است که بافتخار همایون شاه هندی مهمانی مجللی برپا نموده و این هنگامی است که همایون شاه برای کمك و مساعدت به شاه طهماسب پناه آورده است و دیگر نقش شاه عباس ثانی که باعبدالعزیز خان پادشاه ازبك در هرات مشغول جنك میباشد و نیز تصویر ناصرالدین شاه و بعضی از تصاویر سلاطین و سفرای خارجه در ایوان طرف جنوب عمارت چهلستون مشاهده شد که فوق‌العاده جالب توجه بود. ازبناهای قدیم اصفهان یکی پل ۳۳ چشمه است که الله وردی خان آنرا ساخته و دیگری پل ۲۸ چشمه خواجو است که در دوره شاه عباس ثانی ساخته شده است و هردوروی رودخانه زاینده رود بنا گردیده و بسیار پلهای مستحکمی میباشند - پادشاهان صفوی بیشتر دارای ذوق و سلیقه صنایع داشته و معماری در دوره آنها بجائی رسیده بود که کمتر در تاریخ ایران سابقه داردو نیز تزیینات کاشی‌کاری و میناکاری و قالی بافی و انواع پارچه‌هازری و ابریشمی در دوره اکثر آنها بحد کمال رسیده بود و در بین آنها شاه عباس بزرك بیش از همه مشوق هنر و مروج صنعت بوده و بناهای این پادشاه یکی خیابان چهار باغ و میدان نقش جهان و مسجد با عظمت شاه و مسجد شیخ لطف‌الله و کاخ های عالی‌قاپو و چهلستون و پل ۳۳ چشمه و ساختمانهای عمارات در قزوین و گنبد و بارگاه حضرت رضا ع و دیگر از آثار نیك او کاروانسرای بسیار عالی در برخی از نقاط کشور میباشد.

و از بناهائی که شاه اسماعیل صفوی ساخته یکی مسجد جامع در شهر ساوه میباشد که تاریخ بنای آنرا در ٤٠٥ سال هجری بوده اگرچه قسمتی از بنای این مسجد اکنون از بین رفته ولی گنبد زیبای آن که باکاشی های فیروزه رنك بسیار ممتاز و محراب این مسجد با گچ بری برنك‌های مختلف ساخته شده تاکنون باقیمانده است و دیگر مسجد میدان ساوه است که تاریخ آنرا در سال ٤٥٣ هجری بنا گذارده و نیز کاشی‌کاری

مسجد جامع و مسجد علی در اصفهان میباشد - اگر چه شاه طهماسب صفوی بکتاب و صنعت قالی بافی بیشتر از معماری اهمیت میداد با وجود آن بعضی ساختمان‌هائی در دوره پادشاهی خود انجام داده است کاخ عالی‌قاپی و مسجد قزوین از بناهای او هنوز بجا مانده و دیگر بناهای او آرامگاه شیخ صفی‌الدین در اردبیل بیش از آنکه شاه‌عباس آنرا تکمیل نماید. از آثار قدیم و عجیب دیگر در اصفهان منارجنبان در قریه کلادان واقع در شش کیلومتری اصفهان‌است این ساختمان‌عبارت از دو ایوان و دو منار میباشد و گویا سیصد سال پیش این دو منار به ایوان ها اضافه شده و مقبره عمو عبدالله بن محمود صقلابی که مسلك و مرام صوفی داشته در اینجا واقع است تاریخ وفات او در سال ۷۱٦ هجری بود - بنای منارجنبان از آجر و گچ ساخته شده .

در موقع جنباندن این دو منار مانند آنکه زمین زلزله واقع شده باشد بحرکت در می‌آیند - سید جمال متولی این مقبره حرکت منارجنبان را از کرامات عمو عبداله بن محمود صقلابی میداند - قریه کلادان محل خوش آب و هوا است - در گورستان معروف به تخت فولاد واقع درهزار جریب آرامگاه ابدی خانواده خوانین محترم بختیاری از جمله مرحوم حاج علی قلی خان سردار اسعد فقید فاتح تهران و مرحوم صمصام‌الدوله و بعضی از خوانین بختیاری واقع شده نیز مقبره عالم فقیه میرزا ابوالقاسم فندرسکی که تاریخ وفاتش در سال ۱۰۵۰ هجری بوده و مقبره مرحوم صاحب ابن عباد و خواجه نظام‌الملك که از مشاهیر ایران بودند در تخت فولاد واقع شده است .

روز ۱۳ صفر برحسب وقتیکه تعیین شده بود برای دیدن آثار باستانی به چهل ستون رفتم اشیاء عتیقه آنجا عبارت بود از سه جلد قرآن مجید یکی بخط حضرت امام حسن ع و دیگری بخط حضرت سید سجاد ع و دیگری بخط شمس‌الدین بن محمد سعید جیلانی است که در سال ۱۱۱۹ هجری

نوشته شده است و دیگر یك نسخه طومار بخط کوفی که در سال ۴۰ هجری بدست خط هشام بن عطبه بن ابی وقاص بود و این طومار صورت قرار دادیست که در دیر حزقیل ذی الکفل بین حضرت علی ع با چهل نفر از دعات و کشیش های مسیحی رومیه بسته شده که مسیحیان هر ساله نفری سی و سه درهم و هیجده نخود جزیه بدهند و در پناه حفاظت و امان هادیان اسلام باشند. میگویند شاه عباس این طومار را از خزینه حضرت امیر ع از نجف باصفهان آورده از دیدن این طومار که دال برعظمت دین اسلام در صدر اسلام بوده نویسنده را بیاد ذلت و بیچارگی کنونی و عقب افتادگی امروزه مسلمانان انداخت - ازآثار قدیم دیگر لباده و خرقه شیخ صفی الدین اردبیلی بود بنای آرامگاه شیخ صفی الدین دراردبیل است که در دوره شاه عباس و بعد از او شاه طهماسب آنرا ساخته نیز مقبره شاه اسماعیل درآنجا واقع است و یك بنای قدیم و تاریخی است این ساختمان دارای یك اطاق گنبد مانندی است که در دیوارهای اطراف آن گنجه هائی برای نگاهداری اشیاء عتیقه و ظروف چینی و بلور نفیس و گرانبها وجود دارد - این آرامگاه گذشته از اینکه یکی از شاهکاریهای معماریست مرکز مجموعه از بهترین آثار صنعتی ایران است.

روز دیگر برای تماشای کارخانه پارچه بافی وطن که مرحوم حاج محمد حسین کازرونی درسال ۱۳۰۲ خورشیدی تأسیس نموده رفتم اکنون مدیر کارخانه آقای محمد جعفر کازرونی فرزند آنمرحوم است این کارخانه چهار نفر مکانیك اروپائی و ۳۰۰ نفر کارگر دارد و روزانه در حدود یك خروار پشم میریسد و همه قسم پارچه های پشم و نخ پشم میبافند و سوخت کارخانه از روغن منداب میباشد که از خشخاش و گیاه دیگر موسوم به کیکج بدست میآید و حرارت آن به ۹۰ درجه میرسد ولی اکنون که این سطور را مینویسم کارخانه وطن در تمام شئونات اداری وفنی ترقی نموده بطوریکه نسبت بمشاهدات چند سال پیش قابل مقایسه

نیست تعداد کنونی کارگران از زن و مرد در حدود ۱٤۰۰ نفر است وتمام‌قسمت های کارخانه بدست کارگران‌فنی ایرانی‌اداره می شود - محصول کارخانه در ۲٤ ساعت در حدود ۳۰۰۰ متر پارچه های پشم نخ میباشد و دستگاه بافندگی این کار خانه ۱۲۰ دستگاه و و قوای محرك کارخانه بقوه دو هزار اسب است که همه وقت نصف آن مشغول کار است .

اکنون‌سوخت کارخانه بانفت‌سیاه و روغن گازالین تأمین میشود و مقدار مصرف پشم روزانه در حدود ده خروار و مقدار نخ پنبه در روز هفصد کیلو و مقدار سوخت در روز در حدود یك هزار لیترمیباشد رنك‌های مصرفی این کارخانه اکنون از سویس وارد میگردد ولی پیش ازجنك رنگهای آلمانی‌مصرف‌میشده‌پارچه‌های بافت این کارخانه‌اکنون درداخله کشور بفروش میرسد- در اصفهان کارخانه های بافندگی‌دیگر از جمله کارخانه ریسباف - کارخانه پشم‌باف - کارخانه صنایع پشم - کارخانه زاینده رود - کارخانه نخ تاب - کار خانه نخ‌باف شهرضا - و دیگر کارخانه ریسندگی برق که‌هم نخ ریسی و پارچه‌بافی است وجود دارد در حقیقت اصفهان یك شهر صنعتی شده و آرزومندم روزی‌این‌شهر مانند منچستر انگلستان مشهور گردد- دراصفهان قالی های خوب میبافند و یکی از صادرات عمده آنجا است - محصول اصفهان گندم - جو - حبوبات - پنبه -تریاك - تنباکو و بادام وخوشکبار میباشد اکثر اهالی‌این شهر صنعت پیشه‌و کشاورزند صنایع‌اصفهان از جمله قلم‌زنی و میناکاری در ایران مشهور است جمعیت اصفهان را در حدود یکصدو بیست هزار نفر میگویند ودارای ٤۸ دبستان و ۳۵٤۰ دانش‌آموز است شماره دانش آموزان نسبت به‌تعداد نفوس این شهر بسیار کم است - مدرسه مرسلین و مریضخانه مرسلین در سال ۱۲۹٤ خورشیدی از وجوه خیریه‌انگلستان تأسیس‌شده‌این مدرسه اکنون دارای‌شش‌نفر آموزگار و ۱۸۰ نفردانش

آموز است اکثر شاگردان این مدرسه پس از خاتمه تحصیلات خود در شرکت نفت انگلیس و ایران وارد خدمت میشوند و شعبه های مدرسه مرسلین در یزدوکرمان و شیراز نیز دایر گردیده است - اصفهان‌ازحیث ابنیه وخیابانها نسبت به‌پیش بسیار ترقی‌نموده و بهترین خیابان آنجا خیابان چهار باغ میباشدکه اطراف آن درختهای‌کهن سال تاهزار جریب امتداد دارد - اکنون روزنامه اخگر وروزنامه عرفان دراصفهان منتشرمیگردد مدیرجریدهٔ‌عرفان که‌جوانی‌است‌دانشمندو میهن‌پرست‌نسبت‌بنویسنده کمال مرحمت ابراز داشتند. ١٤ روز دراصفهان‌توقف نمودم سپس بعزم‌شیراز حرکت کردم مسافت ازاصفهان‌به‌شاه رضا درحدود ٨١کیلومتر میباشد شاه رضا همان‌قمشه سابق است که اکنون نسبتاً آباد شده واخیراً کارخانه نخ تابی درآنجا تأسیس گردیده ازشاه رضا گذشته وارد ایزد خواست‌شدم این قصبه در دره روی صخره بزرگی بطول چند کیلومتر قرارگرفته و خانه های‌گلی روی این‌صخره ساخته شده‌که بوسیله‌یك‌پل ویك دروازه بداخل قریه راه دارد وشبها این درب بسته‌میشود وسکنه آنجا از دستبرد دزد ها ایمن هستند این قصبه دارای یك‌گردنه تنك‌خطرناکی است.

اکنون که این سطور را مینویسم خانه های‌قصبه ایزد خواست درجلگه مسطح نزدیك دره بتازگی ساخته‌اند وخانه های گلی روی‌صخره خالی از سکنه میباشد - در حقیقت قریه ایزد خواست در پیش و ضعیت شگفت آوری داشته و نظیر آن در ایران‌کمتر دیده شده .

ازشاه رضا تا ایزدخواست ٦٠کیلومتر است واز آنجا تا آباده درحدود ٦٣ کیلومترمسافت دارد. دهستانهای‌بین راه عبارتند ازجعفر آباد مقصود بك - امین آباد ازاین دهستانها گذشته بعد از ظهر وارد آباده شدم مسافت أزاصفهان تا آباده ٢٠٤ کیلومتر میباشد وجاده کاملا صاف و هموار است .

# آباده

شهر آباده اول خاك فارس ازطرف شمال است این شهر از حیث خوبی آب وهوا وزراعت قابل تمجید میباشد اشجار ومیوه فراوان دارد که ازآب قنات مشروب میشود - مهمانخانه نوین آباده محل باصفائی است این شهر اکنون دارای یك دبستان وعده کمی دانش آموز است محصول آباده گندم - جو - ذرت - حبوبات - پنبه وتریاك وخشکبار است واهالی اکثر کشاورزاند صنعت مینا کاری وگیوه سازی درآباده مشهور است - از آباده بهسورمق ۲۲ کیلومتر واز آنجا تاقریه خان خره ۳۶ کیلومتر مسافت دارد خان خره محل بسیار بدی است وجمعیت کمی دارا میباشد اهالی همه فقیر وبیچاره هستند چشمه آب گوارائی دارد پس ازساعتی توقف از این قریه حرکت کردهوارد دهبید شدم مسافت بین خان خره و ده بیددرحدود ۲۸ کیلومتر میباشد راه خراب مخصوصاً درگردنه کولی کش بسیار ناهموار است درفصل زمستان اکثر اینراه یخ بندان میشود که دربعضی موقع برای اتومبیلها خطرناك است قصبهدهبید روی تپه واقع استوارتفاع زیاد دارد بهمین سبب درفصل زمستان دراینجا یخ بندانوبسیارسردمیشود این قصبه دارای یك کاروانسرای بزرك وچشمه آب شیرین است عمده محصول آنجا گندم وجو است اهالی همه کشاورزاند - ازده بید حرکت کرده به قادرآباد رسیدم و از آنجا گذشته وارد قصبهٔ سعادت آباد شدم محصول قادر آباد گندم - جو - حبوبات وتریاك است که ازآب رودخانه مشهد مرغات مشروب میگردد تنك وگردنه قادر آباد و سعادت آباد در تاریخ فارس معروف استواز نقاط مخوفوخطرناكمیباشند اکثردزدیها وراه زنیها بین اصفهان وشیراز مخصوصاً درمحل آب باریك نزدیك قادر آباد واقع میگردد وبین پست های امنیه فاصله زیادی وجود دارد وعده نفرات امنیه مأمور این دو گردنهبسیار کم هستند ودر سال اغلبمسافرین.

دربین این دو گردنه خطرناك بوسیله راهزنها ازهستی ساقط میشوند خوب است اداره کل امنیه کشور باین قسمت راه توجه مخصوص نماید .
مسافت بین ده بید تا قادرآباد ٤٥ کیلومتر و از قادرآباد تاقصبه سعادت آباد ٢٩ کیلومتر است ـ درسعادت آباد چند ساعت توقف کردم واز آنجا بطرف قریه سیوند حرکت نمودم این قصبه آب ومیوه فراوان دارد و محصول آن گندم ـ جو وحبوبات است از سیوند گذشته وارد قریه رزقان شدم و ٥٦ کیلومتر راه براحت طی نمودم ـ زرقان در دامنه کوه واقع شده اهالی این قصبه اکثر کشاورزند و برخی پیله‌ورند از زرقان تاشیراز ٣٠ کیلومتر است ـ مسافت بین اصفهان وشیراز ٤٨٠ کیلومتر میشود ـ وراه صاف وهموار ولی دربعضی جاها دست انداز زیاد وجود دارد که تعمیر نشده است .

## تخت جمشید

از زرقان گذشته وارد استخر شدم ازپله های پرس پلیس بالا رفته وارد محوطه تخت جمشید شدم درچند سال پیش هیئت انجمن باستان شناسی امریکائی مشغول کشفیات وحفاری درتخت جمشید بودند واشیاء فلزی وسفالی زیاد وچند مجسمه کوچك سنگی و کوزه های بزرك محتوی اسکلت های قدیم مخصوصاً چند لوحه های نقره وطلا که باسه خط داریوش نام خودو پدرش گشتاسب را درآنها نوشته است اکنون آنها را بموزه ایران باستان بتهران انتقال داده‌اند ودر چند محل دیوار هائی را که منقوش باتصاویر واشکال مختلف است از زیر خاك بیرون آورده‌اند. فرهادمیرزا معتمدالدوله والی فارس نیز درسال ١٢٥٤ خورشیدی برای دیدن تخت جمشید آمده وبدستور او بعضی ازآثار قدیم را اززیر خاك بیرون آورده‌اند وشرح حفاری خودرا روی سنگی کنده وبیادگار گذارده است ـ دیواری که درقدیم اطراف عمارات پرس پلیس کشیده بودند درحدود یك کیلومتر

طول و۱۳ متر ارتفاع داشته‌ودر سر دربزرك عمارت مجسمه چهارحیوان بالدار ولوحه بخط میخی در اینجااست که این عبارت روی آن نوشته‌شده است « خشایار بزرك شاه شاهان کشور های ملل مختلف وشاه این‌سرزمین پهناور بیاری اهورا مزدا من که نماینده تمام کشور های اوهستم ساخته و چیزهای دیگر نیزمن وپدرم بنا کردیم وهر ساختمانی که دارای‌منظره‌زیبا است انرا بیاری اهورا مزدا ساخته ایم .»

درجنوب شرقی این سردر تالار بزرگی که گویا دربار عام بوده ودر دوره باستانی بنام آپادانا موسوم بود وتالار چهارگوشه داربوده که هرضلع آن به‌شصت مترمیرسیده‌وسقف آن برپایهای۳۶ستون که‌هر یك۱۸ متر بلندی داشته بناشده بود واطراف این تالار اطاق های کوچکی‌وجود داشته‌که طبق کتیبه های موجوده خشایارشا و اردشیر سوم آنها رامرمت وبر وسعت آن افزوده‌اند - تصویر داریوش بزرك که روی تخت نشسته و ملازمان پایه های تخت‌را نگاه داشته‌اند نیز جای‌دیگر او برروی‌صندلی نشسته وپاسبانی چتر برسرش نگاهداشته دیگر تصویر داریوش است که براسب سوار است وملازمان درجلو وعقب او در حرکت میباشند و خواجه سرایان کاسه هائی دردست دارند - علاوه برصور انسانی وحیوانی اشکال واشیاء مختلف دراستخر بنظر میرسد ازجمله کالسکه است که اسب باو بسته شده ونیز اقسام آلات‌وادوات جنك روی سنگها منقوش است ودیگر تصویر حیوانی است عجیب الخلقهٔ که سری مانند شیر ودم وپائی چون جنگال عقاب‌داردو انسانی خنجری بشکم این حیوان فرو کرده است مرحوم فرصت الدوله مؤلف کتاب اثار عجم مینویسد چنین حیوانی درجهان وجود نداشته‌واین حیوان راتشبیه به نفس‌اماره وسرکش انسان نموده وانسانی که خنجر بشکم این حیوان فرو برده تشبیه به‌عقل سلیم انسان نموده است دیگر ازآثار وبنا های پرس پلیس که اکنون باقیمانده یکی سردر بزرك خشایارشا ودیگر تالار صد ستون و قصر

داریوش «عمارت آئینه» و بعضی بناهای دیگر که بعد از داریوش ساخته شده ـ در محوطه تخت جمشید ۱۵ ستون بنظر رسید که هریك ازنه پارچه سنك است که برروی‌هر ستونی کله گاوی ازسنك ساخته شده ولی‌اکنون خراب واز بین رفته است. در دامنه‌کوه درمحوطه استخر دو دخمه دیده شد دردخمه اول دو تابوت از سنك بود ودر دخمه دوم شش تابوت که همه‌آنها خالی بودند دربالای سر این دخمه‌ها تصویر داریوش بنظر میرسد که برتخت نشسته وتیر وکمانی در دست دارد وآتشکده مقدس درجلو او ونقش ملك فروهر بالای‌سرش میباشد ودر پائین تخت تصاویر غلامان وملازمان است که پایه های تخت را بدست‌گرفته اند وزیر این تصاویر نقش سپاهیان و شیر هائی وجود دارد. در تخت جمشید چند لوحه‌های سنگی بخط میخی دیده‌شد که بنای استخر را داریوش و پسرش خشایارشا نموده‌است. عمارت‌تالار آینه‌و کاخ‌صد ستون درحمله‌اسکندر رومی آتش‌گرفته وویران شده ولی آثار آنها اکنون باقیمانده است.

از سیاحان و نمایندگان خارجه که به‌استخر آمده اند یکی «سرجان ملکم» سفیر انگلیس که از طرف حکومت هندوستان در سال ۱۸۰۰ میلادی بدربار فتحعلی شاه آمده نام خود را درآنجا نوشته است.

«سرجان ملکم» برای مرتبه دوم‌درسال ۱۸۱۰میلادی بدربارفتحعلی شاه آمد وقرار دادیراکه «هارد فورد بربج» وزیر مختار دولت انگلیس منعقد نموده بود بامضاء فتحعلی شاه رسانید در خصوص مأموریت خود به‌ایران مینویسد:

«ده سال ازتاریخ اولین مسافرت من بایران میگذرد در این مدت درحوادث ایران تغییرات کلی پیدا شده روسها از شمال قفقاز بکرانه رود ارس پیش‌آمده اند ـ ناپلئون نقشه کشیده بودکه خرس روسیه وشیر ایران را زنجیرکرده آنها را بارابه جنگی خود ببندد ودر جلگه های حاصلخیز هندوستان به ترکتازی مشغول شود» سرجان ملکم پس ازانجام

مأموریت خود درایران ازشغل خود استعفا نمود وبجای او «سر ویلیام کور اوزلی» بسمت نمایندگی سیاسی انگلیس درایران منصوب گشت.

ودیگر «هرمن ناردن» امریکائی‌صاحب کتاب زیر آسمان ایران وپروفسور «مکسی مولن» آلمانی در ۱۹۲۵ میلادی برای تماشای این آثار باستانی آمده اند.

پروفسور نامبرده نیز بجزیره خارك رفته بود ودخمه هائی در کوه خارك دیده‌است نویسنده او را در بندر گناوه ملاقات کردم او عقیده‌داشت درهفتصد سال‌پیش عیسویانی درجزیره خارك اقامت داشتند ومیگفت که علامات‌وآثاری ازجمله‌صلیبی از زیر خاك دران جزیره بدست اورده‌بود نویسنده گمان دارد منظور او پرتقالیها وهلندیها باشندکه درچند قرن پیش برای تجارت بخلیج فارس‌آمده بودند وچندی در جزیره خارك سکونت داشته‌اند. درشمال غربی تخت‌جمشید نقش رستم واقع شده قسمت پائین بشکل مربع مستطیل عاری‌از نقش و نکار است ولی درقسمت میانه‌نقوش وتصاویر بسیاری ایست ازجمله نقش داریوش‌که بر تخت نشسته ودست راست خود را بطرف آتشکده‌دراز نموده است ونقش ملك‌فروهر بالای سر او ودر کنار آن نقش خورشید نمایان است وتخت داریوش را ۲۸ نفر بر دوش گرفته اند وکتیبهٔ بخط میخی دارد که داریوش شرح زندگانی‌و وپیروزیهای خود را نگاشته است و نیز نقش شاپور اول‌که «والرین» امپراطور روم را اسیر نموده واو زانو بزمین زده است ونیز نقش‌اردشیر واهورا مزدا که هریك‌سوار اسب هستند ورو بروی یکدیگر قرار دارند واهورا مزدا عصائی در دست دارد وتاج شاهی به‌اردشیر عطا میکند و زیر پای اسب اردشیر تصویر اردوان پنجم اشکانی ونقش دو نفر که مشغول جنك هستند مشاهده‌میشود درحقیقت این نقوش عظمت پادشاهان هخامنشی را بیاد هرمسافر می‌آورد ـ نقش رستم در شش کیلومتری تخت جمشید واقع است.

سپس برای دیدن بند امیر که از بناهای تاریخی امیر عضدالدوله دیلمی میباشد رفتم دراینجا عضدالدوله سدی روی رودخانه کر بنا کرده که دارای چند چشمه است وچهار چشمه آن با درب های آهنی بسته‌شده واکنون زیر آب پنهان است این سد جریان آب را ازمجرای خود منحرف میسازد وبرای کشاورزی بکارمیرفته هرگاه وزارت کشاورزی توجه بسد نامبرده نموده وآنرا ازنو تعمیر ومرمت کند چندین فرسنك اراضی مرو دشت‌را قابل استفاده هر قسم زراعت خاصه چغندرکاری خواهد نمود و مردم فارس را ازقحط وغلا و بیچارگی نجات خواهند داد.

از بند امیرگذشته وارد مرو دشت شدم و کارخانه قند سازی را تماشا نمودم واز پل سنگی‌رودخانه پل خان عبورکرده وارد دره الله‌اکبر شدم و لحظهٔ زیر طاق قران توقف کردم دراینجا بنائی است موسوم بزیر قران وروی این طاق اطاق کوچکی است که درآن‌دوجلد قران بزرك‌در صندوق گذارده بودند ومسافرین زیرآن عبور میکردند.

روزهای اول هرماه رسم بود که اهالی شیراز ازدحام نموده از زیر قران عبور میکردند ولی اکنون که‌این سطور را مینویسم‌این بنارا خراب کردند ودو جلد قران مجید را در موزه ملی شیراز گذارده اند. درنزدیك طاق قران محلی است موسوم بمشرقین که دارای چشمه آب گوارا ایست وتصویر رستم‌زال بنظر میرسد که با تیر وکمان شیری را کشته است و نیز نقش فتحعلی شاه که برتخت نشسته ویکی از شاهزادگان درعقب‌سراووخواجه سرائی درجلواوایستاده‌اندا کنون این‌تصاویرخراب واز بین رفته است.

دردشت مرغاب‌آثارقدیم شهرپازارگاد پای تخت‌پادشاهان‌هخامنشی وجود داردومحل آرامگاه کورش‌بزرك است این‌آرامگاه عبارت ازدخمه است که باسنگهای تراش ونقش‌کورش روی آن کنده شده وبخط میخی نوشته شده «کورش پادشاه بزرك هخامنشی»

# شیراز

از دره الله اکبر دورنمای شیراز باشکوه وجالب نظر میباشد شهر شیراز در دشت وجلگه قرار گرفته و گنبدهای سید میراحمد شاه چراغ و امام زاده میرمحمد و امامزاده سید علاء الدین حسین که هر سه‌ازفرزندان امام موسی کاظم‌هستند بر جلوه وصفای شهر افزوده است. ازآثاروبناهای قدیم شیراز یکی قصر ابوالنصر میباشد کـه دردوره سامانیان بنا شده و دارای‌چند ستون‌وچهار طاق‌میباشد که هریك ازسه پارچه سنك ساخته‌شده وتصاویر و نقوش زیادی در آنجا بنظر میرسد در دو فرسنگی شیراز نیز نقش بهرام‌گور واقع‌شده کـه براسب سوار میباشد وحلقه دردست دارد که آنرا تسلیم سوار دیگر میکند و نیز بنای قدیم تخت ضرابی است که اکنون خراب وویرانه است ـ دیگر از بناهای قدیم شیراز مسجدجامع است در وسط این مسجد ساختمان‌کوچکی بطرز مسجد الحرام ساخته اند و سنك سیاهی در وسط آن قرار دارد این بنا موسوم بخدای خانه ودر دوره شاه شیخ ابوالحق اینجو ساخته شده وخود ساختمان مسجد درزمان‌عمرولیث صفاری درسال ۲۸۱ هجری بنا گردیده ودرعهد صفوی چند بار تعمیرشده اکنون این مسجد خراب شده ومشغول تعمیر ومرمت آن میباشند ـ از آثار قدیم وتاریخی درشیراز مسجد وحمام وبازار وکیل است که هر سه از بناهای کریم خان زند شهریار دادگستر ایـران میباشد ـ مسجد وکیل دارای۴۸ ستون هریك از دو پارچه سنك‌ودرآنجا منبر۱۳ پله ازسنك‌مرمر ونیز کاشی کاری بسیار عالی‌درآنجا بکاررفته‌است مسجد نو نیز ازمساجد قدیم است که بنای آنرا ابوبکر سعد زنگی معاصر شیخ سعدی گذارده ودارای آب جاری ودرخت های کهن سال میباشد اکنون این مسجد رو بخرابی است ـ چاه مرتاض علی وگهواره دیو و مقبره بابا کوهی عارف مشهور نیز ازآثار قدیم است لوحه تاریخ وفات او بخط کوفی نوشته شده

این مقبره در وسط کوه درشمال شیراز واقع است و چشمه آب گوارائی دراینجا وجود دارد ومحل باصفائی است ـ مقبره شاه داعی‌الله که ازفقها بوده ومعاصر خواجه حافظ میباشد ونیز آرامگاه سید ابوالوفا وقطب راوندی وملا صد را که‌ازمشاهیر عرفا و فضلای ایران بودند در شیراز واقع است . آرامگاه خواجه حافظ شمس الدین محمد معاصر باآل‌مظفر امیر تیمور گورکانی درسال ۱۱۸۰ هجری کریم خان‌زندساخته و سنك مرمر روی آن قرار دارد اکنون تعمیر شده‌دارای صحن وسیع ودرختان‌نارنج وگل‌کاری ومانند قلب آن شاعر نامی باصفا است اهالی شهر روزهای جمعه برای زیارت بحافظیه میآیند تاریخ وفات حافظ اینست.

چودر خاك مصلی یافت منزل بجو تاریخش از خاك مصلی

بحساب ابجد سال ۷۹۱ هجری میشود ـ آرامگاه شیخ مشرف‌الدین سعدی در یك فرسنگی شیراز است بنای ساختمان آن قدیمی و اکنون روبخرابی گذارده‌ودارای قنات آب‌وچند درخت‌های سرو کهن‌سال‌میباشد.

طبق کتیبه سنگی که بخط کوفی است ونیمی از آن از بین رفته وفات سعدی درشب‌جمعه ماه شوال درسال ۶۹۱ هجری بوده بسیارجای تأسف است که فرهنك فارس درتعمیر ساختمان سعدی تا کنون توجهی نکرده و بحفظ آثار ملی اقدام ننموده است پروفسور «ادوارد برون» مستشرق مشهور انگلیسی عکس شیخ سعدی را که دارای کلاه تاتاری است ونسخه اصلی‌این عکس در موزه کتابخانه‌لندن است بآرامگاه‌سعدی فرستاده ـ از بناهای قدیم دیگر درشیرازهفت تن‌وچهل تن معروف‌است ومیگویند که درهفت تن هفت نفر ودر چهل تن چهل نفر از درویشان و مرتاضین مدفونند بنای این ساختمانها در دوره صفوی بوده و بعد کریم خان زند آنهارا تعمیرنموده است وسنگهای مرمر در آنجا بکاررفته‌است چند تصاویر ونقاشی دارد ازجمله یك تصویر منسوب بخواجه حافظ و دیگر منسوب بشیخ سعدی ودیگر تصویر حضرت ابراهیم خلیل و فرزند

او اسماعیل است و تصویر حضرت موسی باچند گوسفند و نیز تصویر شیخ
صنعان بامریدان ودختر مسیحی معشوقه او میباشند این تصاویر درهفت
تن وجود دارد ولی در ساختمان چهل تن تصاویر و نقاشیهای آنجا همه
محو و از بین رفته و بنای آن مخروبه ودارای چند درخت سرو کهن سال
میباشد قلعه ارك از بنا های کریم خان زند است ودر درون آن چندعمارت
وجود دارد و تالار بزرگی باکاشی کاری بسیار زیبا بکار رفته و از ابنیه
تاریخی شیراز بشمار میرود نیز بازار وکیل نه فقط یکی از بهترین
بازارهای ایران است بلکه میتوان گفت ازحیث ارتفاع واستحکام بنا در
ایران نظیر نداردنیزخیابان وسیع زند ومیدان فلکه برصفا و طراوت این
شهر افزوده است ـ موزه ملی در باغ کریم خان زند حاوی اشیاء عتیقه
وظروف مسی وسفالی عهد قدیم است چند تصویر و نقاشی های ممتاز از
جمله تصویر کریم خان زند باالباس قدیم درحالیکه روی زمین نشسته قلیان
میکشد وچند نفر ازنزدیکان او اطرافش ایستاده اند وچند جلد قران مجید
بخط کوفی و کتب خطی قدیم و مرفعات بخط خوشنویس های فارس
وقلمدان های طلاکوب نفیس و نیز شمشیر کریم خان زند دراین موزه بنظر
رسید ـ شهر شیراز نسبت بچند سال پیش آباد شده دو مریضخانه عمومی که
دارای چند تختخواب و کارخانه نساجی دراینجا وجود دارد ـ جمعیت شیراز
درحدود صد هزار نفر میگویند ودارای ۲۵ دبستان و ۲۹۳۰ نفر دانش
آموز که نسبت به نفوس این شهر بسیار کم است ـ محصول فارس گندم ـ
جو ـ حبوبات ـ برنج ـ پنبه ـ تنباکو ـ تریاك و چغندر میباشد آب برای
کشاورزی کمیاب است ـ اهالی شیراز عموماً زود آشنا و مهمان نوازهستند
هوای شیراز لطیف ومعتدل وآب مشروب آن از قنات ولی کثیف است
اطراف شهر باغهای زیاد احاطه نموده و بسیار باصفااست ـ این شهر بواسطه
مناظر طبیعی و باصفا در ایران بی مانند است عمده صادرات فارس تریاك
قالی ـ کتیرا ـ صمغ عربی وخشکبار وپشم وپوست است که ازراه بندر بوشهر

بخارجه فرستاده میشود .

هر کاه قنات های قدیم خارج ازشهر پاك وتعمیر شود آب فراوان برای کشاورزی بدست میآید ـ واین وظیفه شهرداری است که اعتبار آن را در نظر گرفته وبمرکز پیشنهاد نماید ـ اکثر مردمان این شهر بیکار و برای امور معاش خود سرگردانند .

از شیراز بعزم کازرون حرکت کردم واز قریـه خـانه زنیان عبور نموده وارد قصبه دشت ارزن شدم این قصبه در جلگـه صاف ومسطحـی واقع است واطراف آن کوه های مرتفع ازجمله کتل پیر زن که در حدود ۷۴۰۰ پا ارتفاع دارد احاطه کرده وچند چشمه آب ازکوه جاری شده و وارد جلگه دشت ارزن میگردد که بدون فایده میمانـد وبـه بـاتلاقهـا میریزد ـ ازکـتل های پیرزن وملو (ملعون) که صعب العبور وخطرناك است گذشته وارد دشت کازرون شدم دریاچه پریشان دراین دشت نزدیك قریه پل آبگینه واقع شده مسافت ازشیراز تا کازرون ۱۱۹ کیلومتر میباشد و جاده کوهستانی وناهموار است واکثر دزدیهـا وراه زنی‌ها درایـن محل واقع میگردد ـ پست ارتباط امنیه درفاصله زیادی قرار دارد نقاطیکه بین شیراز وبوشهر خطرناك ودزدگاه است درسینه سفید بین شیراز و خانـه زنیان ودر پل آبگینه نزدیك کازرون ودرگردنه رودك نزدیك کمارج و در سرپل دالکی ونیز در تپه‌های نمازگاه بین دالکی وبرازجان میباشد .

# کازرون

کازرون درپیش بسیار آباد بوده ولی اکنون ویرانهٔ بیـش نیست شهریست کثیف و اکثرخانه های آن مخروبه میباشد مردم این شهردارای هوش سرشار میباشند وبا اینکه درتنقیه واصلاح قنات مهارت دارند با این وصف آب این شهر بسیار کم واکنون آب مشروب کازرون از قنات خیر آباد است محصـول آنجا گندم ـ جو ـ حبوبات ـ برنج ـ تریاك

وتنبا کو است خرما و مرکبات ازجمله نارنج ولیمو فراوان دارد. معاملات و داد و ستد بوسیله پیله‌ورها انجام میگیرد و اکثر اهالی کشاورزند ـ در جنك بین الملل گذشته و نیز زدو خورد با ژاندارمری ها در زمان افسران سویدی کازرونی‌ها دلیری وشجاعت ازخود بثبوت رسانیدند و پیشوای آنها مرحوم ناصر دیوان دلیریها بخرج داد وهمواره فاتح بود جمعیت کازرون درحدود ۱۲۰۰۰ نفر میگویند مردمش اکثر مهربان و مهمان نوازهستند شهرکازرون اصلاحات زیادلازم دارد خاصه درامور بهداشت که بسیارعقب افتاده است ـ در بیرون این شهر محلی بنام نقش تیمور وجود دارد (تیمور پسر حسینقلی میرزافرمانفرما که زمانی حکومت کازرون راداشته) نقشی در سنك کنده‌شده که سوار بر اسب وملازمان اطراف اودرحرکت‌اند وشیری جلو اسب او خوابیده است ـ برای تماشای تنك شاپور در چند کیلو متری کازرون رفتم آثار قدیم و تاریخی بین دو کوه در تنك چوکان وجود دارد و قلعه مخروبه موسوم بقلعه شاپور در دشت واقع شده و رودخانه شاپور از این دشت میگذرد ـ در تنك شاپور حجاریهای دوره ساسانی از جمله نقش‌های سوار وپیاده وتصاویر مردمی مشاهده‌میشودکه هدایا نزد شاپور میاورندو دیگر نقش شاپوراست که ملازمان و پاسبانان در جلواو ایستاده اند ونیز تصویر آن پادشاه بنظر میرسد که براسب سوار است و «والرین» امپراطور روم زیر پای اسب او قرار گرفته و یکی از سران رومی در مقابل اسب شاه زانو بزمین زده و دیگر مجسمه شاپور اول دیده شد به ارتفاع شش ذرع قامت و دایره سینه او نیم ذرع است اکنون پاهای این مجسمه شکسته و نیمی‌از چهره او خراب و ازبین رفته است. در تنك چوگان در وسط کوه دخمه وجود دارد بسیار طولانی و تاریك و دارای چند دهلیز و حوضی در آنجا بنظر رسید و چشمه آب در میان این دخمه جاری میباشد در حقیقت محل شگفت آوری است سیاحان خارجی نتوانستند دریابند که آیا این دخمه طبیعی است یا ساختگی و انتهای آن راه نیست

در چند سال پیش چند نفر از زردشتیهای هندوستان بامقداری افزار ولوازم کار برای تحقیقات به تنك شاپور آمدند و قصد بررسی را داشتند ولی ناامنی و عدم نظم مانع پیشرفت کار آنها گردید و بدون نتیجه به هندوستان مراجعت نمودند. از تنك چوکان حرکت کرده پس از طی چند کیلومتر به تنك ترکان رسیدم و این محل بین دو کوه واقع گردیده وجائی است مخوف وخطرناك در سالهای پیش در تنك ترکان جنگی بین عشایر ایرانی و سواران هندی واقع شده بود ـ در سال ۱۲۸۸ خورشیدی در نتیجه ناامنی و زدوخوردهائیکه بین عشایر قشقائی و عرب بهارلو در گرفت و بعضی نقاط فارس مغشوش شد دولت انگلیس برای حفظ کنسولخانه شیراز ۱۵۰۰ نفر سوار هندی با ٤۰۰ قاطر و بنه و سازبرك از بوشهر روانه شیراز نمود از انتشار خبر ورود این عده قشون بیگانه هیجان شدیدی بین خوانین محلی پیدا شد خورشید خان کمارجی ومحمدعلی خان کشکولی و ناصر دیوان کازرونی مصمم جلوگیری این عده سواران هندی شدندو در تنك ترکان زد وخوردی بین آنهاواقع گردید که در نتیجه ماژور «استاك» کنسول انگلیس زخمی گردید و اسلحه و مهمات آنها بدست خوانین نامبرده افتاد وسواران هندی ببوشهر مراجعت کردند ازاین تنك خطرناك گذشته وارد قصبه کمارج شدم ـ این قصبه دارای یك کاروانسرا است که چند نفر مأمورین امنیه درآنجا اقامت دارند اهالی آنجاهمه کشاورزند ـ محصول آنها گندم و جو دیمی میباشد ـ پس از کشته شدن نادرشاه اسد خان افغانی بکمارج آمده ودرآنجامشغول راه زنی گردید وآرامش آن ناحیه را برهم زد ولی بعد کریم خان زند اوراشکست داده و دستگیر نمود. چون هوای کمارج بسیار گرم بود توقف نکردم واز کوه و گردنه خطرناك رودك گذشته وارد قصبه کنار تخته شدم در اینجا درخت خرما فراوان است و خرمای ناحیه خشت در فارس مشهور میباشد از کتل دختر و تپه‌های ملافلفلی نیز عبور نموده وارد قریه دالکی شدم هوای دالکی نیز بسیار گرم است و بوی عفن

چشمه‌های گوگردو نفت خام مزیدناراحتی مسافرین میباشد درسال ۱۸۸۴ میلادی «شرکت هونتز» آلمانی در زمان ناصرالدین شاه امتیاز استخراج نفت این ناحیه را بدست آورد و چندی مشغول حفاری چاه نفت بود ولی به‌نتیجه نرسیدو شرکت نامبرده امتیاز خود رالغو نمود - دالکی جزبلوك دشتستان است طول آن از قصبه بیوار تا قریه بنه‌لعلی ۱۸ کیلومتر وعرض آن در حدود دو کیلو متر است دارای هفت دهستان و سیصد خانوار میباشدو نخلستان فراوان داردمحصول آنجا خرما - گندم. جو دیمی است آب‌مشروب آنجا از چاه است اهالی اکثر کشاورزند اکنون بواسطه‌قحطی که چندی ادامه داشت مردم این دهستانها یا تلف شده ویاجلاء وطن اختیار نموده اند - از کازرون تا کنار تخته ۵۱ کیلو متر و از آنجا تا برازجان درحدود ۵۰ کیلومتر مسافت دارد. بین‌دالکی و برازجان جاده نسبتاً صاف ولی‌دست انداز زیاد است‌و نیز دزدیهائی در این ناحیه واقع میگرددو ارتباط امنیه در بین راه وجود ندارد- کالای قاچاق از این طریق وارد کازرون و شیراز میگردد و مأمورین‌امنیه‌اخاذی‌ازقاچاقچیان مینمایند و شریك اعمال آنها هستند - مردم دالکی‌همه‌فقیروپریشان‌حالند.

## برازجان

برازجان جزء بلوك دشتستان است طول آن از رود فاریاب تاقریه زیارت درحدود ۶۰ کیلومتر وعرض آن ۳۶ کیلومتر است دارای ۱۵ دهستان و ۷۵۰ خانوار میباشد - محصول آنجا گندم- جو دیمی است و تنبا کو این قریه از آب چاه مشروب میگردد نخلستان زیاد وخرمای فراوان دارد اکثر اهالی کشاورز و زحمت کش هستند معاملات و داد وستدآنها با بوشهروشیراز است یك دبستان اخیراً در برازجان تأسیس شده ولی‌دانش‌آموزآنجا کم‌میباشد - درسال۱۲۸۸خورشیدی‌مرحوم‌مشیرالملك شیرازی کاروانسرائی‌دراینجا ساخته درحقیقت مانند قلعه است اکنون

محل پادگان نفرات امنیه میباشد مسافت بین برازجان و بوشهر ۶۰ کیلومتر میشود بعدازساعتی استراحت حرکت نمودم وازقریه احمدی که محل اقامت مرحوم شیخ حسین خان چاکوتاهی بود عبور کرده وارد قریه چغادك شدم «شیخ حسین خان چاکوتاهی درجنك باپلیس جنوب (اس - پی - ار) کشته گردید او بنام سالار اسلام لقب یافت ودرجنك های بین تنگستانی ها و سپاهیان انگلیسی فداکاری ودلیریهای زیاد ازخود بیادگار گذاشت. در چغادك خانه کوچکی بنظر رسید که متعلق به «واسموس» آلمانی بود اوچند سال کنسول آلمان دربوشهر بود فارسی خوب میدانست وباخلاق اهالی جنوب کاملا آشنائی داشت در سپتامبر سال ۱۹۱۴ میلادی هیئت تبلیغاتی آلمان مرکب ازسی ودونفر ازراه شام وحلب بعضی به یمن ومصرو برخی ازراه بغداد بایران وارد شدند وچند نفر ازآنها از راه کرمان بافغانستان رفتند - «واسموس» و «ویندر مایر» و «روك مایر» و «دکتر لاندرس» از راه پشت کوه واردخاك ایران شدند منظور این هیئت اعزامی برانگیختن مسلمانان برضدانگلیسها بود - ورود «واسموس» درحوالی بهبهان یکی از بازرگانان آنجا که سمت نمایندگی کنسول انگلیس در بهبهان داشته از آمدن «واسموس» مطلع گشت وقضیه رامحرمانه بجنرال کنسولگری انگلیس دربوشهر گزارش میدهد - مسیو «چك» نایب کنسول انگلیس با کشتی جنگی وارد بندر ریك گردید ومرحوم حیدرخان بخشدار آنجا راملاقات و بامشورت او یکعده تفنگچی چریك مأمور گرفتاری «واسموس» نمود آنها وارد بلوك لیراوی وناحیه شول شدند وسر تفنگچی تقاضای ملاقات رئیس کاروان راکه تا آنوقت از نام و نشانش خبری نداشت مینماید پس ازلحظه مردی بلندقامت باموی سفید وچشمانی جذاب وگیرنده ازچادر خود بیرون آمد و میگوید کدام خان شمارا باین محل فرستاده است سرتفنگچی در جواب میگوید حیدر خان ما را مأمور نموده که در خدمت شما تا بندر ریك باشیم.

«واسموس» چون از روابط دوستانه حیدرخان باانگلیسها خبر داشت چگونگی را دریافته و میگوید من از حیدرخان که ما را دعوت به بندر ریك نموده است بینهایت ممنونم ولی چون امروز همه خسته و قاطرهای ما وامانده است لذا فردا صبح به اتفاق شما حرکت می‌نمایم در این بین بادکتر «لاندرس» بمشورت پرداخته و مصمم بفرار میشود در نیمه‌شب لباس و کلاه را تغییر داده و روی تخت‌خواب خود پارچه سفیدی کشیده مانند آنکه کسی روی تخت‌در خواب است باحال درازکش در آن تاریکی شب از چادر بیرون آمده و فرار میکند بفاصله ۴۸ ساعت خودرا ببرازجان میرساند اما مأمورین اعزامی حیدر خان برای بعد از ظهر روز دیگر ازقضیه فرارو اسموس اطلاع حاصل نمودند دکتر لاندرس و مترجم ایرانی‌را با کاروان به‌بندر ریك میآورند و حیدر خان آنهارا در مقابل رسید تحویل کشتی انگلیس مینماید.

ورود «واسموس» در برازجان مورد استقبال شایانی از طرف پادگان ژاندارمری واقع گردید و در اینجا «واسموس» مطلع میشود که کشتی جنگی انگلیس موسوم به «جنو» بندردلوار رانزدیك بوشهر بمباران نموده و زدو خوردی بین انگلیسها ورئیس علی دلواری واقع شده «واسموس» بی درنك بطرف دشتی و تنگستان حرکت نمود و خوانین آنحدود را از جمله مرحوم زایر خضر خان و شیخ حسین خان چاه کوتاهی و سایر خوانین را ملاقات کرد و آنها را بر ضد انگلیسها تحریك نمود و منظور او سرگرم کردن قسمتی از قشون انگلیسی در پشت جبهه بین‌النهرین بود که بخوبی موفق گردید و در نتیجه ۳۰هزار نفرسپاهیان هندی و انگلیسی با مهمات و ساز برك کافی وارد بوشهر شدند و تامدت دو سال آتش‌جنك در تنگستان و فارس مشتعل بود و خون جوانان تنگستانی بعبث ریخته شد ودر اثر تحریك واسموس نهضت فارسیان در کازرون وشیراز شروع گردید ودر نتیجه مسیو «آکانور» کنسول انگلیس در شیراز و رئیس

ومعاون بانك شاهنشاهی و چندتن اتباع انگلیسی مقیم شیراز به اسارت در تنگستان آوردند کنسول نامبرده در مدت اقامت خود در اهرم نقشه مصالحه و متارکه جنك ریخته با تنگستانیها صلح نمود ـ شب تابستانی بود که صندوقهای چاهی که در بحرین توقیف شده بود با وجه نقدینه متعلق بخوانین تنگستان که در بانك شاهنشاهی بود با منافع آن به تنگستانیها مسترد گردید واسیران جنگی آنهارا از هندوستان عودت داده به تنگستان فرستادند ودرمقابل اسیران انگلیسی را مستخلص نموده و ببوشهر آمدند «واسموس» پس ازمتارکه جنك که برخلاف مرام و نقشه او بود دیگر صلاح در اقامت خود در تنگستان ندانسته و از راه غیر معمول بکازرون آمد در بین راه با چند نفر دهاتی که اورا نمیشناختند زدو خوردی واقع گردید و زخمی بپای او وارد آمد سپس از کازرون بشیراز رفت و از بیراهه خودرا به اصفهان و تهران رسانید ـ نویسنده اورا در سال ۱۳۰۸ خورشیدی در تهران دیدم که هنوز پای او لنك بود «واسموس» در ۱۳۰۲ خورشیدی دوباره از آلمان با چند کامیون و تراکتور بجنوب ایران باز گشته و پنج هزار لیره که با زحمت زیاد از وزارت خارجه آلمان دریافت کرده بود در تنگستان به طلبکاران خود پرداخت ودرقریه چغادك نزدیك بوشهر بکشاورزی مشغول شد وقریب هفت سال در هوای گرم این ناحیه توقف نمود و در سال ۱۳۰۹ خورشیدی به آلمان بر گشته و در آنجا فوت نمود «کرستوفرسایکس» انگلیسی در کتاب خود از حالات او مینویسد « در انگلستان واسموس را «لورنس» آلمانی مینامند هرگاه در کارهای این مرد دلیر و شجاع دقت شود در کوشش و جسارت و زبردستی از «لورنس» جاسوس مشهور انگلیسی دست کمی نداشت منتهی پیروزی انگلیسها در جنك بین الملل گذشته «لورنس» رانیز پیروز ساخت در صورتیکه شکست آلمان برنام واسموس و کارهای بزرك او پرده فراموشی کشیده شد» ـ مسیو «کلك» کنسول سابق انگلیس در بوشهر که بعد نماینده سیاسی شرکت

نفت انگلیس و ایران در مسجد سلیمان گردید نیز از سیاست وزبردستی «واسموس» تمجید نموده است.

بعد از خاتمه جنگ در تنگستان مرحوم زایر حضرخان که ملقب به امیر اسلام بود در سال ۱۲۹۹ خورشیدی بدست پسر زایرحسن تنگستانی کشته شد و نیز رئیس علی خان دلواری بهمین سرنوشت دچار گردید- سبب بمباران بندر دلوار و جنگ با رئیس علی خان این بود که انگلیسها مراسله بدست آورده بودند که او با بازرگانان آلمانی در بوشهر مکاتبه داشته .

## بندر بوشهر

ریشهر - بوشهر از شهرهای قدیم است در آثار شوش نام آن برده شده و در زمان حمله اسکندر رومی بنام موزامبری نامیده میشده درعهد اردشیر بابکان ریشهر و حلیله شهرت چندانی دارا نبودند بعد بامر آن پادشاه تجدید بنا یافت در قرن ۱٦ و ۱۷ مرکز تجارت خلیج فارس بود «دوباروس» سیاح مینویسد که در قرن ۱٦ خانه‌های ریشهر بدو هزار میرسیده و آن شهر را لهراسب پادشاه کیانی بنا نمود و شاپور اول آنرا تعمیر کرده ابن بلخی و یاقوت از مورخین عرب شرح مفصلی در موضوع ریشهر نوشته‌اند بین سالهای ۱۸۷۲ - ۱۸۷۷ میلادی ظروف سفالی و کتیبه‌هائی بخط میخی در آنجا کشف شده و نیز در سال ۱۹۱٤ میلادی « پزارد » اکتشافات مهمی از جمله مجسمه‌های انسانی و سکه‌های قدیم در ریشهر نموده است «تیبور» در سال ۱۷٦۱ میلادی ببوشهر آمده و مینویسد کشتی هائیکه ۱۲ پا آبگیر آنها است تا نزدیکی این شهر واردمیشود بهمین جهت نادرشاه کشتی‌های بزرگ خودرا در آنجا ساخت و نیروی دریائی در بوشهر تمرکز داد - در زمان حکمرانی شیخ ناصرخان مجدداً بوشهر آباد گردید و درسال ۱۲٥٦ هجری بجای حصار قدیم مجدداً حصاری با چند برج دور بوشهر کشیده شد

«شیخ ناصرخان ناخدا باشی کشتی های نادرشاه بودواو فرزندشیخ مذکور از طایفه ابومهیو ازاعراب نجد بود و در زمان او بوشهر روی عمران وآبادی یافت. در سال ۱۱۵۰ هجری آبادی ریشهر ببوشهر انتقال یافت وهمینکه بوشهر احداث گردید ریشهر رو بانحطاط گذاشت و از آثار قدیم آنجا قلعه باقیمانده است. در سال ۱۱۸۲ هجری انگلیسها قراردادی باشیخ نصرخان حکمران بوشهر بستند که تجارتخانه خود را در آنجا تأسیس نمایند کریمخان زند این قرارداد را تصویب نمود و باغ وعمارتی برای محل تجارتخانه و قطعه زمینی جهت قبرستان به انگلیسها واگذار شد ساختمان کنونی کنسولگری انگلیس در بوشهر همان محل سابق تجارتخانه قدیم است - شیخ نصر خان جزیره بحرین نیز ضمیمه حکومت خود نمود و در سال ۱۲۱۵ هجری وفات یافت پس از فوت او پسرش شیخ عبدالرسول خان جانشین پدر گردید و بلوك دشتی و دشتستان را ضمیمه بوشهر نمودو در سال ۱۲۲۰ هجری او را به شیراز احضار نمودند و محمد جعفر خان برادر وزیر فارس بحکومت بوشهر منصوب گردید در سال ۱۲۴۰ شیخ نامبرده مجدداً بحکومت بوشهر برقرار گردیدولی پیش ازورودداو ببوشهر در قصبهٔ دالکی بدست خوانین دشتستان کشته شد چون والی فارس از کشنده گان شیخ عبدالرسول خان بازخواستی ننمود پسرش شیخ نصرخان دوم بانتقام خون پدر چند هزار اعراب جواسم را ببوشهر آورده و برارك حکومتی حمله آورد آن هنگام پادگان بوشهر ۶۵۰ نفر سرباز وعده چریك دشتستانی بودند جنگی سخت بین آنها در گرفت ولی اعراب شکست خورده و فرار نمودند در سال ۱۲۶۵ هجری بهرام میرزا معزالدوله والی فارس حکومت بوشهر و مضافات را بشیخ نصرخان واگذار کرد - در سال ۱۲۶۶ هجری فیروزمیرزا نصرت الدوله بزرك والی فارس گردید او شیخ نصرخان را به شیراز خواسته و به تهران فرستاد و حکومت بوشهر و مضافات را بمیرزا حسینعلی خان نصیرالملك پسر علی اکبرخان قوام الملك شیرازی که بعد ملقب بدریا بیگی شدوا گذار نمود

شیخ نصر خان به امر دولت از تهران ببوشهر آمد و چندی در بوشهر حکومت داشت و در سال ۱۲۷۰ هجری فوت نمود پس از او حکمرانی بوشهر ازدست این خانواده خارج گردید و از آن ببعد حکام و فرمانداران بوشهر از طرف والیان فارس اعزام میگردید .

بوشهر تا پیش از تأسیس راه آهن بندرشاپور از مهمترین بنادر ایران ازحیث صادرات و واردات بوده و بازرگانان داخله ازاصفهان و یزدوشیراز وسایر شهرهای دیگر دراین شهر مشغول داد وستد امور بازرگانی بودند جمعیت بوشهر درحدود سی هزار نفر بود و نیز چندین بنگاه و تجارتخانه بیگانه ازجمله بنگاه دکسن وشرکاء - ذگلر وشرکاء - لونیك استون زیتون وشرکاء - گری مکزی وشرکاء - رابرت ونکهوس و شرکاءو نمایندگان تجارتی روسیه و آلمان و ایتالیا و بازرگانان هندی درآنجا مشغول تجارت بودند نیز نمایندگی کشتی رانی انگلو الجریا - بوکنل - وست هارتلپول - اندر ویر کمپانی - همبرك امریکالین - هنسالین و نمایندگان کشتی رانی روسیه و سایر ملل دیگر دربوشهر اقامت داشتند وامور تجارت وداد وستد آنجا مافوق تصور ترقی نمود وعایدات گمرك طبق صورت آمار گمرکی چند برابر درآمد سایر بنادر ایران بود اکنون که این سطور را مینویسم جمعیت بوشهر درحدود پنجهزار نفر میباشد بنگاه وتجارتخانه های این شهر همه بسته شده و اکثر اهالی مهاجرت به اطراف نموده اند خانه های آنجا اغلب خراب وویرانه شده وسکنه کنونی آن همه مهجور و پریشان و این سرعت سقوط و انحطاط بوشهر بیش از ۱۵ سال طول نکشیدامور بهداشت این شهر خوب نیست امیدمیرود از آوردن آب مشروب ازعالی چنگی که از بذل عنایت و عطایای پادشاه جوان بخت محمد رضا شاه پهلوی که درشرف انجام است این شهر مجدداً رو بعمران وآبادی رود ودولت قانون انحصار بیهوده را لغو نماید وسهولت در امور بازرگانی فراهم و کسب کار برای مردم این بندر مهم پیدا شود .

بوشهر دارای یك دبیرستان وسه دبستان پسران و۶۲۷ دانش‌آموز ودو دبستان دختران که درحدود ۱۸۵ دانش‌آموز است .

اخیراً کارخانه‌نخ ریسی وپارچه‌بافی اعتمادیه‌دراین شهرتأسیس شده و دارای چهار دستگاه ماشین بقوه هزار اسب است و پارچهٔ فراورده‌های این کارخانه در داخله کشور بمصرف میرسد .

## بندر عباس

بندر عباس همان بندر کامبرون بوده پس ازآنکه جزیره هرمز بتصرف ایرانیان درآمد شاه عباس درنظر گرفت که بندرگاهی در کرانه خلیج‌فارس احداث نمایدلذا قریه‌کوچك کامبرون راکه‌مسکن‌ماهیگیران بود برای این منظور انتخاب نمود وآنرا بنام بندر عباس موسوم ساخت وتجارت وجمعیت جزیره هرمز به بندر عباس انتقال یافت ونیز بشرکت هند شرقی انگلیسی وهلندیها اجازه داده شدکه تجارتخانه خودرا دراین بندر تأسیس نمایند.در دوره فتحعلی شاه وناصرالدین شاه بندر عباس چند مرتبه‌دراجاره سیدسعید امام مسقط بود وازطرف اوشیخ‌سیف بحکومت آنجا برقرار گردید چون‌مال‌الاجاره بندرعباس به‌تأخیر افتاد طهماسب‌میرزا مؤیدالدوله والی فارس به‌امر ناصرالدین شاه مأمور تصرف آنجا گردید وبا سپاه زیاد وچهار عراده توپ عازم‌بندر عباس‌گردید وپس ازچند روز جنك نماینده امام مسقط شکست خورده وبا شیخ‌عبدالرحمان قشمی فرار نمودندپس‌ازهزیمت‌وفرار اعراب موید الدوله عباس خان را باهزار ودویست نفر ودو عراده توپ پادگان بندر عباس قراداد وخود به شیراز مراجعت نمود چون هوای آنجا رو بگرمی رفت افراد پادگان مریض و فرسوده شده بودند سید سعید امام مسقط موقع را غنیمت شمرده مجدداً فرزند خود سید ثوینی را باسه هزار نفر به‌بندر عباس روانه نمود وآنجا را تصرف کردچون این‌خبر بموید الدوله‌رسید درسال ۱۲۷۲ هجری‌فرزند

خود عبدالباقی میرزا را باز مأمور فتح بندر عباس نمود وسپاهیان ایران بسرداری عبدالله‌خان صارم الدوله قراگوزلو بندر عباس را محاصره کردند از آنطرف محمد حسین خان‌ایروانی والی کرمان‌پسر خود عبدالحسین‌خان را باعده قشون بکمك لشکریان ایران فرستاد و جنگی سخت بین آنها واعراب در گرفت بالاخره اعراب مجدداً شکست خورده دوهزار نفراز آنها کشته شدند سید ثوینی باخواص خود فرار نمودند. عبدالباقی‌میرزا محمدصالح‌مینا بی‌را باعده چریك تنگستانی بسرکردگی باقر خان‌تنگستانی در بندر عباس گذارده وخود بشیراز روانه شد ـ سید سعید امام مسقط چون دید نمیتواند بادولت ستیزه نماید بوسیله عبدالمحمد ملك التجار بوشهری عریضه باتحف وهدایا وچند رأس اسب عربی بدربار ناصرالدین شاه فرستادو متعهد گردید که‌مال الاجاره بندرعباس‌را دوچندان کندوعریضه دیگر بمیرزا آقا خان نوری نوشت و صدر اعظم را وسیله قرار داد ـ ناصرالدین شاه مجدداً بندر عباس را باجاره امام مسقط داد ونشان تمثال همایون برای او فرستاد وسید ثوینی باز بحکومت بندر عباس برقرار گردید وتا زمان حیات سید سعید امام مسقط آنجا را باو واگذار نمود پس‌ازفوت سیدسعید مصطفی‌خان‌قراگوزلواعتمادالسلطنه بحکومت بندرعباس منصوب گردید. جمعیت کنونی‌این شهر در حدود ۱۴ هزار نفرمیگویند هوای آنجادرتابستان بسیار گرم وغیر قابل تحمل است از قریه نای بند در شش کیلومتری این شهر اخیراً قناتی‌احداث شده وآب مشروب بشهروارد میگرددو نیزیك خیابان اصلی وچهارخیابان فرعی‌درانجاساخته‌شده‌این شهر دارای دو دبستان ودویست وهفتاد دانش اموز است ودبستانهای حوزه فرهنگی بندر عباس عبارتند ازميناب ـ چابهار ـ جزیره قشم وجزیره هرمز وعده دانش‌آموزان آنجا را درحدود ۳۵۰ نفر میگویند ـ امور بهداشت این شهر خوب نیست ودوای کافی موجود ندارد اداره صحیه و قرنطینه این بندرتابع بوشهر میباشد. دربندر عباس‌یك کارخانه‌ریسندگی تأسیس‌شده

و نیز کارخانه کنسرو ماهی اخیراً در نایبند ساخته شده است اکثر معاملات وداد وستد آنجا بوسیله قاچاق از بندر دبی وارد میگردد. قلعه قدیم هلندیها اکنون ساختمانی برای اداره گمرك بنا گردیده ودر جلو آن سکوئی بفاصله ۲۵۰ متر بطرف دریا کشیده شده که کالا ومال التجاره بوسیله قایق به آنجا وارد میشود صادرات بندر عباس عبارتند از قالی انغوزه - رونیاس - پشم - پوست - کتیرا - وگل سرخ و خشکبار میباشد. قصبه نایبند محلی است خوش‌آب وهوا اکنون مرکز پادگان نظامی و کارخانه‌ساردین‌سازی‌است‌ودارای چاه‌های‌آب‌مشروب‌است‌وکوه گنو که ییلاق بندر عباس است در ۲۷ کیلومتری این شهر واقع شده است.

بعد از پنج روز اقامت بعزم کرمان حرکت نمودم پس ازطی چند کیلومتر به دامنه‌کوه گنو رسیدم دراینجا چشمه آب‌گوگرد وجود دارد و جاده به‌چهار راه منقسم میگردد که‌سه‌راه قدیم و کاروان روبوده که‌یکی بین تنك زندان ودیگری ازمیان تنك نودان ودیگر ازتنك رودان بکرمان میرود-راه دیگر که‌شوسه‌واکنون‌قابل استفاده‌میباشد ازتنك زاغ‌میگذرد ازدهستانهای سعادت‌آباد - حاجی‌آباد - علی آباد- سعید آباد وسیرجان عبور کرده بکرمان میرسد - درانتهای تنك زاغ دره خطرناکی وجود داردکه اتومبیل‌ها بزحمت ازاینجا میگذرند ازاین محل بسلامت گذشتم واردقهوه خانه شدم دراینجا پست امنیه واقع است ودارای درخت های زیاد و آب جاری میباشد ومحل باصفائی است ازاینجا حرکت کرده بقصبه حاجی‌آباد رسیدم دراین قریه نخلستان وخرما فراوان وجود دارد و جمعیت آنجا در حدود ششصدنفر میگویندمحصول‌آنجا گندم وجو است ودارای چندچشمه ویك قنات‌است‌پس از طی ۳۰ کیلومتر بقریه علی‌آباد وارد شدم واز اینجا گذشته بسیرجان رسیدم.

# سیرجان

مرکز سیرجان قصبه سعیدآباد است جمعیت آنجارا درحدود هفت هزار نفر میگویند محصول آنجا گندم ـ جو ـ پنبه ـ تریاك و پسته و بادام است اهالی این شهر اکثر بیکار و معتاد بکشیدن تریاك هستند در اینجا دو دبستان ملی و یك دبستان دولتی تأسیس شده و عده دانش‌آموزان ۳۶۶ نفر است و نیز یك دبستان دختران و عده دانش آموز ۱۱۰ نفر میباشند ـ درهشت کیلو متری سعید آباد که بسیر جان کهنه معروف است آثار قلعه بنظر میرسد بین قصبه بافت و سیرجان ۱۲۸ کیلومتر مسافت است و سیم تلگراف از بندر عباس از راه بافت بکرمان اتصال دارد جمعیت بافت‌را در حدود ۳۵۰۰ نفر میگویند مردم آنجا اکثر فقیر و آرامش طلبند و قتل ودزدی در آنجا کمتر واقع میگردد ـ محصول آنجا گندم وجو ـ خشکبار است صادرات بافت انغوزه ـ پشم و خشکبار میباشد و نیز قالی‌های خوب در اینجا میبافند ـ بعد از دوساعت توقف ازسیرجان حرکت، کرده وارد بلوك برد سیر شدم این ناحیه بسیار خوش آب و هوا و زمین انجا قابل هرنوع کشت وزرع میباشد و از اب رودخانه لاله زار مشروب میگردد و محل یلاق چند عشایر است .

مرکز بلوك برد سیر قصبهٔ مشیز میباشد و جمعیت آنجا رادر حدود ۲۵۰۰ نفر میگویند و در یك کیلو متری این قصبهٔ آثار خرابه‌هائی بنظر میرسد و نیز مقبره پیر جاسوس در انجا واقع شده است در قسمت داخلی این مقبره کتیبه بخط کوفی دیده شد که بعضی کلمات آن ریخته شده .

قصبه مشیز محلی است که آقا خان محلاتی معروف درتصرف داشته وپس ازمغلوبیت بطرف هندوستان فرار نمود آقاخان محلاتی بعد ازفرار ازایران وارد سند گردید ودرهمان موقع بین انگلیسها وامرای بومی سند مشاجره و نزاعی پیداشده بود که بوسیله آقاخان تصفیه واصلاح شد انگلیسها

بپاس این حسن خدمت مقدم اورا گرامی داشتند سپس به بمبئی رفت و مریدانی بنام خواجه آقاخانی بدور خودگرد آورد که او را بمنزله ولی ومرشد اطاعت میکردند اکنون عده زیادی از خوجه ها دربمبئی و سایر نقاط افریقا وجود دارند وبه نوه او سلطان محمدشاه محلاتی (آقاخان) را احترام میگذارند. آرامگاه آقاخان محلاتی دربمبئی‌است‌و زیارتگاه طایفه خوجه‌ها میباشد- مسافت بین بندر عباس بسیرجان ۳۶۹ کیلومتر و از سیرجان بکرمان ۱۸۵ کیلومتر میشود راه وجاده خوب نیست ودست انداز زیاد دارد واغلب اوقات ناامن میباشد.

## کرمان

کرمان یکی از شهرهای قدیم ایران است دربدو ظهور اسلام بتصرف اعراب درآمد در بین سالهای ۱۰۷۲-۱۰۴۲ میلادی ملك کاوند کرمانی حکومت مستقلی برای‌خود در کرمان تأسیس نمود وجانشینهای او تامدت یکقرن ونیم در آنجاحکمرانی میکردند درزمان‌حمله‌چنگیز شخصی بنام براق صاحب از طرف چنگیز درکرمان حکومت میکرد و پس ازحمله مغول حکومت موروثی در کرمان از بین رفت درآن‌موقع کرانه عمان نیز جزء قلمرو وحکومت آنها ونیز هرمز قدیم جزء خاك کرمان بوده- «مارکوپولو» سیاح‌معروف که درآخر قرن ۱۳ بکرمان آمده‌مینویسد:«بعد ازحمله مغول تاتارها هر کس‌را که‌میل‌داشتند بحکومت کرمان میفرستادند» - درکرمان آثار قدیم وتاریخی زیاد وجود دارد که بعضی از آنها بواسطه وقوع زلزله ازبین‌رفته اکنون قلعه اردشیردرشرق کرمان وقلعه دختر از بناهای قدیم این شهر است ونیز آثار آتشکده‌و نقاره خانه باقیمانده است - گنبد سبز یا کبر تاریخ بنای آن معلوم نیست ولی میتوان حدث زد که در قرن نهم هجری ساخته شده ودرسال ۱۳۱۶ هجری بواسطه زلزله خرابی زیادی در این گنبد وارد گردیده بنای آن

از سنك و آجر است ـ مدرسه گنجعلی خان که اکنون بنام کاروانسرای گنجعلی خان شهرت دارد این بنا ازموقوفات آستانه‌حضرت رضا ع میباشد سردرآن درسال ۱۰۰۷ هجری در دوره صفویه ساخته شده « گنجعلی‌خان از طرف شاه عباس والی کرمان بوده وسپس مأمور قندهار شد ودر آنجا فوت نمود » مسجد پامنار طبق کتیبه در سال ۷۹۳ هجری بنا شده است اکنون قسمتی ازقاعده منار آن وجود دارد ودر سمت چپ سردرمشاهده میشود میگویند این مسجد و منار در زمان عادل شاه ساخته شده مسجد جامع طبق کتیبه‌تاریخ‌بنای آن‌درسال ۷۵۰هجری است که امیرمبارزالدین محمد مظفر ساخته‌است ودر سال ۱۱۷۶ هجری تعمیر شده‌کاشی کاری که در این مسجد بکار رفته از جمله شاهکارهای صنایع ایران میباشد قسمتی از بنای این مسجد اکنون ویرانه شده ـ مقبره خواجه اتابك که‌بنای ان‌در عهد سلجوقیان بوده این بنا نمونه‌کاملی از تزئینات آجری و گچ بری در قرن پنجم هجری میباشد در قسمت داخلی این بنا مربعی است که طول‌هر یك از اضلاع آن‌چهار متر ونیم است وشکل خارجی این بنا هشت‌ضلعی بوده قسمت شمالی آن خراب شده فقط دیوار های شرقی وغربی آن باقی مانده است .

آرامگاه شاه نعمت الله ولی که مردی روحانی وصوفی مسلك بوده در ۳۶ کیلومتری جنوب شرقی کرمان است طبق کتیبه ساختمان‌آنرا احمد شاه دکنی هندی که از خاندان بهمن‌بندی از جمله مریدان او بوده درسال ۸۴۰ هجری بنا کرده وبعد ملحقات آنرا شاه عباس بزرك ومحمد شاه قاجار ساخته اند این بنا در قصبه ماهان واقع است که در حدود شش کیلومتر باغها ومزارع اطراف آنرا احاطه نموده در قسمت غربی آن صحن بسیار وسیعی که از کاشی های بسیار ممتاز ساخته شده و دو منار آنرامحمد اسماعیل خان وکیل الملك بنا کرده این محل جای تفرج گاه عمومی اهالی کرمان است وموقوفات زیاد دارد دو دبستان پسران و یك

دبستان دختران در ماهان تأسیس شده که از موقوفات شاه نعمت‌الله ولی اداره میشود جمعیت این قصبه را درحدود هفت هزار نفر میگویند محصول این قریه گندم و تریاك و میوه آنجا بسیار فراوان است که بوسیلهٔ آب قنات مشروب میگردد- درچندسال پیش دراثر سیل جزئی خرابی بساختمان آرامگاه وارد شده است - مسجد خواجه خضر و نیز مدرسه معصومیه ومدرسه محمودیه که برای طلاب علوم دینی ساخته شده از آثار قدیم کرمان بشمار میرود.

جمعیت کرمان را درحدود ۶۵۰۰۰ نفر میگویند درصورتیکه در سالهای پیش نفوذ این شهر زیاده از این تعداد بوده در قسمت جنوب غربی این شهر تپه هائی از ریك و شن متحرك تشکیل شده و در هنگام وزیدن باد تولید گرد وغبارزیادی مینماید آب وهوای کرمان بسیار خوب ومعتدل ومیوه های گرم سیر وسردسیر دراینجا بعمل میآید وآب مشروب از قنات ها میباشد که از کوه های ماهان وجویبار جاری شده وارد شهر میگردد محصول آنجا گندم - جو - تریاك وپنبه است وعمده صادرات کرمان کتیرا - انغوزه - پسته - پنبه - بادام وخشکبار و قالی میباشد- قالی وشالهای بافت کرمان بهترین متاع ایران است که اکنون بواسطه نا امنی و بیچارگی مردم از رونق اولیه کاسته شده واکثر دهقانان بشهر روآورده وامور زندگانی خود را بمشقت میگذرانند واغلب بافندگان قالی این شهر همه بیکار وبدون سرمایه هستند مردم کرمان اکثر خوش اخلاق ومهمان نوازند ودارای هوش وذکاوت خاصی میباشند متأسفانه استعمال تریاك و افیون در این شهررواج زیاد دارد -کارخانهای کرمان یکی کارخانه تصفیه پشم شرکت سهامی و دیگر کارخانه پشم متعلق بیکنفر امریکائی و نیز کارخانهٔ ریسندگی وکارخانه تصفیهٔ پشم متعلق به ارجمند میباشد محصول نخ و پشم آن قابل تمجید است کرمان دارای ۲۹ دبستان پسران و ۲۸۱۸ دانش آموز و نه دبستان دختران و ۸۹۴ نفر دانش آموز

و سایر مدارس ازجمله مدرسه جم و دبیرستان زرتشتیان میباشد اکنون تعداد دانش آموزان کرمان ۳۹٦۵ نفر است که نسبت به نفوس این شهر بسیار کم هستند ـ در کرمان سه روزنامه یکی روزنامه بیداری ودیگر جریده استقامت وروزنامه صدای کرمان منتشر میگردد. مریضخانه های کرمان یکی مریضخانه مرسلین که زیر نظر سه نفر دکترهای انگلیسی است ودیگر مریضخانه نوریه که بانی ومؤسس آن مرحوم نورالله ابراهیمی بوده ودارای بیست تخت خواب میباشد و موقوفاتی برای آن معین شده است ـ در نزدیك کرمان معادن پنبه کوهی ـ مس. سرب ـ مرمر سفید وماکنیز در کوه های بنان و ماهان وجود دارد.

کرمان دارای چهار خیابان واکثر خانه ها یك طبقه و سقف آنها گنبد مانند میباشد ـ راه شوسه و اتومبیل رو عبارت از جاده کرمان بزاهدان و دیگر کرمان به بندر عباس و نیز جاده کرمان به زاب است ـ پس از چند روز اقامت در کرمان بعزم رفسنجان حرکت نمودم مسافت بین کرمان و رفسنجان ۱۲۳ کیلومتر میشود.

بعد از طی چند کیلومتر بقصبه کبوتر خانه رسیدم جمعیت اینجا در حدود سیصد تاچهارصد نفر میباشد ـ این قصبه دارای آب فراوان و و سبزی درخت های زیاد است و محل با صفائی است.

## رفسنجان

مرکز رفسنجان قصبه بهرام آباد است جمعیت این قصبه را درحدود ۸۰۰۰ نفر میگویند دارای دو خیابان وسیع و اشجار فراوان است یك دبستان چهار کلاسی و پنجاه و پنج نفر دانش آموز دارد اخیراً دبستان دختران نیز در این قصبه تأسیس شده مردم این جا اکثر متواضع وخوش اخلاق واغلب مبتلا بتراخم چشم میباشند ـ محصول رفسنجان عبارت است از

گندم- جو- پنبه - تریاك - کتیرا - پسته - انغوزه و رونیاس است- این قصبه در مسیر سیل واقع شده بطوریکه هر زمان سیلی جاری شود اطراف آنرافرا میگیرد و خسارت وارد میآورد - آب آنجا از قنات است از رفسنجان به انار در حدود ۱۰۲ کیلومتر فاصله دارد از قریه انار عبور نموده بطرف یزد حرکت کردم - مسافت بین رفسنجان تا یزد ۲۵۳ کیلومتر میشود - جاده ناهموار و دست انداز زیاد دارد و چندیست که تعمیر و مرمت نشده است .

## یزد

شهر یزد از یك سمت ریگستان ولم یزرع و از سه سمت دیگر کوه ها آنرا احاطه کرده اند در تابستان هوایش خشك و گرم و در زمستان سرد و زننده است استخری مورخ مینویسد درقرن دهم هجری شهر یزد بنام کسه معروف بوده و بیشتر دهستانهای یزد دردامنه کوه واقع شده که بواسطه فراوانی آب و سبزه بسیار باصفا است آب مشروب بوسیله قنات وارد شهر میگردد وآب انبارهای بزرگ ساخته شده که کفایت آب مشروب شهر رامیدهد- مردم یزد در تنقیه قنات نهایت ماهر و بیمانند ندعموماً زحمتکش متواضع و درعین حال قانع و صرفه جو و به اصول مذهب و دیانت پابند هستند بدین مناسبت شهر یزد را دارالعباد مینامند- یزدیها به نساجی و دست بافی علاقه زیاددارند و چندین دستگاه بافندگی در آنجاداثر میباشد و نیز کارخانهای نساجی از جمله کارخانه بافندگی و ریسندگی پشم درخشان و کارخانه بافندگی ارمغان و کارخانه ریسندگی نخ هراتی و کارخانه ریسندگی اقبال در این شهر دایر گردیده که همه قسم پارچه های پشمی و نخی میبافند صنعت فلزکاری وچاقوسازی در قصبه مهریز مشهور است .

جمعیت یزد را در حدود ۵۰۰۰۰ نفر میگویند این شهر دارای ۳۱ دبستان پسران و ۳۳۰۰ نفر دانش آموز و ۱۷ دبستان

دختران و ۱۰۴۰ نفر دانش آموز میباشد و دو دبیرستان و ۲۷۵ دانشجو دارد- یکی ازمؤسسات خیریه این شهر پرورشگاه مارکاراست که از همت انجمن زردشتیان ایرانی مقیم هندوستان دایر گردیده و ۲۵۰ نفر پسر و ۱۵۰ دختر مستمند و فقیر در این پرورشگاه تعلیم و تربیت میبابند یك مریضخانه ۳۵ تختخوابی دریکی از مدارس قدیم این شهر نیز تأسیس شده ولی وسائل و دوای کافی در دست رس خود ندارند مریضخانه مرسلین نیز از طرف انجمن خیریه انگلستان در یزد دایر شده است - شهر یزد دارای خانه‌های یك طبقه گنبد مانندو دو خیابان دارد و اکثر کوچه ها کثیف و بهداشت آنجا خوب نیست - ارك و حصار اطراف یزد از لحاظ دفاع مستحکم است و در سالهای پیش دارای دروازه آهنی بوده - از بناهای قدیم در یزد یکی مسجد و مناره میر چخماق که یکی ازافسران امیر تیمور بوده در سردر آن تاریخ ۸۴۱ هجری نوشته شده ودیگر مسجد جامع است که مورخین بنای این مسجدرادرزمان اتابك علاالدواه گرشاسب درسال ۵۱۳ هجری مینویسند و کاشی‌های این مسجددارای تاریخ ۸۷۷ هجری است و کاشی کاری که دراین مسجد بکار رفته بسیار ممتاز و عالی واز شاهکار های صنایع ایران است دیگر مسجدیست که بنای آنرا بخواجه شمس‌الدین محمد صاحب دیوان درسال ۷۶۶ هجری نسبت میدهند - نیزاز آثارقدیم یزدمصلی میباشد ظاهراً این بنادر محل قدیم ساختمان اولی ساخته شده که امیر محمد قاضی در سال ۷۲۵ هجری بنانموده و در سال ۸۶۰ هجری در اثر سیل تمام صحن مصلی خراب و ویرانه شده که طبق کتیبه سر در آن درسال ۹۵۸ هجری مجدداً تعمیرشده و بعد درسال ۱۰۳۵ هجری اسحق بیك آنرا تعمیر و مرمت کرده است- مقبره سیدرکن‌الدین بنای آن در سال ۷۲۵ هجری و مقبره شمس‌الدین درسال ۷۶۷ هجری طبق کتیبه در شهر یزد بنا گردیده.

در ابرقو مسجدیست تاریخ بنای آن در سال ۷۳۰ هجری در دورهٔ

سلاجقه بوده و مسجد جامع در شهر نائین در قرن چهارم هجری ساخته شده و گنبد شیخ‌جنید توران درسال ٥٤٣ هجری بنا گردیده از آثارقدیم در یزد یکی مقبره شاهزاده فاضل و دیگر مقبره سهل‌ابن علی میباشد این ابنیه همه قدیم و از آثار تاریخی در شهر یزد میباشد.

محصول یزد پنبه - تریاك - تنباکو وکمی گندم وجو است بواسطه کم آبی زراعت گندم و جو آنجا بسیار کم و برای نیاز مندی مردم این شهرگندم از اصفهان وسایر نقاط به یزد میآورند - اطراف یزدمعادن زیاد از جمله مس - سرب - زغال سنك وسنك های مرمر همه قسم‌وجود دارد مخصوصاً معدن مرمر انارك در ایران مشهور است-مسافت بین یزد واردکان‌درحدود٥٨ کیلومتر میشود-جاده‌یزد بسیار خراب ودست‌انداز زیاد دارد و مسافرت در این راه خالی از خطر نیست و اکثر راهزنها باعث زحمت واذیت مسافرین وسرقت مال آنها میباشند - آب مشروب در راه یزدکمیاب است ودر بعضی نقاط بواسطه شوری قابل‌آشامیدن نیست. حشرات موذی مخصوصاً مار ورتیل در راه بسیار است.

# اردکان

جمعیت اردکان درحدود ٩٠٠٠ نفر میگویند و دارای یك دبستان وعده‌کمی دانش آموز است محل ییلاق‌عشایر قشقائی وکشکولی است در ١٢ کیلومتری این شهر قلعه موسوم‌بقلعه نارنج وجود داردکه درزمان آل مظفر ساخته‌شده و آثار آن اکنون باقیمانده است - محصول آنجا گندم - جو - حبوبات - پنبه - تریاك است که از آب قنات مشروب میگردد-بهداشت ودوا ومریضخانه دراین شهر وجودنداردوبواسطه عدم امنیت ونبودن جاده خوب این‌شهر بحال مخروبه باقیمانده واکثرمردمش بیچاره وپریشان میباشند - بین اردکان واصفهان قریه بنام جیرون آباد واقع شده‌که آثار خرابهای زیادی در آنجا بنظر میرسد میگویند در این

محل جنگی بین نادرشاه وافغانها بوقوع پیوسته که منجر بشکست افغانها گردید- جمعیت جیرون آباد درحدود پنجاه خانوار است - در اردکان چشمه های آب فراوان وجوددارد که بدون استفاده، آب آن بهدرمیرود این شهر قابل هرگونه‌زراعت وزمینش حاصل خیز است .

## بندر میناب

از بندرگاه تا قصبه میناب در حدود ۲۰ کیلومتر مسافت دارد - این شهر دارای نخلستان خرما ومرکبات گرمسیری زیاد است که بواسطه‌آب فراوان قابل هرگونه زراعت از جمله فلفل و دارچین و میخك و سایر ادویه جات هندی‌میباشد - هوای میناب در فصل تابستان‌تقریباً خوب وسالم است وسکنه بعضی از جزایر ازجمله قشم وهرمز درموسم بدست آمدن خرما باینجا میآیند - محصول آنجا خرما - گندم - جو - حنا - انبه ولیمو خشك است در نزدیك میناب رودخانه عبور میکندکه زراعت آنجا را مشروب میسازد - آثار قلعه قدیمی در آنجا وجود دارد - بلوك رودان و احمدی و بشاگرد بین میناب وبندرچاشك واقع‌شده ومردم این بلوك‌همه شریر وراهزن میباشند - ومسافرت از راه خشکی‌به بندر چاشك‌خطرناك است - جمعیت میناب را در حدود ۶۰۰۰ نفرمیگویند این شهر دارای یك دبستان‌پنج کلاسی و۸۵ نفر دانش آموز است - بهداشت این بندرخوب نیست وشهریست بسیار کثیف - میناب محل ورود کالای قاچاق است که از بندر دبی وارد میگردد- در ۳۶ کیلومتری این‌شهر محلی است موسوم به کوهستك در آنجا آثار قلعه وشهر ویرانه وجود داردگویا این قلعه در زمان پرتقالی‌ها ساخته شده است - تاکنون اداره تلگرافخانه در میناب تأسیس نشده وپست بوسیله پیك در هفته دو روز به بندر عباس رفت و آمد دارد .

مسافت بین بندر عباس ومیناب درحدود هفتاد وهشت کیلومترمیشود .

جاده نسبتاً مسطح و خوب است و رفت و آمد بوسیله چارپایان صورت میگیرد مردم میناب اکثر فلاح و کارگر هستند .

## بندر جاشك

جاشك از بنادر مکران بلوچستان ایران است هوای این بندر در تابستان بسیار گرم و سکنه آنجا اکثر بلوچی هستند در کرانه‌های جاشك تا بندر گواتر بعلت نبودن وسائل و عدم توجه و قلت نفوس ازحیث زراعت و کشاورزی خیلی عقب میباشند و نامساعدت طبیعت نیز مانع آبادی و عمران این ناحیه گردیده است از جاشك تا خط سرحدی بین ایران و بلوچستان انگلیس درحدود ۳۸۰ کیلومتر است در کوهی نزدیك این بندر آثارقلعه مخروبه وجود دارد که‌درزمان پرتقالی‌هاساخته شده- بنادرجاشك و چابهار بطور مستقیم ارتباط تلگرافی با مرکز دارند و ساختمان های تلگرافخانه و عمارت نمایندگی کشتی‌رانی «مسپرس» و بیرق آن‌ازفاصله زیادی در دریا نمایان است و چاههای آب مشروب‌دردو کیلومتری این ساختمان‌ها واقع گردیده- در جاشك ماهی فراوان صید میشود که‌قسمت عمده آن خشك نموده صادرات این بندر را تشکیل میدهد سبزی و سایر میوه در اینجا نایاب است‌صادرات جاشك عبارتند از روغن . موی بز . ماهی خشك . پوست . و حصیر که به بنادرعمان میبرند- جاشك مرکز تلگراف بی‌سیم و باسیم میباشد خط تلگراف بین کراچی و بندر جاشك ۵۲۸ میل طول آن میباشدکه‌سال ۱۸۶۸ میلادی تأسیس شده وخط‌دیگر بفاصله ۵۰۲ میل‌از جاشك‌به‌بوشهر اتصال داردو نیزمحل فرودگاه‌هواپیماها که از اروپا عازم هندوستان و هندچین هستند در این بندر واقع شده مردم جاشك همه فقیر و بیچاره و غذای عمده آنها خرما و ماهی است راه شوسه بداخله وجود‌ندارد و رفت‌و آمدبا کاروان شترانجام‌میگیرد اغلب اهالی آنجا بواسطه فقر وتنگدستی به‌بنادر عمان مهاجرت کردند -

« لرد کرزن » در کتاب خود مینویسد در سال ۱۶۱۵ میلادی « ریچارد استیل » از طرف شرکت هند شرقی مأمور رسیدگی در بنادر خلیج فارس گردید و به بندر جاشك آمد و بشرکت نامبرده پیشنهاد نمود که نماینده بازرگانی خود را بجاشك فرستاده و تجارتخانه درآنجا تأسیس کند- در سال ۱۶۱۶ میلادی «الکساندر چایلد» با کشتی موسوم به« کینگ جمیس» بجاشك آمده و شرحی در خصوص موقعیت مهم این بندر را نوشته است در سال ۱۶۱۹ میلادی تجارتخانه هندشرق در جاشك تأسیس گردید و شاه عباس امتیازاتی برای آنها قائل شده بود - در سال ۱۶۲۰ میلادی جنك دریائی بین کشتی های انگلیسی و پرتقالی ها در بندر جاشك واقع شد که سرانجام بشکست پرتقالی ها پایان یافت ولی دریاسالار انگلیسی «ولیر شیلی» در این جنك کشته گردید. بندر جاشك فاقد بهداشت و تعلیم و تربیت است و ارتباط این بندر با بنادر عمان و مسقط میباشد -مسافت بین جاشك وچاه بهار ۵٤۰ کیلو متر است .

## بندر چاه بهار

چاه بهار دارای بندرگاه بسیار خوبی است که کشتی های بزرك میتوانند در آنجا وارد شوند- رودخانه سادیش در ۱۹۸ کیلو متری در مشرق چاه بهار واقع شده که ازآنجا مرز ایران و بلوچستان انگلیس را تشکیل میدهد- درکرانه چاه بهار چندین دهستان آباد وجود دارد و مردم آنجا بماهیگیری و گله داری اشتغال دارند درطرف جنوب این شهر ساختمانهای تلگرافخانه و پادگان نظامی و اداره گمرك واقع گردیده جمعیت چابهار در حدود ٤٥۰۰ نفر میگویند وا کثر آنها بلوچی هستند. در نزدیك این بندر نخلستان خرما وجود دارد که یك کیلومتر اطراف شهر را احاطه کرده است -صادرات آنجا روغن- موی بز- پشم- پوست . و ماهی خشك میباشد آب مشروب آنجا خوب نیست- سیم تلگراف تحت بحری از کراچی به جاشك وچاه بهار و جزیره قشم و جزیره هنگام به بندر بوشهر اتصال دارد

و تلگراف از راه خشکی باتمام نقاط ارتباط پیدا میکند-در سالهای پیش اسلحه از مسقط بطور قاچاق وارد چاه بهار میشده و از آنجا بلوچستان و افغانستان برده ومیفروختند ولی اکنون ممنوع شده- اخیراً راه شوسه بین چاه بهارو زاهدان ساخته شده که مورداستفاده اداره نظامی میباشد - درسال ۱۱۷۱ خورشیدی برادر سید سلطان امام مسقط به گوادر و چاه بهار هجوم آورد و آن دو بندر را تصرف نمود سید سلطان از این اقدام عبدالعزیز برادر خود عصبانی شده قشونی بجنك او فرستاد و او را شکست داد در این بین دولت ایران از زد و خورد دو برادر از موقع استفاده نمود و سپاهیان ایران چاه بهاررا تصرف کردند ولی تا کنون بندر گواتر که جز بلوچستان ایران است در تصرف امام مسقط باقیمانده است «لرد کرزن» مینویسد « موقعیت بندر گوادر از این رواهمیت دارد که روزی ایستگاه راه آهن سیستان و بلوچستان در آنجا واقع خواهدگردید و مرکز تقاطع کشتی رانی دریای هندوفلات آسیای میانه خواهد بود»- بهداشت این بندر خوب نیست وشهریست کثیف و مردمش فقیر و بیچاره،ارتباط آنها با بنادر عمان و مسقط میباشد .

## بندر لنگه

بندر لنگه تاسال۱۲۶۸ خورشیدی شهری بود آباد و رونق تجارت و معاملات مروارید آنجا رواج تامی داشته و سکنه این شهر ۲۰۰۰۰ نفر بوده که اکثر بداد وستد مروارید اشتغال داشته اند و از بنادر مهم خلیج فارس بشمارمیرفت یکی از سیاحان انگلیس مینویسد«درسال ۱۸۱۱ میلادی چند کشتی بازرگانی انگلیسی بهلنگه آمده بود و معادل چهارصدو ده هزار لیره طلا مروارید خریداری و از بندر لنگه صادر کردند - در سال ۱۶۲۵ میلادی پرتقالیها درقصبهٔ کونك نزدیك لنگه قلعه برای سکونت خود بنا نمودند و مدتی آنجا را در تصرف خود نگاه داشتند .

در سال ۱۱۲۹ خورشیدی اعراب جواسم از بنادر عمان آمده و بندر لنگه را متصرف شدند و تا سال ۱۲۶۳ خورشیدی در تصرف آنها بود و بخشدار آنجا از پرداخت مالیات بدولت استنکاف میکرد بنابرین دولت ایران مرحوم حاجی احمد خان سدید الملك مینابی با همراهی و مساعدت زایدابن خلیفه شیخ المشایخ حکمران بندر بوظبی را با عده قشون مأمور سرکوبی شیخ محمد فرماندار لنگه نمود پس از چند روز زدوخورد و محاصره کردن قلعه آنجا بالاخره شیخ نامبرده شکست خورده و بطرف بنادر عمان فرار نمود و لنگه بتصرف سپاهیان ایران در آمد.
مظفرالدین شاه بپاس خدمات شیخ زاید بن خلیفه لقب شیخ المشایخی با شمشیر مرصع بوسیله احمدخان دریابگی بشیخ بوظبی عطا نمود - شیخ بندر بوظبی که یکی از بنادر عمان است تا زمان حیات خود نسبت بدولت ایران با وفا بود و خود را دوست ایران میدانست.

پس از رفع غائله شیخ بندر لنگه و فرار او بخشدارهای آنجا که از طرف حکام و فرمانداران بوشهر منصوب و اعزام میگردیدند - اکنون این بندر رو بخرابی رفته اغلب خانه های آنجا ویران و سکنه این شهر به بنادر عمان و بحرین مهاجرت کرده اند و جمعیت کنونی بندر لنگه را در حدود ۵۰۰۰ نفر میگویند این شهر دارای دو دبستان شش کلاسی و ۱۵٤ نفر دانش آموز است آب مشروب لنگه از چاه ها است که از بیرون شهر میآورند - در قصبه شناس شش کیلومتری این شهر باغها و نخلستان خرما و درخت های بزرك و کهن سالی وجود دارد و محلی بسیار با صفا است. راه ساحلی در زمان مرحوم داور وزیر دارائی از بوشهر به لنگه ساخته شده و مبالغ هنگفتی صرف هزینه آن گردید و منظور جلوگیری از کالای قاچاق بود ولی اکنون این راه بکلی خراب شده و مورد استفاده نیست.

بندر لنگه بداخله از راه بستك و لارستان ارتباط دارد. در سالهای پیش درحدود پنجاه کشتی برای صید مرواریدمتعلق به اعراب آل بوسمیط

در این بندر وجود داشته واکنون آثاری از آنها باقی نیست ـ سیم تلگراف از راه خشکی تاکنون در لنگه دایر نگردیده ولی تلگراف بی سیم در آنجا دایر است ـ امور بهداشت و فرهنك این بندر بسیار بد است واهالی بواسطه فقدان دوا وطبیب درزحمت میباشند خوب است وزارت بهداری درخصوص بهداشت بنادر جنوب توجه مخصوص نمایند وراضی نشوند چنین تلفات زیادی در بنادر جنوب ادامه یابد واز نفوس کم جمعیت این مملکت هر روزه کاسته شود ـ در کوه‌های اطراف لنگه معادن مس ـ آهن و نقره ـ و گل طلائی رنك موسوم به «بنت الذهب» وجود دارد که تاکنون اولیاء ایران از وجود این معادن و ثروت طبیعی خداداد خبر ندارند ـ اهالی لنگه با بنادر عمان و کرانه عربستان ارتباط دارند و دارای چند کشتی برای حمل کالا هستند .

## مجمع الجزایر بحرین

بحرین عبارتست از چندجزایر بزرك و کوچك که در کرانه جنوب و باختری خلیج فارس واقع گردیده که عبارتست از: جزیره منامه ـ جزیره محرق ـ جزیره عراد ـ جزیره امشجر ـ جزیره حاله ابیض ـ جزیره ام العصان ـ جزیره بنی صالح ـ جزیره ستره ـ وجزیره حد ـ دراین جزایر چشمه های آب فراوان مشروب وجود دارد منامه بزرگتر از سایر جزایر است طول آن ۴۷ کیلومتر وعرض آن ۱۲ کیلومتر است درسالهای پیش دارای ۳۶۰ دهستان بوده ولی اکنون ۱۱۷ قصبه و نفوس آنجا در حدود ۲۵۰۰۰ نفراست و مرکز عمده دادوستد ومعامله مروارید میباشد وصادرات مروارید بحرین درسال معادل یکملیون و نیم تا دو ملیون لیره انگلیسی است و محصول عمده آنجا خرما است ـ جزیره محرق بوسیله کانال باریکی از منامه جدا شده طول این جزیره ۷ کیلومتر وعرض آن ۶ کیلو متر و جمعیت آنجا در حدود ۲۰۰۰۰ نفر است و فرودگاه وخط سیر هواپیما های انگلیسها

میباشد سکنه مجمع‌الجزایر بحرین را درحدود یکصد هزار نفرمیگویند.

در دوره اردشیر ساسانی پس از جنگ های سخت بحرین‌در تصرف سپاهیان ایران درآمده و نیز در زمان شاپور دوم پس از کشتارهای زیاد بحرین و ناحیه قطیف و لحسا را تصرف کرد- هلاکوخان و امیرتیمور نیز بحرین را چندی در تصرف خود داشتند در سال ۶۳۳ هجری اتابك ابوبکر بن سعد آنجا را در دست داشت بعدآحکمران‌جزیره هرمز آنرا تصرف نمود-در زمان شاه عباس‌خواجه معین‌الدین‌اسیری‌جزایر بحرین‌را برای الله وردیخان والی فارس باز گرفت وتا آخردوره صفویه حکومت بحرین یا شیخ جباره لارستانی بود ودر فتنه افغانها و ضعف صفویه‌شیخ نامبرده خود مالك با استقلال بحرین مینامید و بعد محمد تقی‌خان‌شیرازی ازطرف نادر شاه آنجا را تصرف نمود و تا آخر دوره کریم خان زند درتصرف‌شیخ‌نصرخان بوشهری بود-در سال ۱۲۱۰هجری اعراب عتوب‌از نجد به بحرین آمده و آنجا را تصرف کردند وشیخ‌نصرخان فرار نموده ببوشهر رفت سپس شیخ احمد رئیس طایفه عتوب‌حکمران بحرین گردید بعد پسرش شیخ سلیمان جانشین‌پدر گردید ولی شخص بی کفایتی‌بودپس از او شیخ عبدالله مدت ۲۲ سال در بحرین حکومت داشت بعد از فوت او شیخ محمد در سال ۱۲۶۱ هجری حکومت بحرین یافت و پس‌از زدوخورد وجنگ های سخت که بین او وبرادرش شیخ علی واقع گردید درسال ۱۲۸۹ هجری شیخ محمد بامساعدت لشگریان ایران‌موفق گردید بر مخالفین‌خود فایق‌شود وپس از بیست سال حکمرانی عاقبت به تحریك بیگانگان از بحرین تبعید گردید و شیخ عیسی فرزندشیخ علی‌آل خلیفه بحکومت آنجا منصوب شد درسال ۱۲۹۹ هجری انگلیسها قراردادی با او بستند که با هیچ دولت دیگر قراردادی منعقد نکند ونیز اجازه ندهد دولت دیگری نماینده سیاسی دربحرین داشته‌باشد ودرسال ۱۳۱۱هجری قرار داد دیگری باشیخ عیسی بسته شد که بهیچ دولت دیگرزمینی‌درجزایر

بحرین نفروشد - اولین نمایندہ انگلیس در بحرین مرحوم محمد رحیم آل‌صفر بوشهری بود و پس ازفوت‌او کنسول‌انگلیسی به‌بحرین‌آمد - درسال ۱۳۲۳ هجری برادر زاده شیخ عیسی باعده از اعراب زد و خوردی با ایرانیان ساکن بحرین نمودند که در نتیجه چند نفر اتباع ایران کشته و زخمی شدند از این پیش آمد غیر مترقبه بازرگانان ایرانی مقیم بحرین به تهران شکایت نمودند و مرحوم‌میرزا نصرالله‌خان‌مشیرالدوله‌وزیر خارجه حفظ جان و مال ایرانیان ساکن بحرین را رسما از انگلیسها خواست و آنها کشتی جنگی وعده نظامیان به بحرین‌وارد کرده و بشیخ‌عیسی‌التیماتوم برای جبران این قضیه‌دادند بعلاوه مبلغی خسارت دریافت نمودند وبرادر زاده او را که مسبب این واقعه بود برای چندی به‌هندوستان تبعید کردند واز این ببعد کنسول انگلیس حق رسیدگی بشکایات کلیه اتباع‌خارجه در بحرین دارا گردید وشیخ عیسی که مردی کهن سال بود از حکومت جزایر بحرین منفصل گردیدوپسرش‌شیخ احمد بجای اودر زیر نظرمستشار عالی انگلیسی حکمران آنجا گردید و اکنون شیخ سلمان بحکومت بحرین برقرارشده است ایرانیان بدون اجازه مأمورین انگلیس حق‌ورود در بحرین ندارند و ایرانیانیکه در آنجا هستند عده تبعیت حکومت بحرین را قبول کرده و عدهٔ املاك و خانه های خود را فروخته و از آنجا رفته‌اند .

در بحرین چشمه های فراوان وجود دارد که غالبا بشکل آبشار در آمده و سنك های‌آسیاب را میگردانند نیز نخلستان و درخت های انار - لیمو - جوز وترنج در آنجا زیاد بعمل میآید - هوای بحرین زیاد گرم‌وشن‌وخاك اطراف آنرافرا گرفته است-بحرین دارای ۲۷۰۰ کشتی و اکثرمردمش‌بصیدمروارید مشغولند-نصف‌مردم شهرمنامه ایرانی هستند.

# جزیره قشم

قشم بزرگترین جزایر خلیج فارس است ومعروف بجزیره طویل در کتاب نجهة الاهر نام جزیره بنی کافان نوشته شده طول این جزیره ۱۰۸ کیلومتر وعرض ۱۸ کیلو متر است - درسابق دارای ۳۶۰ دهستان داشته ولی بواسطه زلزلهای متوالی خراب و ویرانه شده اکنون دارای هشتاد قصبه میباشد - جمعیت این جزیره را در پیش در حدود ۳۵۰۰۰ نفر گفته‌اندو اکنون سکنه‌آنجا را ۱۵۰۰۰ نفر میگویند-اکثرمردم‌آنجا بافنده‌بادبان ومنسوجات ریسمانی‌میباشدوسی دستگاه‌بافندگی درآنجادائر است محصول گندم وجو آنجا بسیارکم است ولی‌نخلستان زیاد در قشم وجودداردد‌رسمت شمال شرقی‌این جزیره بندر گاه‌و مرکزقشم‌واقع‌است مسافت بین قشم وبندر عباس‌در حدود ۱۸ کیلومترمیشود قلعه پرتقالی‌ها جزء دیوار وبروج مخروبه آن دیگر آثاری بجا نمانده فقط چند لوله توپ دراین قلعه بنظر میرسد که برخی ازآنها زیر زمین فرو رفته‌اند در این جزیره معادن نمك وخاك سرخ فروان وجود دارد که مقدار زیادی بخارجه میرود ونمك برای تصفیه نفت به پالشگاه آبادان برده میشود - در قشم آثار معدن نفت نیز بنظر میرسد وشرکت نفت انگلیس و ایران چندی درآنجا بعملیات حفاری مشغول بود ولی سرچشمه نفت بدست نیامد - جزیره قشم دارای‌یك دبستان چهار کلاسی و۸۵ نفر دانش آموز دارد - مردم آنجا همه فقیر واکثر بتراخم چشم مبتلا هستند وبهداشت آنجا بسیار بد و تلفات در بین آنها زیاد است.

انگلیسها پس از سرکوبی دزدان دریائی‌درخلیج فارس ایستگاهی برای‌نیروی دریائی‌خود درسال ۱۸۲۲ میلادی دربندر باسعید بنانمودند و چند ساختمان ویك مریضخانه وانبارهای ذغال ساختند واجازه ساختمانها در زمان فتحعلی شاه به آنها داده شد - در سال ۱۸۶۳ میلادی در دوره

ناصر الدین شاه « کلارك » انگلیسی مأمور تأسیس تلگرافخانه بجزیره قشم آمد و درقصبه شناس محلی را برای تلگرافخانه انتخاب نمود اکنون سیم تلگراف تحت البحری از بوشهر بجزیره هنگام و از آنجا بقشم و بندرعباس تا بنادر جاشك و کراچی اتصال یافته. در سال ۱۹۳۵ میلادی نیروی دریائی انگلیس مأمور خلیج فارس بندر باسعید را تخلیه و بجزیره بحرین انتقال یافته و ساختمانهای آنها خالی از سکنه میباشد - در این جزیره ظروف سفالی و بعضی اشیاء عتیقه یافت میشود نیز در اطراف قشم صدف وزنی بدست میآید که بخارجه حمل میگردد ولی مروارید آنها کمیاب است - اداره گمرك درقصبه سوزان - دیرستان - لافت - ظنی - در گهان - ودر قصبه نمکدان دایره شده ولی کالای قاچاق از بنادر عمان وارد قشم میگردد .

هوای این جزیره بسیار گرم وقابل تحمل نیست مردمش اکثردر فصل تابستان بمیناب میروند - آب مشروب قشم خوب و گوارا میباشد - در فصل زمستان اهالی آنجا در معادن خاك سرخ و نمك کار میکنند و ارتباط آنها با بندرعباس و بنادرعمان است - محصول خرما دراین جزیره فراوان میباشد .

## جزیره هنگام

طول این جزیره ۹ کیلومتر و عرض آن ٦ کیلومتر است اطراف هنگام قطعات بزرك سنك چخماق که هریك چندتن وزن دارد و بواسطه فشار تحت الارضی پیدا شده یافت میگردد - این جزیره ایستگاه خط تلگراف تحت البحری که بطول ۱۳٦ میل دریائی تابندر جاشك کشیده شده وخط تلگراف دیگر بطول ۳۸۰ میل به بندر بوشهرمیرسد. انگلیسها چند ساختمان در آنجا بنا کرده‌اند که اکنون تخلیه شده و دستگاه بیسیم خودشان‌را به بحرین‌انتقال‌داده‌اند ونیزدرسال ۱۳۱۳ خورشیدی تکیه گاه

نیروی دریائی آنها از هنگام انتقال یافته است - سکنه هنگام در سالهای
پیش در حدود چهارصد خانوار و ۳٤ کشتی برای صید مروارید داشته‌ولی
اکنون جمعیت آنجا را ۳۰۰ نفر میگویند بخشدار این جزیره شیخ احمد
از طایفه بنی‌یاس بود که درسال ۱۲۳۳ خورشیدی از بنادر عمان به‌هنگام
آمده او شخصی بود بدجنس وخون خوار و از دولت مرکزی اطاعت
نمینمود ومالیات نمیپرداخت و باقاچاقچیان آنجاهمدست بود نیز ایرانیان را
به‌هنگام راه نمیداد و به تحریك او درچند سال پیش مدیر گمرك آنجا را
بوضعی فجیع کشتند و کسی باز خواست خون آن بیچاره را ننمود
همینکه اداره نیروی دریائی انگلیسها آنجا را تخلیه کرد شیخ نامبرده‌از
ترس آن جنایت باعده اعراب سکنه هنگام بطرف بنادر عمان فرار نمود
مردم این جزیره همه فقیر واز تنك دستی اکثر به بنادر عمان مهاجرت
کرده‌اند وعده کمی‌در اطراف‌هنگام صید مروارید میکنند ولی‌مروارید
آنجا کمیاب‌است - این‌جزیره‌دارای‌چند قریه‌بدون سکنه میباشد -اداره
گمرك‌هنگام عایداتی نداردو بیشتر مردمان آنجاکالا از بنادرعمان بطور
قاچاق وارد میکنند این جزیره تابع بندر عباس است‌ولی ارتباط مردمش
زیاد تر با بنادر عمان میباشد اطراف هنگام ماهی زیادی وجود داردکه
اهالی آنها را خشك نموده به اطراف میفرستند - در این جزیره اثری از
بهداشت بنظر نمیرسد وتلفات‌مردمش زیاد است .

## جزیره گیس

طول ایـن جزیره ۱۵ کیلومتر وعرض آن ۷ کیلومتر است از
حیث خوبی آب وهوا و فراوانی آب ازبهترین‌جزایر خلیج فارس‌بشمار
میرودودر سالهای پیش جمعیت آنجا را ۱۲۰۰۰ نفر ودارای شصت کشتی
بزرك و ۱۵۰ کشتی کوچك برای صید مروارید بوده ولی اکنون سکنه
این‌جزیره درحدود ۱۵۰۰ نفرمیگویندو بخشدار آنجا ازطایفه‌آل‌علی‌است

که در قصبه ماشی اقامت دارد و محصول این جزیره خرما و کمی گندم وجو وزرت میباشد ـ آثار ویرانه قصبه حریرا که از بناهای خلفای اسلام بوده اکنون باقیمانده واز مشاهده ستونهای عمارات مخروبه که بنظر میرسد دراثرزلزله خراب شده نیز قلعه نزدیك درکرانه وجود دارد که بوسیله دهلیز زیرزمین بدریا اتصال داشته ودیوارهای آن از سنك وسیمان ساخته شده ودرخرابهای این جزیره اشیاء عتیقه از جمله ظروف سفالی و چینی و سکه های قدیم یافت میشود نیز آب انبار و قنات های زیاد دارا بوده که اکنون هفت قنات آن مخروبه میباشد وهمچنین چند مسجدداشته ودریکی از این مساجد لوحه سنگی بنظر رسید که سوره تنزیل بر آن نقش‌شده ـ مروارید که‌دراطراف این‌جزیره بدست میآید بهترین مروارید در خلیج فارس است ونظر بخوبی بندرگاه و آب مشروب فراوان اکثر تجار مروارید به‌این جزیره آمد ورفت دارند .

پس از آنکه جزیره دلمه اهمیت وموقعیت خود را از دست داد جزیره گیس از حیث داد وستد مروارید مقام خاصی‌را دارا گردید ـ در فصل تابستان بواسطه صید مروارید بر نفوس این جزیره افزوده میشود مردمش اکثرفقیر وتنك دست هستند ـ جزیره گیس درپیش ابواب‌جمعی وجزء املاك خالصه قوام‌الملك شیرازی بوده‌بعد از آنکه میرزا علی‌خان قوام‌الملك معروف بقوام لنك قلعه طبررا در فارس فتح نمود و اشراررا شکست داد ناصر الدین شاه بپاس این حسن خدمت جزیره گیس را بقوام الملك بخشید و او هر ساله هشت هزار ریال مالیات از بخشدار آنجادریافت میکرد بعدها این‌جزیره رابمحمدرضا سطوة‌الممالك‌حکمران ناحیه بستك وجهانگیره در مقابل بیست‌وپنجهزار تومان‌فروخت ـ مسافت بین جزیرهٔ گیس تا بندر گرزه از توابع شیبکوه در حدود ۱۷ کیلومتر است وارتباط مردم آنجا با جزیره بحرین وبنادرعمان است ـ در تاریخ خلیج فارس نام این جزیره مشهور است و جمال الدین ابوالفتح معروف

به‌ابن مجاور در تاریخ منتصری مینویسد: «گیس شهریست بزرگ و حصاری دور آن کشیده شده بازرگانان انواع پارچه های ابریشمی و کتانی و حبوبات به‌این جزیره وارد میکنند و در مقابل مروارید خریداری مینمایند دراین جزیره نخلستان وخرمای فراوان وجود دارد خانه‌ها عموماً دارای چند طبقه است اهالی آنجا از منسوجات بافت مرا کش لباس میپوشند و گوشه دستار خود را آویزان میکنند» ابن بلخی مورخ عرب مینویسد: «جزیره گیس را جانشین شهر صیرف که اکنون بندر طاهری است میداند ومیگوید شهر قدیم گیس درسمت شمالی این جزیره واقع شده و تپه‌های زیادی از آثار خانهای آن و ستونهای سنگی در اطراف آنها اکنون باقیمانده است و حکمران این جزیره بر سواحل عمان و خلیج فارس فرمان روائی داشته و کشتی های تجارتی که میان هندوستان وخلیج فارس رفت و آمد داشتند دراین جزیره‌توقف میکردندوتا اواخرقرن ١٤ هجری جزیره گیس شهرتی زیاد دارا بوده بعد ها ابن جزیره رو بویرانی گذارد وجزیره هرمز روبترقی و آبادی نهاد - ابن یاقوت مورخ دیگر مینویسد: «درقرن ١٣ هجری گیس شهری آباد دارای خانهای قشنك وعمارات عالی که اطراف آن باغها احاطه نموده وچند آب انبار بزرك برای ذخیره آب باران وپنج بازار معمورومردمش‌صید مروارید میکردند وجمعیت زیادی در آنجا سکونت داشته».

بنیامین از اهالی تودلا مینویسد: «جزیره گیس بازار تجارتی مهمی بشمار میرود و بازرگانان‌هندی- یمنی وایرانی‌انواع پارچه هایابریشمی وریسمانی وپنبه وحبوبات ومقداری زیاد ادویه وارد گیس میکنند و فرماندار این‌جزیره بواسطه نیروی دریائی‌که دارد امرای هندوستان او را تکریم واحترام‌مینمایند و کلیه جزایر مجاور درتحت حکومت فرماندار گیس میباشد - دراینجا چند نفر را ملاقات نمودم که درحکمت‌وادبیات تبحری‌کامل دارا بودند».

# جزیره هرمز

طول این جزیره ۹ کیلومتر و عرض آن ۸ کیلومتر است مسافت بین این جزیره تا بندر عباس ۱۸ کیلومتر میشود ـ سکنه کنونی آنجا را در حدود ۱۳۰۰ نفر ودارای ۱۵ کشتی میگویند اکثر مردمش در معدن خاك سرخ ومعدن نمك کار میکنند وبرخی معتاد بافیون هستند.

این جزیره دارای معادن نمك ـ گوگرد ـ خاك سرخ ـ آهن ـ زاج وگودرز موسوم به بنت الذهب میباشد واز بندرگاه تامعدن خاك سرخ ۲۱ کیلومتر فاصله دارددریك قسمت ازاین معدن چندسال است مشغول استخراج خاك سرخ هستندوسایرمعادن دیگر تاکنون استخراج نشده ومقدارزیادی خاك سرخ بخارجه میفرستندوازصادرات عمده آنجا بشمارمیرود ـ بلندترین کوههای هرمز ۲۲۰۰ مترارتفاع دارد ومعروف است درقدیم آتش‌فشانی داشته ـ آثار قلعه پرتقالی ها که مشهور بقلعه مرنا بوده اکنون باقیمانده این قلعه دارای دو حیاط بزرك وچند آب انبار که هریك ده ستون پنج متری ازسنك ساخته شده نیز زیرزمین ومخازن دارامیباشد. هوای این جزیره درفصل تابستان بسیار گرم وبواسطهٔ کم آبی اکثرمردمش به بندر میناب میروند. شهر قدیم وحکومت نشین این جزیره چرون بوده و هرمز درقدیم نام قریه در کرانه خلیج فارس بود که درقرن ۱٤ هجری مرکز تجارت شرق وغرب بوده وبنای آنرا باردشیر بابکان نسبت میدهند که بندر تجارتی کرمان بوده وقریب ۳۰۰ کشتی از نواحی مختلف برای داد وستد در لنگرگاه آنجا همه وقت موجود بود در آنجا نیل ـ گندم ـ جو ـ برنج بعمل میآمده وصادرات عمده آنجا مروارید وابریشم بود مورخین هرمز را بازار تجارت آسیا نوشته‌اند وچهار صد نفر بازرگانان در آنجااقامت داشته ومعاملات آنها فرش ـ پارچه ابریشمی ـ مروارید وادویه واسب‌های خوب که به هندوستان میفرستادند وموقعیت واهمیت آنجا رااز بعد ظهور اسلام میدانند. یکی ازفرمانداران هرمز توران‌شاه بوده ودر کرانه آن سکه‌های طلا یافت شده که دریکطرف

آن نام عادل شاه وطرف دیگر اسم چیرون نوشته شده است ـ در سال ۶۶۵ هجری رکن الدین محمد حکمران این جزیره بوده که تابع اتابکان فارس و کرمان بود در دورهٔ حکمرانی میر بهاء الدین ایاز سال ۷۲۰ هجری مغولها بهرمز حمله نمودند وآنجارادست خوش‌چپاول ویغما قرار دادند که در نتیجه فرماندار ومردم آنجا بجزیره کیس فرار کردند ـ ابن بطوطه مورخ عرب مینویسد: «در سال ۷۷۴ هجری شهرقدیم هرمز درساحل دریا واقع وبنام مغستان مشهور بوده وشهر چیرون مرکزجزیره هرمزشهریست بزرگ صادرات و واردات زیاد داشته و تا مدت دویست سال بازار تجارت خلیج فارس بشمار میرفت ـ در سال ۷۳۹ هجری میر قطب‌الدین فرماندار آنجا جزایربحرین وکیس‌را نیز درتصرف‌داشته سپس پرتقالی ها اورا شکست داده وهرمز را متصرف شدند ـ «دورات باربوسا» سیاح پرتقالی مینویسد: «بااینکه جزیره هرمز بزرگ نیست ولی شهریست زیبا وقشنگ وبازرگانان آنجااکثر عرب‌وایرانی‌هستند دربندرگاه انواع کالاهای خارجه با امتعه داخله معاوضه میشود در قرن ۱۵ و۱۶ هجری این جزیره بسیار آباد بوده ـدرسال ۱۵۰۷ میلادی «الفونسو البوکرک»سردارپرتقالی باکشتی های خود بجزیره هرمزآمد فرماندار این جزیره قوای خود را مرکب ازسی هزار نفر و چهار صد کشتی برای مدافعه حاضرنمود جنگی سخت بین آنها درگرفت که منجر بفتح وغلبه سردار پرتقالی گردید وپنجهزار زرافین فرماندار آنجا غرامت جنگ داد و متعهد گردید سالی ۱۵هزار زرافین خراج بدهد «البوکرک» قلعه درمحانی موسوم به موورونا درهرمز بنانهاد وتجارتخانه‌درآنجا تأسیس نمود ومقدار زیادی کالاوارد کرد وتجار پرتقالی مشغول تجارت شدند.

دراین بین شاه اسماعیل صفوی از فرماندار هرمز مطالبه مالیات نمودداوموضوع را به «البوکرک» گزارش داد وازاو کسب تکلیف کرد او جواب‌داد که هرمز را بجنگ گرفته‌ایم ومتعلق بپادشاه پرتقال است‌چون

شاه اسماعیل سرگرم با عثمانیها بود در آنموقع نمیخواست با پرتقالی ها درخلیج فارس جنك نماید وکار بمسالمت وسازش با آنها انجام یافت در سال ۱۰۴۰ هجری شاه عباس بزرك پس ازمعاهده وصلح با عثمانی ها لشکریان ایران بسرداری امام قلی خان مأمور تصرف هرمز نمود و با مساعدت کشتی های انگلیسی پرتقالی هارا شکست داد وآنجا راتصرف نمود وپرچم ایران بجای پرچم پرتقالی ها بر فراز قلعه هرمز افراشته شد وطبق شرایط صلح پرتقالی هارا بمسقط فرستادند ودست آنها در هرمز وخلیج فارس کوتاه گردید - در سال ۱۳۰۶ هجری در دوره ناصرالدین‌شاه یکنفر مهندس نظامی‌روسی بجزیره هرمزآمده بود وتنگه‌هرمز وموقعیت نظامی‌آنرا بازدید نمود ودر مراجعت خود بدولت‌روسیه تزاری پیشنهاد کرد که چند مخزن ذغال برای سوخت کشتی‌های روسی‌درآنجاتأسیس کنند ولی پیشنهاد او بصورت عمل درنیامد .

این جزیره دارای یك دبستان چهار کلاسی و در حدود ۵۰ نفر دانش آموزاست که بیشتر آنها بدرد تراخم‌چشم مبتلا هستند وبهداشت مردم این جزیره بسیار بد وباعث تأسف است .

## جزیره خارك

طول این جزیره ۸ کیلومتر وعرض آن ۴ کیلومتر است ومسافت بین خارك تا بندر بوشهر درحدود ۳۰ میل دریائی است - هوای این جزیره معتدل ودارای‌آب‌فراوان است- سکنه این جزیره درحدودیکصد خانوار میگویند ومردمش اکثر دریا نورد یابصید مروارید مشغولند . محصول آنجا کمی گندم - جو وذرت میباشد -اطراف این جزیره کوهها احاطه نموده که‌در بعضی ازآنها دخمه های زیادی وجوددارد وخطوط میخی درآنجا نوشته شده گویا این دخمه های مردگان زردشتیان بوده که در قدیم دراین جزیره اقامت داشته اند - آثار قلعه‌هلندیها تاکنون درآنجا

باقیمانده ولی سنگ های آنرا برای ساختمان های پالشگاه شرکت نفت انگلیس وایران‌درآبادان برده‌اند - درسال ۱۷۵۳ میلادی «بارن نیفوزن» مدیر تجارتخانه هلندیها باین جزیره آمده وقلعه برای اقامت خود ساخته ومشغول امور بازرگانی شده بعد از استقرارهلندیها در خارک مناقشهٔ بین «نیفوزن» ومیر مهنا بخشدار بندر ریك تولید گردید وموضوع آن این بود که هلندیها میبایست مال الاجاره توقف خود را در خارك بپردازند واین مشاجره تاچند سال ادامه داشت - درسال ۱۷٦٥ میلادی میر مهنا قلعه هلندیها را محاصره واموال آنها را تصرف کرد وهلندیها را بوسیلهٔ کشتی روانه باتاویا نمود - کریم خان زند سپاهیانی بخارك فرستاد ولی کوشش آنها بدون نتیجه‌ماند ودرسال ۱۷٦۹ میلادی مجدداً قشون ایران باتوپخانه ومهمات‌کافی بخارك اعزام وآنجارا محاصره نمود - میر مهنا چون کاررا سخت دید شبانه بطرف بندرکویت فرارکرد واز آنجا به بصره رفت ودر آنجا کشته شد وجزیره خارك بتصرف قشون ایران در آمد .

دربین سالهای ۱۸۳۸-۱۸٤۲ میلادی‌جزیره خارك بتصرف‌انگلیسها درآمدواین در موقعی بود که محمد شاه قاجار برای تصرف هرات جنگ میکرد - درسال ۱۸۵٦ میلادی که ناصرالدین شاه‌لشکریانی به‌هرات‌روانه نمود وآنجا را محاصره کرد مجدداًقشون انگلیس جزیره خارك راتصرف کردند وبلندن پیشنهاد شدکه خارك مرکز سپاه انگلیس در خلیج‌فارس گردد «سرجیمس اوترام» انگلیسی مینویسد: «بعقیده‌من‌جزیره خارك‌برای اقامت نماینده انگلیس درخلیج فارس مناسب است زیرا اگر نماینده ما درآنجا باشد دیگر در بوشهر مجبور نخواهد بوداوقات خود را صرف مداخله درامور اتباع ایران بنماید - برای این مقصود لازم نیست جزیره خارك‌را ازحاکمیت ایران‌منتزع‌ساخته‌وجزءمتصرفات انگلیس‌قراردهیم».

جزیره خارك تابع بخشدار بندر ریك است وسکنه آنجا مالیات حاصله ازصید مروارید بضابط بندر ریك میدهند درچند سال پیش دولت

ایران درصدد بر آمد که بازجوئی درعمل صید مروارید آنجا بنماید ولی اقدامات دولت درنتیجه سعایت بخشدار بندر ریك بدون اثر ماند - جزیره خارگو نزدیك خارك واقع و غیرمسکون است در این جزیره لاك پشت های عظیم الجثهٔ دریائی وجود دارد و سیاحان خارجه و بعضی اهالی کرانه خلیج فارس برای شکار آنها باین جزیره میروند - در خارگو چند چاه آب گوارا و چندین درخت های کهن سال بنظر میرسد و منظره باصفائی دارد .

## جزیره شیخ شعیب

طول این جزیره ۱۲ کیلومتر و عرض آن ۵ کیلو متر است جمعیت آنجارا درحدود ۷۰۰ نفر میگویند - این جزیره نزدیك بندر مقام از توابع بنادر شیبکوه است بخشدار آنجا از مشایخ آل حماد میباشد و مردم این جزیره دارای چند کشتی برای صید مروارید و یکی از مراکز خرید و فروش مروارید است - اهالی آنجا بصید مروارید اشتغال دارند .

## جزیره فرور

طول این جزیره ۷ کیلومتر و عرض آن ۵ کیلومتر است و جزء بندر مغو از توابع بندر شیبکوه است. سکنه آنجا را یکصد نفر میگویند بخشدار این جزیره از طایفه آل مرزوق میباشد و دارای چند کشتی برای صید مروارید هستند محل صید مروارید این جزیره درنقطه موسوم به نجوا است مردمانش همه فقیر و غذای اکثر آنها ماهی خشك شده میباشد .

## جزیره سری

طول این جزیره ۷ کیلومتر و عرض آن ٤ کیلومتر واز توابع بندر لنگه است . سکنه آنجارا ۲۰۰ نفر میگویند که از طایفه اعراب هوله میباشند و دارای بیست کشتی برای صید مروارید هستند و مردم این جزیره صید مروارید میکنند .

# جزیره لارك

طول این جزیره ۱۱ کیلومتر وعرض آن ۷ کیلـومتر است کـه از صخره‌های آتش فشانی مخروطی الشکل تشکیل یافته وتا بندر عباس در حدود ۱۸ میل دریائی فاصله دارد ـ سکنه آنجا ۲۰۰ نفر ازطایفه‌شوهیان میباشند واکثر آنها بصید مروارید اشتغال‌دارند. مسافت بین این جزیره تا رأس الجبال کـه محل صید مروارید است ۲۸ میل دریائی میشود ـ در این جزیره معادن خاك سرخ و گودرز ( بنت الذهب ) وجود دارد کـه تاکنون از آنها استفاده نشده است .

# جزیره هندرابی

طول این جزیره ۹ کیلومتر وعرض آن در حدود ٤ کیلومتر است نزدیکی بندر چیرو از توابع بنادر شیبکوه واقع شده جمعیت آنجا را ۲۳۰ نفر میگویند که بصید مروارید وماهیگیری مشغولند .

# جزیره بن موسی

طول این جزیره ٥ کیلومتر وعرض آن ٤ کیلو متر است کـه بین بندر لنگه وبندر دبی واقع شده وتابندر لنگه ٤۲ میل دریائی فاصله دارد در پیش کـه بخشدار بندر لنگه از مشایخ جواسم بوده واو بامشایخ بندر شارجه ورأس الخیمه بنی‌اعمام بود بنا برضایت اواین‌جزیره مرکز مرتعو چراگاه چارپایان مشایخ نامبرده بود .

حکومت هائیکه از طرف دولت ایران به بندر لنگه میآمدند به‌این‌جزیره‌اهمیتی نمیدادندوآمدورفتی درآنجا نداشتند تاآنکه بالاخره‌شیخ بندر شارجه جزیره نامبرده را تصرف نمود ـ این‌جزیره دارای معدن‌خاك

سرخ است که مقدار زیادی بخارجه میفرستند و چند کشتی نیز برای صید مروارید دارند سکنه آنجا همه عرب میباشند وارتباط آنها بابنادر عمان است.

## دشتستان

بلوك دشتستان بچند ناحیه تقسیم شده که عبارتند از شبانکاره - حیات داود - لیراوی - انگالی رود حله و هر ناحیه بخشداری جداگانه دارد که در زیر نظر فرماندار بوشهر انجام وظیفه مینمایند. گندم - جو حبوبات محصول دشتستان را تشکیل میدهد بعلاوه دارای نخلستان زیاد است که از آب رودخانه دالکی وخشت مشروب میگردد. سدشبانکاره که اخیراً ساخته شده هرگاه استفاده کامل از آن بشود برمحصول آنجا خواهد افزود بلوك دشتستان از حیث زراعت بواسطه فلات ورودخانه هایش بهترین بلوك نواحی جنوبی ایران بشمار میآید و دارای چندین قصبه آباد میباشد بنادر دشتستان عبارتنداز:

بندر دیلم - گناوه - بندر ریك - رود حله واین بنادر بالای خلیج فارس درسمت شمالی آن واقع شده است ورابطه آنها بابصره وبندر کویت وجزایر بحرین است در نزدیکی بندر دیلم در قدیم بندری بنام سینیز وجودداشته که بسیار آباد بوده ودر زمان قرمطیان این بندر راغارت نموده و آنرا خراب کردند آثار خرابه های این بندر اکنون در یك فرسنگی بندر دیلم هنوز باقیست .

## بلوك تنگستان

مرکزوضابط نشین تنگستان قصبه اهرم است وسکنه این قصبه را درحدود ۳۰۰ خانوار میگویند اهالی تنگستان اکثر کشاورز وسلحشور هستند وداستان جنگ های آنها تاریخی است - مسافت بین اهرم وبوشهر قریب ۵۰ کیلومتر میشود - محصول آنجا گندم-جو- کنجد-پنبه-تنباکو است

و دارای نخلستان و اشجار مرکبات زیاد نیز میباشد که از آب چند چشمه مشروب میگردد مرکبات قصبه خاویز در جنوب ایران معروف است .

بنادر تنگستان عبارت از بندر حلیله ـ دلوار ـ عامری ـ کرّی ـ بوالخیر ـ باشی ـ هدکو وارتباط آنها با بندر کویت وجزایر بحرین است

## بلوك دشتی

وسعت خاك دشتی بواسطه فلات ودشت هموار قابل مقایسه با تنگستان نیست ـ بخشدار دشتی درقصبه خورموج اقامت دارد عده سکنه این قصبه را درحدود ۲۰۰ خانوار میگویند و مردمانش سلحشور و اکثر کشاورز ودریا نوردمیباشند ـ محصول دشتی گندم ـ جو ـ حبوبات ـ تنبا کو و پنبه و دارای نخلستان زیادیست که از آب رودخانه موند مشروب میگردد وهرگاه سدی دراین رودخانه ساخته شود باعث مزید عمران و آبادی این بلوك میگردد و نفوس آنجا از بلای قحطی و مجاعه مصون میمانند ـ بنادر دشتی عبارت از بندر کلات ـ لاور ـ دیر ـ میانلو . زیارت و بندر طاهری است که در زمان قدیم معروف به بندرصیرف بوده مورخین مشروحا از وضعیت این بندر نوشته‌اند . آثار وبقایای شهر صیرف بمساحت نیم فرسنك از بندر طاهری در کرانه دریا قرار گرفته وقلعه ویرانه آن اکنون باقیمانده نیز آثار يك مسجدیست که از سنك تراش ساخته شده وظروف سفالی وچینی در آنجا پیدا شده و کتیبه‌هائی بخط کوفی در آنجا وجود دارد که یکی از آنها که تاریخ قرن دهم میلادی داشته بموزه بریتانیا در لندن برده‌اند و دیگر آب انبار های بزرگ و دخمه های زیادی در آنجا بنظر میرسد ـ میگویند شهر صیرف را کیکاوس بنا کرده ـ ابویزید صیرفی درقرن نهم هجری شرحی راجع باین شهر نوشته است ـ ابن بطوطه مورخ معروف مینویسد: « بندرصیرف در خلیج فارس شهریست بزرك ودارای قصور

رفیع وبساتین بدیع مملو از اشجار و آب مشروب آنجا از چشمه وقنات است که از کوه های اطراف جاری و بشهر میرسد . اشراف ومتمولین این شهر ایرانی هستند واعراب بنی‌سفاف در آنجا صید مروارید مینمایند و به بازرگانان میفروشند واز حاصل فروش خود پنج یك مالیات بفرمـاندار آنجامیدهند» ـ مقدسی مورخ دیـگر مینویسد: «شهر صیرف ازحیث اهمیت تجارت با بصره رقابت داشته ودارای خانهای عالی و بازارهای بزرگ است در سال ۹۷۷ میلادی بواسطه زلزله های سختی که مدت هفت روز ادامه داشته خرابی زیاد باین شهروارد آمده» ـ اسطخری مورخ مینویسد: «بعد از شیراز بندر صیرف مهمترین شهرهای فارس است خانهای آنجا دارای چند طبقه‌میباشد وجمعیت این شهر زیاد است آب مشروب خوب ومیوه از کوه جام میآورند ـ واردات صیرف عبارت است از عود ـ عنبر کافور ـ جواهرات ـ عاج تخته‌آبنوس کاغذ ادویه وعطریات‌هندی است ـ وصادرات آنجا عبارتند ازانواع پارچه ها ومنسوجات کتانی ومروارید که زیادخرید وفروش میشود . پس از انقراض سلسله آل بویه‌درحدود سال ۴۷۵ هجری شهر صیرف رو بانحطاط وخرابی گذارد و در اثر زلزله های زیاد خراب گردید واهمیت تجارتی خود را از دست داد و مرکـز دادوستد بجزیره گیس منتقل گردید .

بندر طاهری دارای‌شصت کشتی برای صید مروارید میباشد ومحل صید مروارید در رأس‌الراس‌واقع شده ومرواریدهای آنجارا برای فروش بجزیره گیس میبرند .

## بنادر ثلاث و شیبکوه

بنادر زیر جزء بلوك جهانگیره ـ اسیر ـ گله دار وجم میباشد که تابع ایالت فارس واقع شده‌ودرقسمت بعضی از کرانه این‌ناحیه بطول ۵۰ کیلومتر درخت جنگلی‌موسوم بگروم در دریا روئیده‌است . بندرعسلو ـ

پستانو - شیو و مقام جزء بنادر ثلاث هستند . و بندر تمبك - اختر - کنگان - پرك - حاله - نخیلو - چیرو - چارك - کلات عبید - طاحونه - مغو - کنك - بندر معلم - و مهتابی جزء کرانه شیبکوه میباشند و تا بندر لنگه امتداد دارد. این بنادر هریك دارای چند کشتی برای صید مروارید و محل صید مروارید آنها در مفرد - آشویه - وراس بستانه میباشد . و ارتباط آنها با بنادر عمان است .

## بنادر مکران

بنادر زیر تابع بلوك میناب - رودان - احمدی و بشاگرد میباشند ودر کرانه بلوچستان واقع شده با اینهمه وسعت خاك بواسطه کوهستانی بودن زراعت این ناحیه بسیار کم ولی دارای نخلستان فراوان هستندو مردمانش اکثر وحشی وراهزن ومسافرت ازراه خشکی به بلوچستان دراین نواحی خالی از خطر نیست و تا خط مرزی بین ایران وبلوچستان انگلیس درحدود ۳۸۰ کیلو متر فاصله دارد .

مردمان این حدود همه فقیر و بسختی امرار معاش میکنند غذای اکثر آنها ماهی خشك است - در سالهای قحطی و مجاعه اغلب سکنه آنجا مهاجرت بطرف بنادر عمان نموده یا ازبین رفتند- دراین بنادراثری از بهداشت وتعلیم وتربیت بنظر نمیرسد - بنادر مکران عبارتند از :

کوهستك - کالك - تنگ - بندر سریك - توجك - بی ریز - سروگان وبارکی میباشند .

## رأس مطاف

در کرانه بلوك دشتی کوهی است زیر آب در دریا وجود دارد که بفاصله چند کیلو متر کشیده شده و موسوم برأس مطاف است که در آنجا عمق آب را کم کرده برای عبور کشتی ها در شب محل بسیار خطرناکی است . اکثر

کشتیها هنگام شب ومواقع طوفانی در آنجا شکسته‌کالا ومردمش از بین میروند ودرسال مبالغ هنگفت خسارات مالی وتلفات جانی‌وارد میگردد - نویسنده برای حفظ جان ومال آنمردم بیچاره توجه دولت را برای نصب چراغ دریائی در رأس مطاف پیشنهاد مینماید .

## صید مروارید

تجارت مروارید خلیج فارس در دست بازرگانان عرب وهندی و فرانسوی میباشد فقط معدودی از مردم بندر لنگه وبنادر شیبکوه‌واهالی جزیره کیس است که داد و ستد مروارید میکنند - محل صید مروارید درخلیج فارس که موسوم به هیارات‌است که بیشتر آنهادر سمت کرانه عمان و بحرین واقع شده ودر قسمت کرانه ایران هیارات زیاد نیست - موسم صیدمروارید ازاول تیرماه‌شروع میگردد وتا مدت چهار ماه‌مشغول هستند بهترین مروارید خلیج فارس در دریای عمان وبحرین از حدود رأس الجبال درکرانه عمان یافت میشود .

مروارید هائیکه درکرانه جزایر متعلق به ایران بدست میآید در درجه دویم قرار گرفته است. کارگران صید مروارید بدو دسته تقسیم شده اند کسانیکه بقعر دریا فرو میروند و صدفهای محتوی مروارید جمع آوری میکنند آنها راغیص مینامند واشخاصیکه درکشتی مانده‌دو رشته طنابی راکه دردست غیص است یکسر طناب را در دست خود نگاهداشته وغیص را بالامیکشند آنهاراسیب میگویند - دو رشته طناب عبارت است ازیکرشتهٔ که‌سرب‌بآن بسته شده غیص‌رافوری‌بعقر دریافرو میبرد ورشته دیگر دردست غیص میباشد چون نفسش زیرآب تنگی کند این رشته را تکان میدهد سیب اورا فوری بالای سطح آب میکشد وبعد از دادن سبد محتوی صدفها تجدید نفس نموده مجدداً زیرآب میرود و رشته طناب که سرب بآن بسته‌شده رها مینماید وصدفهای مرواریدرا که

در کف دریا روئیده بادستکش چرمی خودجمع نموده درسبد میریزد این عمل ازصبح تاظهر واز بعد ازظهر تاغروب ادامه دارد ـ هنگام شب صدفهارا شکافته مروارید آنها رابیرون میآورند . صدف وزنی بممالك اروپا برای ساختن دکمه یادسته کارد وچاقو وسایر اشیاء دیگر میفرستند وازصادرات عمدهٔ خلیج فارس بشمار میرود .

خطر جانی غیص در دریا برخوردبسنك وصخره یا غارهای دریائی است ونیز از دو قسم حیوان دریائی میباشد که یکی را(دول)ودیگری را (کوسه) مینامند این حیوان دارای دندانهای تیزوبرنده همچون اره میباشد همینکه او یکی رادرآب بیندحمله آورده بادندانهای خودضربت مهلکی میزند واو را ناتوان ساخته وتلف میکند ـ ولی دول دندان ندارد وانسانرا گاز میگیرد درنتیجه بدن غیص سوزش کرده که قادر بادامه کار خود نیست .

در جزیره سیلان دونقطه برای صید مروارید یکی بنام مینار و دیگری تنگری مینا مند که امتیاز آن بشرکت انگلیسی داده شده که بوسیله لباس غواصی انجام میگیرد این لباس ازدو قسمت تهیه شده پوشش و سرپوش که آب در آن نفوذ نمیکند سرپوش شبیه بکلاه خود است که از مس ساخته شده تا گردن غواص را میپوشاند ودارای دوسوراخ مدور که با شیشه های ضخیمی مسدود شده وغواص میتواند اطراف خود زیر آب نگاه کند وبوسیله لوله مخصوص از کشتی هوا برای تنفس غواص میرساند و مخزن هوا درپشت سر غواص قرار دارد بعلاوه برای روشن نمودن عمق دریا چراغ الکتریکی بکار میرود که روشنائی دو هزار شمع دارا میباشد .

## انواع مروارید

مروارید بچند درجه تقسیم بندی شده مهمترین آنها مروارید غلطان است که رنك سفید متمایل بسرخی دارد وگران بهااست نوع دیگر مروارید خشن

یا درشت میباشد که آنرا نباتی مینامند و اقسام دیگر مروارید قوله و بدله میگویند و رنك آنها سفید متمایل بسبزی و یا کبود است - هر دانه مروارید که کروی است قوله نام دارد و مروارید نیم کروی موسوم - بطن‌الهند و مروارید مخروطی الشکل معروف به تنبول و نیم مخروطی‌را کاوکی و مروارید ریز ناعم و بوکه مینامند که همان مروارید های خاکه میباشد - بهای مرواریدغلطان و درشت از همه اقسام دیگر زیاد تر است بیمناسبت نیست رونوشت مراسلهٔ را که میرزا علی‌اصغر امین‌السلطان صدر اعظم بیکی از تجار معروف بندر لنگه نوشته برای مزید اطلاع خوانندگان نقل نماید «از قرار معلوم در آبهائیکه در خلیج فارس متعلق بدولت ایران است تازه صید مروارید بسیار خوب میشود تلگرافاً بحسین قلیخان سعدالملك حکمران بنادر جنوب اطلاع دادم که سریعاً به بندرلنگه آمده و در مقام ممانعت صید کنندگان مروارید اتباع خارجه بر آیند واگر موقع صید است برای دولت ایران صید مروارید نموده فوراً نمونه بفرستند بلکه صدفی که مروارید در جوف آن باشد به تهران روانه نماید در این موضوع اهتمام کامل بعمل آورید و تحقیقات لازمه از خارج و داخل نموده گزارش بدهید هرگاه ممکن باشد بتوانید از صید جدید با چاپار دو نمونه بفرستید که یکی در جوف صدف و دیگر ازصدف خارج باشد (شهر محرم ۱۳۰۰ هجری - امین السلطان) جای تعجب است که دولت ایران در سال ۱۳۰۰ هجری به این مسئله پی برده و مطلع شده است که در اطراف کرانه خلیج فارس صیدمروارید میگردد در صورتیکه یکی از سیاحان انگلیسی مینویسد در سال ۱۸۱۱ میلادی هفتاد و پنج کشتی به بندر لنگه آمده و معادل ۴۱۰۱۶۰ لیره طلا مروارید خریداری کرده بودند بنابر این قریب بهفتصد سال پیش درخلیج فارس صید مروارید رواج داشته.

نویسنده اخیراً جواهرات سلطنتی را در بانك ملی ایران که بنام

پشتوانه اسکناس نگاهداری میشود مشاهده نموده چندین رشته مرواریدهای درجه اول غلطان که بتاج کیانی وجقه‌های ترصیع شده و نیز مروارید های درشت از نوع درجه دوم بصورت چند رشته های تسبیح در آنجا وجود دارد که همه آنها ممتاز و گرانبها میباشد. این مرواریدها رامشایخ بحرین و والیان مسقط برای پادشاهان قاجاریه هدیه فرستاده‌اند.

در زمان ناصرالدین‌شاه برای کسب اطلاع و چگونگی صید مروارید مأمورین دولت با کشتی پرس‌پلیس بجزیره خارك آمدند بخشدار بلوك حیات‌داود که جزیره خارك نیز تابع او بود محرمانه بضابط خارك دستور داد که مواضع صیدمروارید را بمأمورین نشان ندهند در نتیجه دولت از این امرصرف نظر نمود.

# خلیج فارس

از دیر زمانی خلیج فارس یکی از مهمترین دریا ها از نقطه نظر سیاسی و اقتصادی بشمار میرفته و موقعیت آن نیز از لحاظ سوق‌الجیشی اهمیت زیادی‌داشته زیرا این‌خلیج سرراه و کلیدخطوط دریائی‌قرار گرفته بنابرین مناسبات خلیج فارس عامل مهمی از نظر ارتباط اقوام مختلف وراههای بازرگانی شرق وغرب میباشد - طول‌خلیج فارس‌ازساحل‌عمان تارأس‌الحد در حدود ۵۰۰ میل دریائی و عرض آن از ۲۹ تا ۱۶۰ میل دریائی است «نیارکرس» سرداریونانی به‌امر اسکندررومی‌از هندوستان بخلیج فارس آمد و موقعیت آنجا را بررسی نمود «البوکرك» پرتقالی درسال ۱۵۱۵ میلادی با چند کشتی بخلیج فارس‌آمده و جزیره‌هرمز را تصرف کرد. درسال ۱۶۳۹ میلادی هلندیها با کشتی‌ها و محمولات‌فراوان وارد خلیج فارس شده‌و تجارت‌خود را در آنجا توسعه دادند - فرانسویها در قرن هفدهم بخلیج روی آورده و تجارتخانه در بندر عباس تأسیس کردند.

در قرن هفتم پیش از میلاد سناخریب نیروی دریائی بزرگی تدارك نموده و از راه خلیج فارس به کلده و بابل حمله کرد. سپس شاپور اول با کشتی های خود بر اعراب مهاجم هجوم کرده و آنها راشکست داد. در قرن ششم میلادی انوشیروان بقصد تسخیر عربستان نیروی دریائی بزرگی در ابوله واقع در شط العرب تهیه نمود و از راس الحد در عمان گذشته به عدن در بحراحمر رسید. دردوره شاه عباس صفوی نیز کوشش زیادی برای ساختن کشتی هائی بمنظور حفظ امنیت خلیج فارس بعمل آمد ولی به نتیجه نرسید. نادرشاه درصدد بر آمد نیروی دریائی در خلیج فارس تأسیس نماید و برای این منظور چند کشتی ازانگلیسها و هلندیها خریداری نمود و بوشهر رامر کز بحریه خودقرار داد بعلاوه امر کرد که از جنگل های مازندران تخته و الوار بکرانه خلیج آوردند و چندین کشتی ساختند «هارفورد جانس بریج» انگلیسی مینویسد: «درسال ۱۷۸٤ میلادی که وارد بوشهر شدم از کشتی های نادرشاه سه کشتی در بوشهر باقیمانده بود که هر یك پانصد تن ظرفیت داشتند» ناصرالدین شاه درنظر داشت که نیروی دریائی در خلیج فارس تشکیل دهد که برای مراقبت وحفظ انتظام بنادر جنوب چهار کشتی خریداری نماید برای این منظور از یك شرکت کشتی سازی آلمانی دو کشتی خریداری شد یك کشتی پرس پلیس که دارای ٦٥٠ تن ظرفیت و قوه ٤٥٠ اسب و مجهز بچهار توپ کروپ بود این کشتی در سال ۱۳۰٤ هجری وارد بوشهر گردید و دیگر کشتی شوش بود که در رودخانه کارون رفت وآمد میکرد. درزمان مظفرالدین شاه نیز برای جلوگیری از قاچاق چند کشتی کوچك از جمله کشتی مظفری و چند کشتی های دیگر خریداری گردیدولی دراثر بیمبالاتی وعدم توجه همهٔ آنها خراب ودر خور سلطانی نزدیك بوشهر بآب فرو رفته و از بین رفتند.

در سال ۱۵۸۰ میلادی «جان نیوبری» انگلیسی و ۱۵۸۳ میلادی «هوکن هلندی برای تحقیقات واطلاعات اقتصادی بخلیج فارس آمده بودند

«لرد کرزن» معروف که در سال ۱۸۹۲ میلادی که بخلیج فارس آمده در اهمیت آن مینویسد: «احداث بندرگاه درخلیج فارس از دیر زمانی جزء آمال و آرزوی روسها بوده هرگاه صورت عمل بخود گیرد آرامش و انتظامی که با صرف آنهمه مساعی و مجاهدت در خیلج فارس برقرار گردیده مختل خواهد شد هر دولتی که اجازه احداث بندری را در خلیج فارس بروسیه بدهد بعظمت انگلستان توهین وارد آورده و در اختلال خلیج نامبرده وتولید جنك جدیت بخرج داده است آن سفیر انگلیس که در این مورد تسلیم شود و این اجازه را بدهد گناهکار وخائن بمیهن خود میدانم لرد نامبرده در سال ۱۹۰۳ میلادی هنگامیکه نایب السلطنه هندوستان بود بار دیگر برای جلب اعتماد مشایخ عرب باهشت کشتی جنگی وارد خلیج فارس گردید و در بندر شارجه موقعیکه رؤسای قبایل عرب مقیم سواحل عمان برای ملاقات او آمده بودند رویه صریح خود را در موضوع موقعیت دولت انگلیس در خلیج فارس بیان نمود و نشانهای درجه اول ستاره هند به بعضی مشایخ عرب عطا کرد «لرد لانسدون» رئیس اداره سیاسی هندوستان در مجلس اعیان انگلیس گفته بود «سیاست ما در خلیج فارس در مرحله اول باید متوجه حمایت و حفاظت توسعه تجارت انگلیس در آبهای آنجا باشد ما باید استقرار يك تکیه‌گاه دریائی و يك بندری در خلیج فارس را بوسیله هر دولتی که احداث نماید مانند يك تهدید بزرگی بمنافع انگلیس تشخیص داده و با تمام وسائلی که دراختیار خود داریم ازچنین پیش آمدی جلوگیری نمائیم.

« سر جان ملکم» درسال ۱۸۰۰ میلادی نیز بخلیج فارس آمده در کتاب خو دمینویسد: «مأموریت من به ایران برای این منظور بود که هندوستان را از شر مهاجمات سرحدی زمان شاه امیر افغانستان خاتمه بدهم و نیز اقدامات و عملیات فرانسویها در دربار فتحعلی شاه بی اثر گذارم زیرا هیئت نمایندگان فرانسه که بریاست «گاردن» به ایران آمده بودند قرار دادی باشاه منعقد نموده بودند که دولت ایران روابط سیاسی و تجارتی خود را

با انگلیسها قطع نماید و نماینده ایران از بمبئی احضار کنند و عمال و کنسولهای انگلیس را از ایران و خلیج فارس خارج کنند و ارتباط از راه خشکی و دریا برانگلیسها ببندند من در اجرای مقاصد خود پیشرفت نمودم و موفق شدم راجع بمسائل مربوط به ایران و خلیج فارس قرار دادی بافتحعلی شاه منعقد نمایم و این قرارداد بنام معاهده قطعی معروف بود که در نتیجه روابط تجارتی انگلیس و ایران که چندی رو بضعف رفته بود بار دیگر رونق یافت و مناسبات سیاسی و اقتصادی بین طرفین برقرار گردید ».

در دوره رضاشاه پهلوی به نماینده ایران مرحوم رضا ارفع الدوله در جامعه اتفاق ملل دستوری داده شد که برای خرید چند کشتی جهة نگهبانی بنادر خلیج فارس وجلوگیری ازقاچاق مذاکره نماید. بعضی دول اروپائی که منافعی در خلیج دارا بودند مایل باین کار نبودند ولی ارفع الدوله با جدیت و کوشش زیاد موفق گردید چند کشتی که ظرفیت آنها بسیار کم بود از ایتالیا خریداری نماید برای این منظور دویست نفر از افراد ارتش انتخاب شدو در سال ۱۳۱۲ خورشیدی به ایتالیا برای آموختن فنون دریانوردی رفتند کشتیهای پلنگ ـ ببر ـ کرکس ـ سیمرغ ـ شاهرخ ـ همای ـ شهباز ـ و کشتی یدك کش را که ساختمان آنها انجام یافته بود تحویل گرفته و وارد بوشهر شدند هنگام ورود این این کشتی رضاشاه پهلوی در بوشهر آنها را بازدید نمود.

مرکز نیروی دریائی جوان و محل پادگان و فرماندهی و مخازن و تعمیرگاه و بیمارستان و آموزشگاه و اداره بندر درخرمشهر بر قرار گردید و ایستگاه این کشتیها باین قرار بود ناو ببر و کشتیهای سیمرغ و شاهرخ و یدك کش مأمور بندر خرمشهر ـ ناوپلنك مأمور نگهبانی بپالشگاه نفت در آبادان ـ کشتیهای کرکس ـ شهبازو پنج موتور دریائی دیگر مأمور نگاهداری مؤسسات و حوض شاور در بندر شاپور بودند و ضمناً ناوهای پلنك و ببر مأموریت گشت در بنادر وجزایر خلیج فارس

داشتند واعراب و قاچاقچیان کرانه خلیج از وجود این کشتیها خائف بودند
اکنون که این سطور را مینویسم نیروی دریائی جدید تأسیس ایران در
واقعه اسف آور ۳ شهریور ماه ۱۳۲۰ خورشیدی غفلتاً مورد بمباران
واقع شدند و ناوهای پلنك و ببر - بقعر آب شط العرب فرو رفتندو بقیه
کشتی‌های دیگر آسیب زیاد دیدند و آن همه تأسیسات دریائی که با مبالغ
هنگفت وخون‌دل این ملت دایر شده بود ازمیان رفت ومرحوم دریادار
بایندر ودر حدود ششصد نفرافسر و ملوان نیروی دریائی زخمی و کشته
شدند بعدها تاریخ حقایق این‌واقعه را قضاوت خواهد نمود.

## خورموسی یا بندر شاهپور

خورموسی یك زبانه دریائی است که دهانه آن در حدود ۳۷
کیلومتر در انتهای خلیج فارس و در سمت مشرق رودخانه بهمن‌شیر واقع
شده و در وسط خور نامبرده جزیره کوچکی بنام قبر ناخدا وجود دارد
و تا بندر شاهپور ۹۲ کیلومتر مسافت دارد- درکرانه اطراف خورموسی
یك منطقه باتلاقی فرا گرفته وهنگامیکه آب دریا بالا میآید تا مسافت
۱۴ کیلومتر کرانه را میپوشاند و خط آهن تا ایستگاه سربند از میان این
ناحیه باتلاقی که خاك‌ریزی شده عبور میکند - گودی و عمق خورموسی
بین ۲۰ تا ۴۰ متر میباشد و تا مصب شط العرب در حدود ۸۰ کیلو متر
فاصله دارد - چون کشتی ۷۰ کیلومتر از خور نامبرده بطرف شمال سیر
نماید خط خشکی تنك‌تر شده و پهنای خور در نزدیك بندر شاهپور به
دو یا سه کیلومتر محدود میگردد و کشتی‌های بزرك به‌آسانی میتوانند
وارد بندرگاه شده و کالای خود را پائین نمایند.

## راه آهن ایران

اگر چه راه آهن از بندر شاهپور کوتاه ترین راه بمرکز و
شمال ایران است ولی خط سیر آن ناهموار و اکثر درمیسر جبال صعب العبور

ودره های عمیق واقع شده است. راه آهن پس از گذشتن از جلگه مازندران و عبور از شهر های ساری و شاهی وارد تنگ تالار در رشته جبال‌البرز می‌گردد و گردنه فیروزکوه را بوسیلهٔ تونل ها و کوه ها طی نموده وارد کویر وجلگه ورامین می‌گردد بعد از عبور ازدشت وجلگه‌های قم و اراك باز وارد نواحی کوهستانی و رشته جبال لرستان و تنك آب دیز شده در حدود ۱۰۰ کیلومتر در میان تونل های طولانی و روی پلها عبور کرده وارد اندیمشك و دشت خوزستان میشود. راه آهن ایران دارای ۹۰ ایستگاه میباشد و ۳۱ ایستگاه آن از بندر شاه تا تهران و ۵۹ ایستگاه دیگر از تهران تا بندر شاهپور واقع شده است. همچنین ۱۲۰ تونل و ۲۰ پلهای بزرك و کوچك در مسیر خط آهن قرار دارد و طویل‌ترین آنها تونلی است واقع در کدوك که دو کیلو متر و نیم درازی آن می باشد.

راه آهن ایران از سالهای متمادی مورد نظر خودی و بیگانه بوده از جمله مرحوم صنیع‌الدوله که مجله بنام «راه نجات» در خصوص فواید خط راه آهن نوشته است. از سال ۱۳۰۶ خورشیدی از طرف شمال و جنوب شروع بساختن راه سراسر ایران گردید و طول آن بالغ بر ۱۳۹٤ کیلو متر است که هزینه هر کیلو متر در حدود پنج هزار لیره شده و مخارج کل ساختمان راه آهن بالغ بر سی ملیون لیره که از عوایدانحصار قند وشکر وچاهی بوده است.

تاریخچه تحولات سیاسی بین‌الملل راجع براه آهن ایران از زمان ناصرالدین شاه شروع گردیده و در سال ۱۸۷۲ میلادی دولت انگلیس در نظرداشت که یکرشته خط آهن از بنادر مدیترانه شروع کرده و از وادی فرات و دجله عبور داده از طریق بنادر جنوب ایران و کرانه مکران به بندر کراچی امتداد دهد و برای انجام این منظور کمیسیونی در لندن از متخصصین فنی تشکیل گردید و در نتیجه «بارون جولیوس» انگلیسی

امتیاز راه آهن را در دورهٔ ناصرالدین شاه و صدارات میرزا حسینخان سپهسالار بدست آورد بعلاوه امتیاز بعضی معادن نیز بمدت هفتاد سال تحصیل نمود.

«بارون جولیوس» بعدها امتیاز تأسیس بانك شاهنشاهی را در ایران نیز دارا گردید چون منظور عمده از تحصیل امتیاز راه آهن تهدید سیاسی به‌دولت روسیه تزاری بود که بعداً در مقابل تقاضای انگلیسها متعهدشدند که در امور افغانستان دخالت نکنند بنابراین موضوع این امتیاز راه آهن از بین رفت و قرارداد آن لغو گردید.

در سال ۱۸۷٤ میلادی «بارن فالکن هاین» مهندس خط آهن گرجستان به‌تهران آمد و در نظر داشت امتیاز راه آهن از سرحد جلفا تا تبریز بگیر دولی در خلال مذاکرات معلوم گردید که نامبرده این امتیازرا برای دولت روسیه تزاری میخواهد که بعدها خط آهن تبریز را ببغداد امتداد داده و آنرا برعلیه دولت عثمانی بمنظور سوق‌الجیشی بکار برند بالاخره تحصیل این امتیاز میسر نشدو مذاکرات بجائی نرسید. درسال ۱۸۸۲ میلادی مسیو «بواتال» که مقاطعه‌کار کارخانه چراغ برق تهران بود امتیاز راه آهن از رشت به تهران بدست آورد و در نظر داشت آنرا تا بوشهر امتداد دهد نیز امتیاز بکار انداختن معادن بین راه آهن تا شعاع ۱۰ کیلومتر باو واگذار گردیدو پانصدهزار فرانك بعنوان ودیعه این امتیاز در بانك پاریس گذاشت ولی بعلل سیاسی امتیاز او لغو گردید. مسیو «ونتسن» وزیر مختار دولت امریکا نیز امتیاز چند رشته راه آهن تحصیل نمود و بعد از او مسیو «مارگان شوستر» خزانه‌دار سابق ایران نقشهٔ راه آهن را طرح نمود و در نظر داشت که بکمك سرمایه‌داران و مهندسین امریکائی اینکار را انجام بدهد ولی به نتیجه نرسید.

«الیون» نماینده شرکت فرانسوی در نظر داشت امتیاز راه آهن از رشت به تهران بگیرد که بمرحله عمل نرسید و بعد از او «هرفون شیرر»

مهندس داوطلب همین امتیاز شد و چون دولت ایران حاضر نشد برای سرمایه‌ئیکه در اینکار مصرف میشد صدی هفت تنزیل بدهد مذاکرات درخصوص این امتیاز نیز بجائی نرسید.

درسال ۱۸۸۷ میلادی ناصرالدین‌شاه باصرار سفیر دولت‌روسیه‌تزاری قراردادی‌راامضاء نمود ومتعهدشد که‌بدون‌رضایت وموافقت‌دولت‌روس اجازه ساختن‌خط آهن‌درایران بهیچ شرکت‌خارجی‌داده نشودنیزدرقرارداد تصریح‌شده‌بودهرگاه‌امتیازی ازطرف‌شاه بدول‌بیگانه بدهد دولت روسیه دیگرخودرا مقید بحفظ‌تمامیت واستقلال ایران‌نخواهددانست.منظوراین قراردادجلوگیری ازاجرای نقشه راه‌آهن ازخلیج فارس تاشمال ایران بود که‌انگلیسهاازاهواز تاتهران‌درنظرداشتندوبعدها درازای این‌امتیازسرویس کشتی رانی در رود خانه کارون‌به‌برادران «لنچ» انگلیسی واگذارگردید مجدداً دولت روسیه فرمانی از ناصرالدین شاه بدست آورد که تا مدت پنج سال امتیازساختن راه‌آهن به هیچ دولتی داده نشود و درسال ۱۸۹۰ میلادی آنرا تاپنج سال دیگر تمدید نمود و در دوره مظفرالدین شاه نیز ده سال دیگر بآن قرارداد افزوده گردید - در ۱۸۸۹ میلادی مهندس «پالوشلوسکی» یکی از اعضاء عالی رتبه راه‌آهن قفقاز امتیاز احداث خط آهن ازغازیان تارشت را تحصیل‌نمود - درسال ۱۸۹۰ میلادی بدونفر اتباع روس موسوم به«نویچ» و«پالیا کوف» امتیازراه‌آهن‌ازجلفای ارس تاتهران و از آنجا بجنوب ایران وخط دیگر از تهران‌تا مشهد واگذارشد بعداً این امتیاز از بین رفت ولی‌اشخاص مزبور موفق بگرفتن امتیازبانك استقراضی شدند «لرد کرزن» مینویسد: «موضوع راه‌آهن ایران که دراین مدت به‌نتیجه قطعی نرسیده‌ناشی از تقصیر طبیعت نیست بلکه مانع اصلی حرص‌وآز دول ذیعلاقه‌میباشدواین‌یك مسئله سیاسی‌است که میبایست در وزارت خانهای دول بزرك ودرسفارتخانهای آنها در تهران حل و تصفیه گردد - تصور میکنم بعدها راه آهن ایران از کوه های‌بلند و دره های عمیق از فلات ایران گذشته دریای خزر را بخلیج فارس متصل سازد»

# راه آهن فرعی ایران

مسیو «بواتال» امتیاز خط آهن از تهران بقصبه حضرت عبدالعظیم بدست آورد و بعد ها این امتیاز را بیك شرکت بلژیکی فروخت.

شرکت مزبور با سرمایه دو میلیون فرانك مشغول کار گردید و امیدوار بود که خط آهن را بخلیج فارس برساند ولی بعداً روسها با شرکت نامبرده سازش نموده و بادادن اعتباری لازم بنام آنشرکت اجازه گرفتند که ۳۰ کیلومتر دیگر این راه را بطرف جنوب تهران امتداد دهند اما عملی نگردید - همچنین مرحوم حاج محمد حسین امین‌الضرب باشرکت جمعی از تجار ایران خط آهنی درمصب رود هراز بطول ۱۸ کیلومتر از کرانه بحر خزر تا شهر آمل کشید و در نظر داشت آنرا به تهران منتهی سازد ولی بعدها این راه‌آهن ازکارافتادو نتوانست کاری انجام دهد - درسال ۱۳۳۱ هجری امتیاز ساختمان راه‌آهن از جلفا تا تبریز ببانك استقراضی روس داده شد وخط فرعی آن تا دریاچه رضائیه وکلیه معادن اطراف این خط تا شعاع ده فرسنك به آنها واگذار گردید - این راه آهن از جلفا تا تبریز ۱۴۷ کیلومتر مسافت دارد وخط دیگری نیز از صوفیان در ۳۱ کیلومتر تبریز تا شرفخانه در کرانه دریاچه رضائیهٔ بطول ۵۳ کیلومتر ساخته شد ودر نظر بود آنرا براه آهن قفقاز متصل نمایند این راه آهن بعدها بموجب عهدنامه بین ایران ودولت روسیه سویت درسال ۱۹۲۱ میلادی بدولت ایران منتقل گردید - راه‌آهن ماکو که از ایستگاه شاه تختی در قفقاز بوسیله پلی از رودخانه ارس گذشته وپس‌ازعبور ازخاك ماکو واردمرز ترکیه میگردید وطول آن ۱۰۰ کیلومتر بود و بعد از جنك عمومی گذشته در موقع انقلاب روسیه خراب واز بین رفت - در جنك بین‌الملل گذشته انگلیسها از سه نقطه خاك ایران راه‌آهن کشیدند یکی از بغداد بقصر شیرین و دیگری ازهند ومرز افغانستان به زاهدان وراه آهن دیگری از بندر بوشهر تاقصبه برازجان بود - خط آهن زاهدان دربولان ازراه آهن اصلی هندوستان

جداشده و یك شعبه آن تاچمن در شمال خاك افغانستان میرود و شعبه دیگری از راه نوشکی بزاهدان میرسد که بیشتر جنبهٔ نظامی و سوق‌الجیشی داشته ولی در حمل و نقل کالا از هندوستان به ایران نیز بکار میرفت بعد ازجنك عمومی گذشته بدولت ایران انتقال یافت که درنظر بود آنرا تاخراسان امتداد دهند که بصورت عمل در نیامد و بالنتیجه تعطیل واز کار افتاد .

در سال ۱۹۱۸ میلادی راه آهن از بوشهر تا برازجان بطول ۶۰ کیلو متر ساخته شد واین خط آهن نیز جنبه نظامی داشت و بعد ازخاتمه جنك گذشته ازطرف مقامات نظامی انگلیسها پیشنهاد فروش آن بشهرداری بوشهر شد چون بودجه شهرداری تکافوی خرید آنرا نمینمود بالاخره خط آهن مزبور را خراب ومصالح ولوازم آنرا ببصره انتقال دادند .

اکنون پل چوبی آن در محل سوراحمدی باقیمانده ورو بخرابی است گویا این پل چوبی بمنزله پاداش خسارات وتلفات ایرانی درجنك بین‌الملل گذشته وده که نمایندگان ایران‌از جمله مرحوم مشاورالممالك انصاری درپاریس مطالبه میکردند ولی « لرد کرزن» فقید مذاکرات در خصوص خسارات ایران را منوط بعقد قرارداد ایران و انگلیس درسال ۱۹۱۹ میلادی نمود که عاقبت نمایندگان ایران بدون حصول نتیجه بایران مراجعت کردند-درجنك عمومی‌دوم قریب چهارسال ۳۳هزار نفرکارگران فنی وغیر فنی‌ایرانی بحمل ونقل مهمات جنگی درراه آهن مشغول‌بودند ومتجاوزازچهارمیلیون تن محمولات جنگی متفقین از خلیج‌فارس بکشور اتحاد جماهیرشوروی رسانیدند ودرپرتو این فعالیت وحصول‌این‌موفقیت راه آهن ایران معروف به پل پیروزی گردید باید دید درعوض چه پاداشی بایرانی‌داده شود- نویسنده درحیرتم که چگونه‌راه آهن ایران باصرف‌سی میلیون‌لیره دارائی این‌ملت فقیروچند سال مشقت ورنج فراوان‌عاقبت این راه‌آهن‌وبال جان ایرانی گردید وبمصداق «دشمن‌طاوس آمد پراو» ایران از فواید مادی ومعنوی آن برخوردار نگردید .

# خاتمه

چون نویسنده این کتاب درحین مسافرت وسیاحت خود در قسمتی از کشور عدهٔ دانش آموزان هرشهر را نسبت به بساکنانش بی‌اندازه نا چیز و کم میدیده واز مشاهدات خود متاثر میشده واین کمی آموزشگاههـا و قلت دانش جویان را منافی آن هدف عالی یك کشوری تشخیص داده که میخواهد رهسپار جـاده ترقی و تکامل باشد چنانـکه در حقیقت موجبات بدبختیها وپریشانی‌های امروزه همین محدود بودن دایره تعلیمات عمومی است که ازجهالت ونادانی ناشی گردیده وسبب نفاق وپریشانی شده است هرگاه دایره‌فرهنك آنچنانـکه میبایستی بسط وتوسعه یافته بود ودرپرورش و آماده ساختن نسل کنونی غفلت نمیکردند بطور مسلم این‌همه فسـاد اخلاق وزبونی وپریشانی درکـشور وجود نداشت وافق زندگانی روشنتر وصافتر مینمود ایران‌امروز نیازشدیدی بیك سازمان مجهز آموزش‌وپرورش دارد که‌برای مبارزه باجهال وفساد و آماده‌ساختن یك نسل سالم‌ونیرومند کـه روح ایمان ومیهن دوستی را در دلهای جوانان تقویت کند ـ اکنون ختم نـگارش این کـتاب باطلوع روزنه امید بخشی مصادف شده این‌حسن مقطع یا روزنه امید همـانا تصویب یك اعتبار اضافی بمبلغ پنجاه‌میلیون وچهارصد هزار ریال علاوه بر بودجه سال سال ۱۳۲۳ خورشیدی برای وزارت فرهنك میباشد این اضافه بودجه مصوبه بمنظور اجرای تعلیمـات اجباری وعمومی است کـه در سال جاری باتأسیس یکصد دبستان جدید در شهرستانها وقصبات آغاز خواهد شد این کار نیك واقدام شایان تحسین منتها آمال دیرینه این نویسنده وسـایر ترقیخواهان ایرانی از بدو طلوع مشروطیت درایران بوده ـ این اقدام بزرك اصلاحی همـانقدر در خور اهمیت وتوجه‌میباشد کـه یك ملتی‌رازنده‌وازخواب‌عمیق بیدارخواهدنمود چه‌تازمانیـکه تعلیمات عمومی درایران‌توسعه بسزائی نیابد ایرانیان‌تکالیف

فردی وملی خود را نشناخته و برای حفظ حقوق حقه خویش قیام نخواهند کرد و تباهی و فساد عظیمی در دستگاه دولت و ملت حیات عمومی را بشدت تهدید مینماید .

هر کس تاریخچه چهل ساله مشروطیت ایران را باتاریخ مشروطیت کشور ژاپن قیاس کند حقیقت گفته نویسنده را تصدیق خواهد کرد دراین مدت رجال وزمامداران ایران برخلاف سایردول دیگر نفع خود رادر بیسوادی مردم وچنین تشخیص دادند که هر قدر جهل ملت بیشتر باشد همانقدر تحمل واطاعت کور کورانه آنها زیادتر خواهد بود غافل ازاینکه صلاح وفلاح آنها در دانائی وتوانائی ملت است چه این بساط وحشت وغم انگیز وفقر وجهل عمومی باعث نفرت مردم و غضب خداوندی و نزول بلای آسمانی وبروزانقلاب ودست اندازی بیگانگان وسقوط وازدست رفتن استقلال وانقراض کشور چند هزار ساله ایران خواهد شد ـ جنگ عالم گیر گذشته بهترین درس عبرت برای رجال ایران بود ۲۵ سال غافل نشسته وآنقدر درتکرار اشتباهات بسر بردندکه فرصت گرانبهائی را ازدست دادند اکنون همان وضعیت ادامه دارد موضوع «حتی تاتیهم الساعه اویاتیهم عذاب یوم عظیم» مصداق پیدا کرده هرگاه ازهمین اکنون زمامداران امور کشور و نمایندگان ملت در صدد چاره جوئی برنیایند باشد که رشته ها ازهم گسیخته وشیرازه امور بیك باره متلاشی گردد که دیگر بهیچوجه اصلاح پذیر نبوده وحوادث غیر منتظره رو دهد و استقلال این کشور درخطر افتد.

بعقیده نویسنده اولین قدم برای اصلاح فرهنك بودجه کافی واصلاح برنامه تعلیمات وتهیه کتب سودمند برای هریك ازدوره های ابتدائی ومتوسطه وهمچنین مجزا نمودن اداره اوقاف از وزارت فرهنك بصورت یك وزارت مستقلی بنام «وزارت اوقاف و ابنیه تاریخی» میباشد تا با بهترین وجهی موقوفات این کشور را اداره و درآمد سرشار آن بخوبی جمع آوری

وبدرستی بمصارف حقیقی ونگاهداری ابنیه وآثار باستانی وحداکثر استفاده برسد قسمتی ازاین درآمد بمنظور بهداری وفرهنگی اختصاص داده شود که صرف مدارس شبانه روزی برای کودکان یتیم ومستمند ودار العجزه و بیمارستانهای مجانی گردد واز این طریق بمصداق «من احیا نفساً فکانما احیاالناس جمیعاً» روح بانیان خیر موقوفات شاد میگردد .

ضمناً قانونی ازمجلس شورای ملی بگذرد و موقوفاتی که هر کس تصرف نموده وبصورت تملك شخصی درآورده بازگردانند در اینصورت یك پیکر بزرگی را درآمد موقوفات کشور تشکیل خواهد داد وبا این عایدات هنگفت میتوان کار های بزرگی برای این ملت پریشان حال انجام داد .

وظیفه وزارت فرهنك است که تربیت معلم وآموزگار وتأمین احتیاجات مادی ومعنوی آنها را فراهم نموده وتهیه کتب مفیده واصلاح برنامه طبق احتیاجات محلی واستفاده ازبهترین روش تعالیم دول مترقی و بنیاد ساختمانهای فرهنگی و توجه کافی بتربیت و ترویج فضایل اخلاقی وادبی وایجاد وتشکیل یك هیئت مدیره مستقلی برای یك مدت طولانی وغیر محدود باطرح یك نقشه فرهنگی غیر قابل نفوذ وتأسیس انجمن های ادبی و اطلاعات و هنرهای دیگر که بعدها ملت از فواید آن برخوردار شوند از اهم وظایف سازمان جدید فرهنك مستقل خواهد بود که درنتیجه دراموور مالی وفنی بتواند نقشه جامع ودرستی برای همیشه بااتخاذ بهترین روشها تهیه نمود وآمال وآرزو های دوستداران فرهنك برآورده شود وتربیت اتکالی رابپرورش استقلالی مبدل سازد با تفکیك امور فرهنك از سیاست وبحرانهای متغیر روزانه نجات یابد .

عدالت اجتماعی وقتی درایران پدیدار خواهد شد که فرهنك کشور موجبات ظهور آنرا فراهم نماید بنابراین هروزیری ویا مصلح خیراندیشی که این آرزوی ملی رابمرحله عمل رساند مانند واشنگتون فقیدرئیس جمهوری

امریکا نام خودرا درسر لوحه تاریخ کشور ثبت جاودان خواهدنمود .

گویند هنگامیکه واشنگتون نخستین رئیس جمهوری امریکا بتدوین قانون اساسی امریکا مشغول بود نزدیکانش باو گفتند که برای شخص رئیس جمهوری امتیازی واختیاراتی درقانون اساسی مقرردارد ولی آنمرد عالیمقدار که حسن نیت و شخصیت عالی داشت ازگفته آنان سرباززده وجواب داد که این را میدانم تا شخصاً شاغل اینمقام ودارای مسئولیت ریاست جمهوری امریکامیباشم درموردچنین امتیاز واختیاراتی خیانت نخواهم کرد ولی همینکه دیگران باین مقام انتخاب شدندچندان اعتماد بدیانت آنها نخواهم داشت. اکنون پایتخت امریکا بنام این شخص بزرك نامیده میشود نامش همیشه جاویدان است .واساس استواری این مردتاریخی بجای نهاد ملت بااستعداد امریکا باتوجه واهتمام زمامداران لایقی که بعدآدارا گردید درکلیه شئون زندگانی طوری پیشرفت نمود که امروزه از بزرگترین ملل راقیهٔ دنیا بشمارمیرود. یکی ازمظاهر برجستهٔ تمدن امریکاروش مخصوص تعلیم و تربیت آنکشور بزرك است که امروزه سرمشق جهانیان قرارگرفته وبایستی کشور ماهم ازمزایای آن روش عالی وپرورش وسیع وسودمند امریکا استفاده های شایانی بعمل آوردو برعهدهٔ اولیای فرهنگی است که فرهنك امروزه مارا بافروغ درخشان فرهنك امریکاروشن سازد که درنتیجه روح میهن پرستی ونوع خواهی درکالبد بیروح این ملت پیدا شود . چه فرهنگ ما باوسعت دایره معانی ورفعت مقام آن از مزایای تربیتی وجنبهٔ عملی تا حدی محروم گردیده واین نقیصه مارا ازپاره تمتعات تحصیلی بازداشته و آن نتایج عالی که باید ازتعلیمات عمومی گرفته شود بدست نمیآید اینك کتاب را بپایان میرساند وترقی وتعالی فرهنك این ملت را از خدای دو جهان مسئلت مینماید .

پایان

# غلطنامه

| صفحه | سطر | غلط | صحیح |
| --- | --- | --- | --- |
| ٦ | ١٤ | قرار داده | قرار دارد |
| ٩ | ١٣ | قریه طروق | قریه‌طبروق |
| ١٩ | ٢٥ | ممالك | شهرها |
| ٢٧ | ١٤ | بیزارجان | بیرازجان |
| ٢٨ | ٩ | بیزارجان | بیرازجان |
| ٣٠ | ١٨ | کتبهٔ | کتیبه |
| ٣١ | ١٤ | تمباکو | تنباکو |
| ٣٣ | ١٥ | درزاب | دزداب |
| ٤٣ | ٩ | قوت | فوت |
| ٥٨ | ١٩ | مشهد مرغات | مشهد مرغاب |
| ٦١ | ١٨ | هارد فورد بربج | هارد فورد بریدج |
| ٦٤ | ٢ | سنبدهای | گنبدهای |
| ٦٧ | ١٧ | پل بگینه | پل آبگینه |
| ٧٣ | ١٤ | بجنوت | بجنوب |
| ٨١ | ٢١ | گنبد کبر | گنبد گبر |
| ٨٦ | ٤ | تریت | تربیت |
| ٩٠ | ٢٣ | تحت بحری | تحت البحری |
| ٩٥ | ١٥ | ابرانیان | ایرانیان |
| ٩٦ | ٤ | دهستان داشته | دهستان بوده |
| ٩٦ | ٧ | مباشد | مباشند |
| ١٠٨ | ٢٠ | ابویزبد | ابویزید |
| ١١٤ | ١٧ | نیار کررس | نیار کورس |
| ١١٧ | ٥ | فتحعلی شام | فتحعلی شاه |
| ١١٧ | ١٧ | کشتی | کشتی ها |

سال هجری که دراین کتاب نوشته شده منظور سال هجری قمری است

| ٨١ | ٢٢ | حرث | حدس |
| --- | --- | --- | --- |